

بررسی نرخ مسکن در ۱۰ سال گذشته از این رو حائز اهمیت است که در شناسایی دوره‌های رونق و رکود بازار ملکی به ما کمک می‌کند. تشخیص درست زمان آغاز و پایان دوره‌های رونق و رکود، مهم‌ترین عامل در ترسیم نمودار نرخ درست بازار مسکن برای ماه‌ها و سال‌های پیش‌رو است. به این صورت که دوره رکود از ابتدای تابستان ۱۳۹۲ شروع شده و تا زمستان ۱۳۹۵ ادامه داشته است. در زمستان ۱۳۹۵، با پایان یافتن دوره رکود، دوباره دوره رونق شروع شد و تا آخر پاییز ۱۳۹۹ ادامه داشته است. از اول زمستان ۱۳۹۹ دوره رکود دوباره شروع شد و تا امسال (۱۴۰۲) همچنان ادامه دارد. همچنین با بررسی نرخ مسکن در شهر تهران در یک دوره ۴۰ ساله، مشاهده می‌شود دوره‌های رونق معمولاً خیلی کوتاه‌تر از دوره‌های رکود هستند.

کارشناسان بر توجیه پذیری مولدسازی دارایی‌های دولت تاکید دارند

فروش به شرط توسعه

۲۶ طرح مولدسازی را بررسی و تصویب کردند. کارشناسان بر این باورند که این لایحه اقدام جدید و تازه‌ای نیست و هدف ذاتی آن نوعی بهینه‌سازی اموال است. اما نکته قابل توجه تاکید بر بین‌النسلی بودن این دارایی‌ها و اموال دولتی است؛ بنابراین تنها هزینه‌کرد این درآمد، در توسعه زیرساخت‌ها و تولید مولد، فروش دارایی‌های مازاد را توجیه‌پذیر می‌کند.

آن داشت تا اسفند سال گذشته اصلاح این‌نامه اجرایی لایحه مولدسازی دارایی‌های دولت را در دستور کار قرار دهد و در نهایت این‌نامه اجرایی مولدسازی دارایی‌های دولت، در خصوص نظارت و ضمانت‌های اجرایی و انطباق هرچه بیشتر احکام این‌نامه با ضوابط قانونی اصلاح و برای بررسی دوباره راهی مجلس شد. نمایندگان مجلس نیز در جلسه علنی ۱۷ مرداد، ماده

بعد از طرح لایحه مولدسازی در دولت سیزدهم بسیاری از کارشناسان اشکالاتی را به این طرح وارد کردند و پرسش‌های اساسی را پیش‌روی دولت قرار دادند. پرسش‌هایی از این دست که تلفی دولت از مولدسازی چیست؟ آیا مولدسازی به‌مثابه فروش اموال و دارایی‌های دولتی است و آیا هدف جبران کسری بودجه است؟ چالش‌های مسیر اجرای این لایحه دولت را بر



دستورالعمل جدید تامین ارز صنایع خودروسازان ابلاغ شد

در دسر جدید برای تولید

چید

احیای واحدهای راکد و توسعه شهرک‌های صنعتی

گفت‌وگوها

توسعه نیافتگی در دبی در مان تولید

لزوم پایبندی به مصوبه شورای عالی کار

گزارش‌های روز

مصوبات کاغذی راه به جایی نمی‌برند

قصه برندهای خاطر ساز

همه چیز خوب پیش می‌رفت تا اینکه بزرگ شدیم و بسیاری از محصولات نیز با گذر زمان جای خود را به خاطرات دادند. به خود امدیم و دیدیم که برندهای معروف و بزرگ، دیگر جای خود را به برندهای جدید و از راه رسیده داده‌اند. البته برخی از برندهای قدیمی توانستند در برابر جذابیت برندهای جدید مقاومت و همچنان موقعیت خود را حفظ کنند و برخی دیگر میدان را خالی کردند و رفتند. البته از میان برندهای قدیمی، تعدادی از آنها با وجود چند سال تعطیلی توانستند در نهایت تولید مشتری را با برخی از کارخانه‌های دیگر شروع کنند. اصلاً سروکله این برندها از کجا پیدا می‌شود؟ در این بین برخی از برندها آنقدر جایگاه خوبی در جامعه پیدا می‌کنند که رفته رفته جای نام محصول را می‌گیرند. مانند ریکا، دالستر، ساندیس، پفک، وایتکس و... این نام‌های قدیمی اگر سن و سال تان هم به زمان عرضه آنها قد ندهد، حتماً برای یک بار هم که شده اسم‌شان به گوش تان خورده و نسام آنها را از پدرها و مادرها یا تلویزیون شنیده‌اید. زندگی‌نامه برخی از برندها در ایران بیشتر شبیه داستانی است که شنیدن آن، هم غم‌انگیز است و هم طعم گس نوستالژی را در مذاقت زنده می‌کند. حالا مرگ برندها در پی مشکلات اقتصادی به قصه‌ای تکراری اما تلخ و در عین حال شنیدنی تبدیل شده است. البته برندهایی مانند اراج و آزمایش و عالی‌نسب همچنان با وجود تمام فراز و نشیب‌ها به فعالیت ادامه می‌دهند.

آگهی تجدید مزایده عمومی

موضوع مزایده: غبار دیداستینگ

شرکت فولاد هرمزگان جنوب در نظر دارد مقدار ۹۴۰۰۰ تن غبار دیداستینگ مازاد خود را از طریق مزایده عمومی مطابق جدول ذیل به فروش برساند. کلیه اشخاص حقوقی می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۲ الی ۱۴۰۲/۰۶/۰۲ (به استثنای ایام پنجشنبه و تعطیل رسمی) پس از واریز مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال به حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه کمرک بندرعباس - بنام شرکت فولاد هرمزگان جنوب و ارسال فیش واریزی به شماره کسب ۰۷۶-۳۳۵۳۰۰۵۵ و یا پست الکترونیک soleimani.m@hosco.ir نسبت به خرید اوراق، هماهنگی جهت بازدید از موضوع مزایده (حداقل ۸ ساعت قبل از حضور باید هماهنگی‌های لازم صورت پذیرد) و تحویل پاکت اقدام نمایند.

شماره مزایده	شرح کالا	واحد	مقدار	مبلغ ضمانت (ریال)
۰۲۰۴۰۲	غبار دیداستینگ	تن	۹۴۰۰۰	۲,۸۲۸,۰۰۰,۰۰۰

جدول زمانی انجام مزایده:

تاریخ شروع فروش اسناد	تاریخ پایان فروش اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت	تاریخ گشایش پاکت‌ها
۱۴۰۲/۰۵/۲۲	۱۴۰۲/۰۶/۰۲	۱۴۰۲/۰۶/۰۵ تا ساعت ۱۲:۰۰	۱۴۰۲/۰۶/۰۷

محل تحویل پاکت‌ها و هماهنگی جهت بازدید: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ جاده اسکله شهید رجایی، شرکت فولاد هرمزگان جنوب، ساختمان هرمز ۱- اتاق ۱۰۹- واحد فروش خدمات و اقلام مازاد.

همچنین متقاضیان محترم برای آگاهی بیشتر می‌توانند در ساعات اداری با شماره تلفن ۰۷۶-۴۴۸۴۸۵۶۷ و یا ۰۷۶-۳۳۵۳۰۰۵۵ داخلی ۸۵۶۷ تماس حاصل فرمایند و یا به سایت فولاد هرمزگان www.hosco.ir مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان جنوب

سیزدهمین نمایشگاه تخصصی زنجیره تامین معدن، سیمان، فولاد، تونل سازی، راهسازی، ماشین آلات و تجهیزات وابسته

۱۲ لغایت ۱۵ دی ماه ۱۴۰۲ ساعت بازدید: ۱۵ الی ۲۱

کمرندی شرق، روبروی منطقه روشن دشت، نمایشگاه بین المللی اصفهان

Isfahan Minex 2024

The 13th Specialized Exhibition of The Supply Chain of Mining, Cement, Steel, Tunneling, Road Construction, Machinery & Related Equipment

1-8 January 2024 Visiting Hours : 15-21 Isfahan International Exhibition Center, Iran

+989120295791 Rastakmining.events info@rastak-expo.com

Organizer: Rastak Pad Vision Co. Tel:(+98) 21 88346455 -7 www.rastak-expo.com

برگزار کننده: رستاک پاد ویژن تلفن: ۰۲۱ ۸۸۳۴۶۴۵۵-۷

آگهی مزایده شماره ۰۰-۴۶۲-SI

شرکت فولاد سیرجان ایرانیان در نظر دارد ۱۸۷ عدد تیوب مسی برگشتی از تولید موجود در مجتمع احیاء و فولادسازی بردسیر کرمان را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

لذا از تمامی داوطلبان دعوت به عمل می‌آید به منظور خرید اسناد مزایده پس از واریز مبلغ ۷۰۰۰۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۱-۶۷۶۷۶۷۷-۸۶۰۰-۳۰۷ نزد بانک پاسارگاد شعبه میرزای شیرازی به نام شرکت فولادسیرجان ایرانیان همراه با فیش واریز و معرفی‌نامه از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۷ لغایت ۱۴۰۲/۰۵/۲۸ به دفتر شرکت فولادسیرجان ایرانیان مراجعه نموده و پیشفهادات خود را به صورت کتبی بر اساس اسناد مزایده حداکثر تا پایان وقت اداری ۱۴۰۲/۰۶/۰۴ به دفتر این شرکت ارائه دهند. لازم به ذکر است امکان بازدید بدون دریافت اسناد فیزیکی وجود ندارد.

تلفن ضروری: ۰۳۴۳۱۲۴۵۵۰ داخلی ۵۷۱۹ و ۵۷۱۸

دفتر کرمان: بلوار جمهوری اسلامی، خیابان هزارویکشب، کوچه ۱۷، انتهای کوچه سمت راست، ساختمان سیسکو، طبقه هفتم.

دفتر تهران: خیابان ولیعصر، بالاتر از پارک ساعی، خیابان ساعی دوم، پلاک ۶ برج الماس ساعی، طبقه دهم

امور بازرگانی شرکت فولاد سیرجان ایرانیان

نقش انرژی در آینده ایران

(بخش پایانی)



رضا پدیدار رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران

در جلسات سازمان اوپک، براساس موقعیت تولید و صادرات نفت و گاز هر کدام از اعضا، میزان تولید و صادرات هر کشور در سید نفتی اوپک هر ۳ ماه یکبار تعیین می‌شود. در سال ۲۰۲۲ براساس آخرین اظهارات مقامات اوپک، تولید نفت خام اوپک در این سال برابر ۳۳.۸ میلیون بشکه در روز تعیین شد که بانوجه به تحولات سیاسی حاکم بر بازارهای اقتصادی، این میزان به حدود ۳۱.۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. هرچند در عمل و بناظر به محدودیت‌های خرید نفت خام از نواح روسیه و اوکراین مجموع تولید نفت اوپک به کمتر از ۲۸.۸ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. بانوجه به اینکه بررسی میزان تولید و صادرات نفت و گاز ایران به عواملی مانند تحریم، وضعیت پرداختی بازارهای هدف، مشکلات داخلی و... وابسته است، نمی‌توان دقیقاً حدس زد که سهم تولید نفت و گاز ایران در سید نفتی اوپک چقدر خواهد بود. در آخرین نشست اوپک توافق بر این شد که سهم کشورهای عضو در سید نفتی اوپک براساس میزان تولید نفت خام هر کشور تعیین شود که با نظر به آخرین مذاکرات اوپک پلاس، کاهش ۲ میلیون بشکه‌ای تولید نفت خام معافیت ایران از تعیین سهمیه، پیش‌بینی می‌شود اسمال ایران قادر به حفظ سقف تولید ۲.۸ میلیون بشکه از ظرفیت ۳.۸ میلیون بشکه‌ای نفت خود باشد. البته ظرفیت‌های نفت و گاز ایران حاکی از آن است که هنوز فرصت‌های بی‌نظیر توسعه نفتی و گازی در کشور وجود دارد. اگر به‌دستی توسعه میدان‌های گازی را دنبال کنیم، میدان‌های نفتی را توسعه دهیم و گازهای همراه نفت حاصل از این توسعه میدان‌ها را به‌دست بیاوریم، روی مسئله بهینه‌سازی مصرف در داخل بیشتر تمرکز داشته باشیم، آینده روشن است، اما غفلت از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها تصویری ناخوشایند از آینده انرژی‌های هیدروکربوری در ایران را به‌نمایش می‌گذارد، ضمن آنکه اکنون انرژی‌های تجدیدپذیر پشت‌درها منتظر ایستاده‌اند تا جای انرژی‌های فسیلی را بگیرند و اندکی تأخیر در عمل و سستی، فرصت ظهور این ظرفیت‌ها را نیز از ایران خواهند گرفت. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید بر تحقیق آن پافشاری کنیم، مسئله افزایش ضریب بازیافت نفت‌خام و همین‌طور فشارافزایی در میدان مشترک پارس جنوبی است. در حال حاضر متوسط ضریب بازیافت نفت‌خام در همه دنیا حدود ۳۴ درصد است، اما ضریب فعلی بازیافت نفت خام در ایران حدود ۱۰ درصد از این میانگین پایین‌تر است. اگر به ضریب بازیافت نفت خام در کشورهایمانند عربستان که حدود ۵۰ درصد و ۲ برابر ضریب بازیافت نفت‌خام ایران است، نیندیشیم، حداقل باید به میانگین جهانی دست یابیم. این ازدیاد برداشت، کمک خواهد کرد که سرمایه ملی، زیرزمین مدفون نشود و خلاف تصور عوامانه و مردود، ثروت ملی از این طریق برای نسل‌های آتی حفظ شود. از طرفی، تصور کارشناسان بر این است که ایران با توسعه و ازدیاد برداشت، می‌تواند ۷ میلیون بشکه در روز ظرفیت تولید نفت خام داشته باشد. درباره گاز طبیعی نیز حداقل ۵۰۰ میلیون مترمکعب در روز توان ظرفیت نهفته در کشور وجود دارد و باید هرچه سریع‌تر آن را از حالت بالقوه به‌حالت بالفعل درآوریم. اکنون کشورهای دارنده منابع هیدروکربوری با سرعت تمام با بالاترین ضریب ممکن در حال توسعه و برداشت نفت و گاز هستند. در همسایگی ما نیز کشور عراق را می‌توان مثال زد که تولید تاریخی آن نصف ایران بوده، اما اکنون روی دستیابی به تولید ۵ میلیون بشکه و سپس ۷ میلیون بشکه در روز بحث می‌کند و جایگاه ایران را در اوپک در دست گرفته است. این کشور با استفاده از تکنولوژی روز جهان توسعه صنعت نفت خود را تسریع کرده و باید با بهبود روابط بین‌المللی و انتقال سرمایه و تکنولوژی، خودمان را از این ثروت و جایگاه در خور بین‌المللی محروم نکنیم.

در این زمینه برخی می‌گویند نفت و گاز سرمایه بین‌نسلی است و باید آن را برای نسل بعدی حفظ کرد، اما رویکرد جهان از سال ۲۰۵۰ نسبت به انرژی مصرفی تغییر کرده و پیش از آنکه انرژی‌های تجدیدپذیر و هیدروژن، منابع نفت و گاز ما را از سید انرژی مصرفی دنیا خارج کنند، باید آنها را توسعه بدهیم و برای این کار سرمایه و تکنولوژی لازم است که در اختیار ما نیست، اما با بهبود روابط بین‌المللی و منطقه‌ای و ایجاد یک شرایط برد - برد، می‌توان به سرمایه و تکنولوژی موردنظر رسید. همچنین با عبور از خودتحریمی‌ها و اصلاح سیاست‌های انرژی و بهینه‌سازی مصرف، می‌توان این ثروت را پیش از اتمام عمر نفت، استخراج کرد و درآمد آن را به بخش‌های مولد اقتصاد تزریق کرد تا به‌مرور سهم نفت در این اقتصاد بزرگ و مولد کمتر از سایر بخش‌ها شود.

بنابراین آینده انرژی در ایران به اراده و تصمیمی وابسته است که امروز می‌گیریم. می‌توان آینده انرژی در ایران را چنین تصور کرد که توانسته‌ایم به‌خوبی از ظرفیت‌های موجود استفاده کنیم و زمانی که دنیا به‌سمت انرژی‌های نو حرکت می‌کند، یکی از بازیگران اصلی باشیم یا آنکه با یک ثروت عظیم در زیر خاک خداحافظی کنیم و وابسته به کشورهای دیگر در تأمین انرژی باشیم.

آنچه امروز جای آن در رسیدن به موقعیت ممتاز در زمینه انرژی خالی است، تصمیم و اراده ملی و هم‌صدایی برای حال و آینده ممتاز در زمینه انرژی است. باید روی توسعه و مدیریت مصرف انرژی با سیاست‌های صحیح مدیریتی بیشتر تمرکز شود و تنها منافع ملی اساس سیاست‌گذاری‌ها باشد.

۲۶۹ شهر کشور در تنش آبی به‌سر می‌برند

مهم از ابتدای دولت در بخش شبکه فاضلاب و تصفیه‌خانه تا به امروز به بهره‌برداری رسیده است. آمینی درباره مدیریت مصرف گفت: بحث مدیریت مصرف چندوجهی است و فقط اقدام‌های فرهنگی را شامل نمی‌شود. وی اظهار کرد: وزارت نیرو در بحث مدیریت مصرف سیاست‌های فنی، تکنیکی، فرهنگی، قانونی و اجتماعی را همزمان دنبال می‌کند. سخنگوی صنعت آب و آبفای کشور، میانگین مصرف کشور را ۲۳۰ لیتر در شبانه‌روز اعلام کرد و گفت: از این میزان ۱۹۰ لیتر در بخش خانگی و ۴۰ لیتر در بخش غیر خانگی به‌مصرف می‌سد که تلاش می‌شود با اقدام‌های مختلف این میزان به ۱۵۰ لیتر کاهش یابد.

تاب‌آوری شبکه و افزایش ظرفیت مخازن، پروژه‌های بازسازی خطوط انتقال و... پیش‌بینی شده است که پروژه‌ها برای کل شهرهای کشور به‌طور هفتگی رصد و پایش می‌شود. سخنگوی صنعت آب با بیان اینکه در حال حاضر ۲۶۹ شهر دارای تنش آبی هستند، گفت: برای شهر مشهد به‌لحاظ شرایط بحرانی سد دوستی پروژه‌هایی متعدد، همچنین در تبریز به‌دلیل از دست دادن سد نهند پروژه‌هایی را تعریف کرده‌ایم. در طبرستان و زنجان و چاب‌ساز و سیستان و همچنین آب‌های زیرزمینی، دچار مخاطره هستند و تماماً پروژه تعریف شده است. سخنگوی صنعت آب و آبفای کشور خاطرنشان کرد: ۱۲ پروژه

سخنگوی صنعت آب گفت: ما ۸۴ پروژه در سطح کشور در دستور کار داریم و امروز مورد حادی برای تأمین آب وجود ندارد. به‌گزارش اینلنا، هاشم آمینی در نشست خبری درباره شهرهای دارای تنش آبی اظهار کرد: شرایط اقلیمی و کاهش بارندگی باعث شده سالانه در برخی شهرها ناترازی منابع و مصارف آب داشته باشیم و دسترسی مشترکین به آب شرب دچار مخاطره شود. برای حل این موضوع آبفا با پایش منابع و مصارف و بررسی ناترازی تأمین و مصرف پروژه‌های مختلفی را تعریف کرده است. وی ادامه داد: در سند ۴ ساله مدیریت تنش آبی افزایش پایداری و

احیای واحدهای راکد و توسعه شهرک‌های صنعتی در دستور کار

و به‌تنهایی قادر به انجام آن نیستیم. وی با بیان اینکه صنعتگران به‌جای بردن سرمایه خود به بازارهای سفته‌بازی در بخش تولید و صنعت حضور یافته‌اند و این اقدام آنها جای تقدیر دارد، گفت: باید به‌سمت صنایع فناوری پایه و انسان‌پایه حرکت کنیم. شرکت صنایع کوچک این استراتژی را دنبال خواهد کرد.

وزیر صمت با انتقاد از کشت محصولات آب‌بر افزود: کشور ما کشور مناسب کشاورزی نیست و آب به‌قدر کافی نداریم. بنابراین، منابع آبی باید به‌سمتی برود که حداکثر بهره‌وری را می‌دهد.

به‌گفته وزیر صمت، به‌زودی طرح‌های بزرگی در حوزه برق و آب در سطح صنایع شروع می‌شود تا چالش آب و برق برای صنایع کمتر شود. همچنین، باید زیرساخت‌های صنعتی ایجاد کنیم و در انقلاب پنجم باید به‌سمت هوشمندسازی و شرکت‌های دانش‌بنیان برویم.

با ۱۸.۳۵۶ میلیارد ریال و ۴ واحد با ۹.۲۴۵ میلیارد ریال تومان افتتاح می‌شود که زمینه اشتغال ۷۲۲ نفر را فراهم می‌کند. وزیر صمت گفت: امیدواریم بتوانیم در راهبرد وزارت صمت ضمن حمایت از این واحدها و شناسایی نقاط ضعف آنها، خوشه‌های صنعتی ایجاد و زمینه را برای مقاوم کردن صنایع کوچک فراهم کنیم و از سوی دیگر، هزینه صنایع کاهش یابد. وزیر صمت با تأکید بر احیای ۲ هزار طرح صنعتی یا شرکت راکد اظهار کرد: هرچقدر جلوتر می‌رویم، به‌جای پرداختن به ایجاد صنایع بزرگ باید متوجه شرکت‌های کوچک باشیم.

علی‌آبادی افزود: میزان سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی صادرات‌محور در شرکت‌های کوچک رودت‌تر از شرکت‌های بزرگ محقق می‌شود، همان‌طور که برای ایجاد زیرساخت در شهرک‌های صنعتی باید هزینه‌های زیادی صرف کنیم

وزیر صمت گفت: حمایت از صنایع کوچک در دستور کار وزارت صمت است و به‌دنبال احیای واحدهای راکد، مقاوم کردن صنایع، کاهش هزینه‌ها و توسعه شهرک‌های صنعتی هستیم. به‌گزارش مهر، عباس علی‌آبادی امروز در مراسم افتتاح همزمان ۲۰ پروژه زیرساختی، طرح و واحد راکد احیاشده در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور اظهار کرد: سیاست ما در وزارت صمت حمایت از صنایع کوچک است، زیرا این صنایع با سرمایه‌اندک اشتغالزایی و ارزش‌افزوده بالایی دارند، همچنین صنایع کوچک، چابک هستند و با سرعت خود را با شرایط تطبیق می‌دهند. از سوی دیگر، دانش‌محور و انسان‌محور هستند، در حالی که صنایع بزرگ این ظرفیت را ندارند.

وی ادامه داد: ۹ پروژه زیربنایی با هزینه ۱۸۸۸ میلیارد ریال، ۷ طرح صنعتی



تعریف ۳۶ میلیارد دلار پروژه بهینه‌سازی انرژی

رسیدیم و یک میلیارد مترمکعب گاز در کشور تولید می‌شود، گفت: البته ظرفیت تولید نفت ۳ میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه در روز است. وی با تأکید بر بهره‌برداری از ۱۵ میلیارد دلار پروژه نیمه‌تمام نفتی پارسال افزود: اسمال نیز ۱۲ میلیارد دلار پروژه نیمه‌تمام به بهره‌برداری می‌رسد که افزایش تولید گاز، نفت و فرآورده‌های نفتی را رقم خواهد زد.

وزیر نفت ادامه داد: از جمله این طرح‌ها می‌توان به بهره‌برداری از پالایشگاه فاز ۱۴ پارس جنوبی اشاره کرد که ۵۰ میلیون مترمکعب به ظرفیت فرآورش گاز کشور اضافه کرد.

اوچی به بهره‌برداری از فاز ۲ طرح توسعه پالایشگاه آبادان اشاره و تصریح کرد: با بهره‌برداری از این طرح، ۲۱۰ هزار بشکه به ظرفیت پالایشگاه آبادان و ظرفیت پالایش نفت کشور افزوده شد. در زمینه جمع‌آوری گازهای مشعل نیز پروژه ان‌جی‌ال ۳۲۰۰ به بهره‌برداری رسید.

وی افزود: این روزها نیز آماده بهره‌برداری از فاز ۱۱ پارس جنوبی هستیم که

وزیر نفت با بیان اینکه اگر در بهینه‌سازی مصرف خوب کار کنیم، بخش اعظمی از ناترازی انرژی جبران می‌شود، گفت: ۳۶ میلیارد دلار پروژه در شورای اقتصاد برای بهینه‌سازی در بخش‌های مختلف داریم.

به‌گزارش وزارت نفت، جواد اوچی در آیین گشایش کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی بهینه‌سازی مصرف و بهره‌وری انرژی ایران، با اشاره به اینکه امروز صنعت نفت یکی از مهم‌ترین صنایع کشور است، افزود: تأمین امنیت انرژی کشور برعهده این وزارتخانه است و ۹۵ درصد انرژی کشور از نفت تأمین می‌شود.

وی ادامه داد: موضوع ناترازی گاز و فرآورده‌های نفتی مقوله مهمی است که شامل افزایش تولید و بهینه‌سازی مصرف می‌شود.

وزیر نفت تأکید کرد: در دولت سیزدهم با همراهی مجلس شورای اسلامی برنامه‌ریزی خوبی برای افزایش تولید نفت و گاز انجام شده است. اوچی با اشاره به اینکه امروز به عدد ۳ میلیون و ۱۹۰ هزار بشکه تولید نفت



با «توافق موقت» موافق نبوده و نیستیم

نتیجه مذاکرات یک طرف با ۶ طرف است، در حالی که حتی اگر مذاکره دوطرفه بود هم طرفین در مذاکره حرف‌ها و خواسته‌هایی دارد. امیرعبدالله‌پسند ادامه داد: در مسئله زندانیان، این موضوع برای ما یک موضوع کاملاً انسانی است و هیچ ارتباطی بین موضوع زندانیان به‌عنوان یک موضوع انسانی با آزادسازی منابع خود قائل نیستیم. بنابراین، یک صورت جلسه درباره چگونگی تبادل زندانیان و یک صورت‌جلسه دیگر با موضوع آزادسازی منابع کشورمان وجود دارد.

وزیر خارجه کشورمان یادآور شد: پنجشنبه گذشته اموال و دارایی‌های بلوکه‌شده ایران نزد کره‌جنوبی به بانکی در اروپا منتقل شد، براساس توافق

وزیر امور خارجه با بیان اینکه دستگاه دیپلماسی دولت سیزدهم از ابتدا ۲ مسیر بی‌اثر کردن تحریم‌ها و لغو تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا را دنبال کرده است، گفت: ما هیچ‌گاه از مسیر مذاکره فاصله نگرفتیم. همچنین، در مسیر دیپلماسی ماه‌هاست که در مسیر مذاکرات و تبادل پیام غیرمستقیم با آمریکا هستیم و هیچ‌گاه به دستیابی توافق موقت یا توافق کم قائل نبودیم. وزیر امور خارجه در جمع خبرنگاران درباره آزادسازی منابع ایران، گفت: از ابتدای کار دولت بنا شد در ۲ مسیر؛ اول بی‌اثر کردن تحریم‌ها و دوم لغو تحریم‌ها گام برداریم. بخشی از این مسئله به برجام بازمی‌گردد، برجام حاصل کار همکاران من در گذشته بوده و باید توجه داشته باشیم که این توافق



بانوجه به اینکه انتقال حجم ۶ میلیارد دلار به‌طور یک‌جا شوک به اقتصاد کره وارد می‌کند، قرار بود این مبلغ در چند مرحله منتقل شود، اما در نهایت به‌صورت یک‌جا به بانکی در اروپا منتقل شد. پس از آن، این مبلغ باید از وون کره‌جنوبی به یورو تبدیل می‌شد که این تبدیل هم یک‌روزه انجام نمی‌شود. پس از آن هم باید این پول به بانکی در یکی از کشورهای منطقه منتقل شود که ما در آن حساب داریم تا بتوانیم از این پول در حوزه اقلام غیرتحریمی استفاده کنیم.

افزایش تولید، نیازمند استراتژی صنعتی

کوچک و متوسط حمایت کنیم، وضع‌مان همین خواهد بود. دبیر کل مجمع کارآفرینان ایران اظهار کرد: اگر صنایع پیش‌ساز را انتخاب و آنها را برای نجات آن صنعت تجهیز و حمایت نکنیم، کشور صنعتی نمی‌شود. وی به جلسه اخیر رئیس جمهوری با ۶ کارآفرین و پیش‌ساز بزرگ کشور اشاره کرد و گفت: باید توجهات به‌سمت پیش‌سازها باشد و این را شروع یک تفکر متفاوت در کشور می‌دانیم.

غزنوی ادامه داد: جز توجه به تولید، برای مهار تورم چاره دیگری نداریم؛ این در حالی است که این روزها جلوی تسهیلات بانکی را گرفته‌ایم و این‌گونه می‌خواهیم تورم را کنترل کنیم، اما اثر ثانوی آن را در نظر نمی‌گیریم که با تولید بیشتر می‌توانیم به کاهش تورم برسیم.

در کشور، گفت: این در حالی است که ریشه تورم را در سمت عرضه می‌بینیم نه تقاضا؛ اگر ما برای تولید انبوه در کشور کاری کنیم، مشکل قیمت‌گذاری دستوری حل شده و کاهش نرخ تمام‌شده به‌وجود می‌آید. با این حال شاهد هستیم که رانت‌های بزرگی به بخش‌های نامولد داده می‌شود.

غزنوی ادامه داد: همه کشورهای صنعتی مسیر توسعه خود را از مسیر پیش‌سازها انتخاب کرده‌اند و بانوجه به اینکه منابع کشورمان محدود است، باید برای توسعه صنعتی برنامه‌ریزی کنیم.

وی تأکید کرد: باید صنایع پیش‌ساز را انتخاب و رانت مثبت برای آنها ایجاد کنیم تا صنایع را رشد دهند، اما اینکه فقط از بنگاه‌های



دبیر کل مجمع کارآفرینان ایران گفت: به‌منظور افزایش تولید در کشور نیازمند استراتژی صنعتی هستیم تا به مهار تورم برسیم. به‌گزارش ایرنا، حمیدرضا غزنوی در نشست خبری با اصحاب رسانه افزود: آب، کاهش رشد جمعیت، وضعیت نظام پولی و بانکی و بنگاهداری بانک‌ها، کیفیت نظام سیاست‌گذاری و جاماندن از انقلاب چهارم صنعتی، ابربحران‌های امروز کشور است. وی بیان داشت: در همه‌جای جهان ثابت شده است که برای مهار تورم هیچ راهی جز افزایش تولید نیست.

غزنوی ادامه داد: برای افزایش تولید در کشور نیازمند استراتژی صنعتی هستیم، وی با اشاره به پافشاری روی قیمت‌گذاری دستوری

ویژه‌تر از خبر

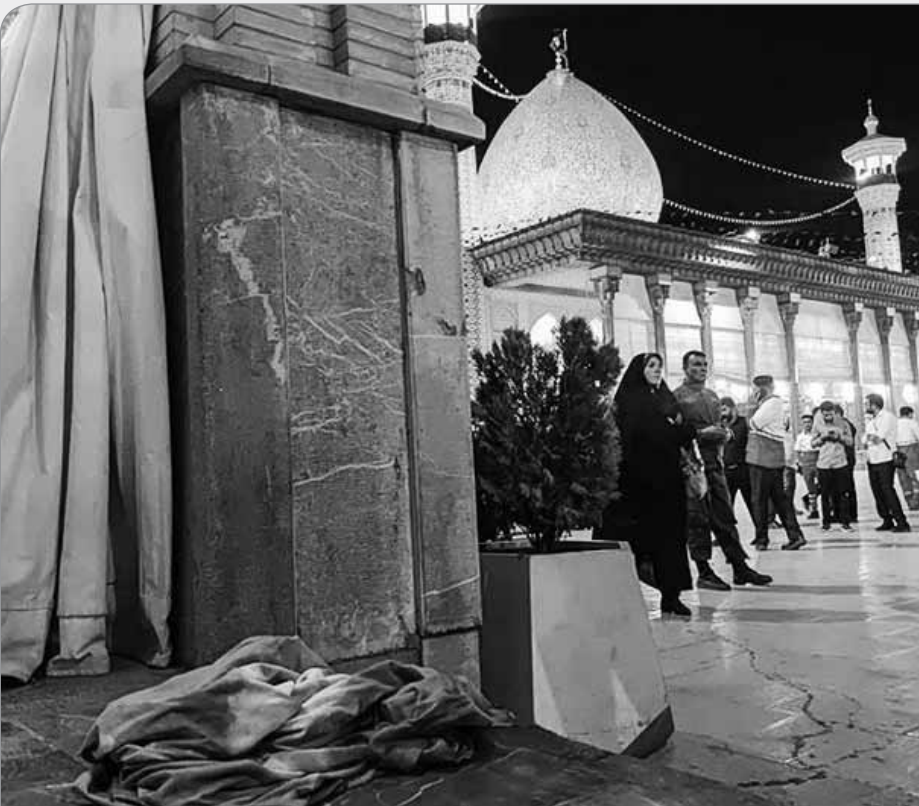
سکوت مجامع بین‌المللی، مروج اعمال تروریستی است

اعمال تروریستی است. وی ادامه داد: منتظر خواهیم بود که ببینیم عکس‌العمل آنها در قبال این حادثه تروریستی چه خواهد بود که البته قابل پیش‌بینی است که همانند مرتبه قبل، مهر سکوت در قبال این اقدام تروریستی بر لب‌ها بزنند و عکس‌العملی نشان ندهند. وزیر کشور افزود: این جریان تروریستی به نام داعش یا هر گروه دیگری در چارچوب سازماندهی و هدایت شبکه غربی عمل می‌کنند و همان‌گونه که در حادثه سال گذشته ضربه سختی خوردند، در این حادثه نیز دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آنها را مجازات خواهند کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا نیز در نشست شورای عالی قوه قضاییه ضمن محکوم کردن حادثه تروریستی در حرم مطهر احمد بن موسی (ع) در شیراز گفت: به مقامات قضایی در استان فارس دستور موکد صادر کرده‌ایم که با کمک نیروهای نظامی، امنیتی و انتظامی به‌طور کامل امنیت مردم و زائران اماکن مقدس را فراهم آورند.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز روز گذشته در آغاز جلسه علنی مجلس ضمن محکوم کردن حمله تروریستی به حرم شاهچراغ ادامه داد: نام‌سازی کشور و برهم زدن آرامش و مختل کردن زندگی روزمره مردم، پروژه همیشگی دشمنان ایران است که در هفته‌های اخیر شدت یافته و با هوشمندی نیروهای امنیتی خنثی شده است.

دولتمردان و مسئولان در پی حادثه تروریستی در حرم مطهر شاهچراغ (ع) شیراز، ضمن محکومیت این اقدام، بر شناسایی همه عوامل دخیل در این حادثه و پیگیری آن تأکید کردند. به‌گزارش ایرنا، ۲۲ مرداد، حرم مطهر حضرت احمد بن موسی (شاهچراغ) علیه‌السلام، بار دیگر در طول یک سال گذشته، مورد حمله تروریستی نیروهای تکفیری قرار گرفت. در پی این حمله تروریستی، مسئولان امنیتی، انتظامی و درمانی بلافاصله در محل حاضر شدند و به بررسی ابعاد آن پرداختند و توانستند یکی از عوامل این حادثه تروریستی را دستگیر کنند. دقایقی بعد از این حادثه، آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری در تماس‌های تلفنی با وزیر کشور و استاندار فارس بر بکارگیری همه امکانات درمانی برای مداوای مجروحان و همچنین شناسایی و تعقیب همه عوامل این جنایت تأکید کرد و به وزیر کشور مأموریت داد که ابعاد امنیتی این موضوع را با قاطعیت و فوریت بررسی و نتیجه را گزارش کند.

احمد وحیدی، وزیر کشور نیز برای بررسی ابعاد حادثه تروریستی حرم مطهر شاهچراغ (ع) عازم شیراز شد و اعلام کرد: سال گذشته نیز شاهد همین اتفاق در حرم مطهر بودیم که گروهی از عزیزان شهید شدند و تمام مجامع بین‌المللی و کشورهای مدعی حقوق بشر سکوت کردند و همین سکوت و حمایت‌های آنها مروج این‌گونه



عکس: تسنیم

حادثه تروریستی در حرم شاهچراغ (ع) شیراز

اعطای یارانه انرژی، به شرط توسعه زنجیره ارزش

دولت بار دیگر پس از برطرف کردن ایرادات طرح نرخ خوراک پتروشیمی‌ها، نرخ ۷ هزار تومانی را دوباره تصویب کرد. نکته بسیار مهم عدم عقب‌نشینی دولت نسبت به تصمیم خود در اصلاح نظام یارانه‌های انرژی صنعت است. اعطای یارانه انرژی به صنایع در راستای رقابت‌پذیری بیشتر صنایع، یک اقدام مثبت است، اما عدم تکمیل زنجیره ارزش و تنها یک مرحله توسعه، نه تنها در بلندمدت کمکی به خلق ارزش بیشتر در اقتصاد نخواهد کرد، بلکه به واسطه اعطای رانت خوراک ارزان برای پیمودن همین یک مرحله و شکل‌گیری خام‌فروشی صنعتی، کشور نسبت به صادرات مواد اولیه نیز عقب خواهد ماند و همین امر سبب خواهد شد که در آمد انرژی کشور نیز شدیداً کاهش یابد و در عوض حاشیه سود رانتهی در جیب عده‌ای خاص برود؛ بنابراین باید این سازکار اعطای یارانه انرژی اصلاح شود. ۱۳۳۳ در این گزارش برای بررسی نظام جدید اعطای هوشمند و مشروط یارانه‌های انرژی ایران به صنعت با ۲ تن از کارشناسان حوزه انرژی گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید.



عکس: ۱۳۳۳

مشکلات اعطای یارانه بی‌قید و شرط

فرصت‌های اقتصادی و پیشرفت‌های فناوری محدود در بخش صنعتی کشور و فقدان شرایط یارانه انرژی باعث گرفتار شدن ایران در دام مجازی انرژی شده است. اتکا به صادرات مواد خام بدون ارزش‌افزوده، کشور را در برابر نوسانات نرخ جهانی کالاها آسیب‌پذیر کرده است. علاوه بر این، ارائه خوراک ارزان گاز به‌عنوان یارانه انرژی فشار قابل توجهی بر بودجه دولت وارد کرده که منجر به کسری بودجه و عدم تعادل اقتصادی شده است. صنعت متانولی ایران به خوبی بیانگر وضعیت بسیار مخرب اعطای بدون قید و شرط یارانه انرژی است. این صنعت که به خام‌فروشی در سطح جهانی مشهور است، در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد تولید داخل متانول را به صورت خام به بازارهای شرق آسیا صادر می‌کند. این صنعت به شدت به رانت ارزان خوراک گاز وابسته است

تمرکز بر تکمیل زنجیره ارزش با یارانه مشروط

تامین خوراک ارزان گاز به‌عنوان یارانه انرژی نیز بودجه دولت تحت فشار قرار گیرد و حاشیه سود رانتهی ایجاد شده نیز به جیب عده‌ای خاص برود. کسری بودجه ناشی از یارانه دادن به اجاره خوراک گاز برای صنعت متانول، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، بار مالی ناشی از اعطای بی‌قید و شرط یارانه‌ها را بر دوش دولت نشان می‌دهد. این کسری‌های مالی پیامدهای گسترده‌تری برای اقتصاد دارد؛ از جمله فشارهای تورمی، افزایش استقراض و کاهش ظرفیت سرمایه‌گذاری عمومی در بخش‌های حیاتی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و زیرساخت‌ها.

ضرورت اصلاح نظام اعطای یارانه انرژی

مرتضوی با اشاره به لزوم اصلاح فرآیند اعطای یارانه انرژی با مشروط‌سازی و مقید کردن صنایع به سرمایه‌گذاری در توسعه زنجیره ارزش گفت: به‌منظور رسیدگی به چالش‌های مرتبط با یارانه‌های ارزان انرژی، برای دولت بسیار مهم است که رویکردی هدفمندتر و منطقی‌تر اتخاذ کند. با اصلاح نرخ خوراک و افزایش نرخ خوراک گاز، که اخیراً در ایران انجام شده، دولت قصد دارد بین حمایت از رشد صنعتی و ارتقای پایداری مالی تعادل ایجاد کند. با این حال، اطمینان از اجرای تدریجی این اصلاحات و همراه با اقدامات حمایتی

اصلاح نظام یارانه انرژی در راستای خلق ارزش

انرژی مجازی و فشار بر بودجه دولت برای تامین خوراک ارزان گاز به عنوان یارانه انرژی کمک کرده است. این سیاست همچنین باعث شده که سود حاشیه‌ای، رانتهی بدون سرمایه‌گذاری قابل توجه در تکمیل زنجیره ارزش و تنها با خام‌فروشی صنعتی به جیب افراد خاص وارد شود. کسری بودجه ناشی از تامین رانت ارزان خوراک گاز در سال قبل از محل اعطای رانت خوراک به متانول‌سازان به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده محصولات خام ایرانی طبق گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی تقریباً ۳۱۵ هزار میلیارد تومان بوده است. این وضعیت سبب شده است که با وجود اعطای رانت خوراک ارزان نرخ به صنایع، باز هم شاهد سودآوری و رقابت‌پذیری این صنایع و سودهای کلان نباشیم و لست سود حاصل از خام‌فروشی این صنایع از محل انرژی ارزان دریافتی است و اگر نه با احتساب نرخ واقعی گاز همه باید تعطیل کنند و بروند. برای همین باید چاره‌ای جدی در زمینه اصلاح نظام یارانه‌های انرژی اندیشیده شود تا بیش از این شاهد هدررفت منابع کشور و خام‌فروشی گسترده صنعتی نباشیم.

بهره از تجربه دیگران

جامع‌اصل در پایان با اشاره به رویکرد جهانی در سیاست‌گذاری

سخن پایانی

خود در توسعه زنجیره ارزش به صورت ماهانه، دولت می‌تواند بر اثر بخشی یارانه‌ها نظارت کرده و از شفافیت اطمینان حاصل کند. این مکانیسم گزارش‌دهی امکان شناسایی چالش‌ها، تعدیل سیاست‌ها در صورت لزوم و ارتقای مسئولیت‌پذیری در بین سهامداران صنعتی را فراهم می‌کند. اعطای بی‌قید و شرط یارانه ارزان انرژی در بخش صنعتی ایران مانع از توسعه صنایع پایین‌دستی و از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی شده است. برای مقابله با این چالش‌ها، دولت باید سیاست‌های هوشمندانه‌ای اتخاذ کند که اعطای یارانه انرژی را مشروط کند. ایران می‌تواند با پیوند دادن قیمت‌های ارزان تر انرژی به هدایت منابع بخش صنعتی به سرمایه‌گذاری در توسعه زنجیره ارزش و اجرای حمایت‌های محدود زمانی، علاوه بر تکمیل زنجیره ارزش و تولید محصولات با ارزش‌افزوده بالاتر، در زمینه تنوع صنعتی، پیشرفت‌های فناوری و ایجاد شغل نیز اقدامات مثبتی

اعطای یارانه ارزان انرژی بدون قید و شرط پیامدهای ناخواسته‌ای در بخش صنعت ایران داشته است. این سیاست‌ها به فروش گسترده مواد خام، اتکا به صادرات انرژی مجازی و فشارهای بودجه‌ای منجر شده است. برای مقابله با این چالش‌ها، دولت باید سیاست‌های هوشمندانه‌ای اتخاذ کند که اعطای یارانه انرژی را مشروط و سرمایه‌گذاری در تکمیل زنجیره ارزش را تضمین کند. اهمیت مقیدسازی اعطای یارانه‌های انرژی، مرتبط کردن قیمت‌های ارزان تر انرژی را به توسعه زنجیره ارزش و ارائه گزارش‌های منظم برای نظارت بر پیشرفت را بررسی می‌کند. از سوی دیگر اعطای یارانه‌های انرژی بی‌قید و شرط در بخش صنعتی ایران مانع از توسعه صنایع پایین‌دستی شده و در دسترس بودن انرژی ارزان، به جای افزایش ارزش‌افزوده داخلی، فروش مواد خام را تشویق کرده است. این امر منجر به از دست رفتن

سیدعلی مرتضوی، کارشناس سیاست‌گذاری حوزه انرژی درباره لزوم اصلاح نظام اعطای یارانه‌های انرژی گفت: اعطای بی‌قید و شرط یارانه ارزان انرژی در ایران پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای داشته است. اولاً قیمت‌های بازار را مخدوش کرده و از توسعه بخش انرژی رقابتی جلوگیری کرده است. قیمت‌های مصنوعی پایین خوراک گاز، سرمایه‌گذاری در منابع انرژی جایگزین را کاهش داده و مانع رشد صنایع انرژی‌های تجدیدپذیر شده است. این در نهایت توانایی کشور را برای تنوع بخشیدن به ترکیب انرژی و کاهش اتکا به سوخت‌های فسیلی محدود کرده است. علاوه بر این، رویکرد صادرات‌محور صنعت پتروشیمی متانول، با هدایت خوراک گاز ارزان، منجر به از دست رفتن فرصت‌ها برای افزودن ارزش داخلی شده است. با صادرات متانول به صورت خام، ایران از مزایای بالقوه صنایع پایین‌دستی که می‌توانند از متانول به‌عنوان ماده اولیه برای تولید محصولات با ارزش بالاتر استفاده کنند، چشم‌پوشی کرده و این امر مانع از توسعه بخش صنعتی قوی‌تر و متنوع‌تر در کشور شده است.

وی ادامه داد: اعطای رانت خوراک ارزان و همچنین عدم مشروط‌سازی دریافت یارانه انرژی ارزان، به تکمیل زنجیره ارزش، باعث شده علاوه بر خام‌فروشی گسترده صنعتی و گرفتاری در تله انرژی مجازی، برای

فرشاد جامع‌اصل، کارشناس انرژی درباره وضعیت بد صنعتی ایران اظهار کرد: وضعیت تولیدات صنعتی در ایران به دلیل خام‌فروشی بالا با وجود اعطای یارانه انرژی ارزان به یک مشکل بزرگ برای کشور تبدیل شده است که دولت با دخالت و سرمایه‌گذاری مستقیم می‌خواهد این مشکلات را برطرف کند که گام مثبتی است، اما اصولاً باید در زمینه حل مشکل، فرآیندها اصلاح شود. صنایع ما با بحران جدی رقابت‌پذیری و همچنین خام‌فروشی گسترده روبرو هستند. ما در کشورمان گاز را با نرخ بسیار پایینی در اختیار صنعت قرار می‌دهیم که همین موضوع به یک پاشنه آشیل جدی حمایتی تبدیل شده است، زیرا این اعطای یارانه انرژی مشروط نیست و بسیاری از این شرکت‌های پتروشیمی یا فولادی از محل اعطای این رانت انرژی ارزان، سودهای میلیاردی می‌کنند و در جیب خود قرار می‌دهند و در عوض کسری بودجه شامل حال دولت می‌شود. این قیمت‌های پایین به کاهش درآمدهای دولت که فشارش را مردم تحمل می‌کنند، منجر شده است.

رانت ناشی از سود حاشیه‌ای

وی ادامه داد: مشروط نبودن دریافت ارزان انرژی چالشی مهم برای صنعت ایران است. به فروش گسترده مواد خام صنعتی،

مشروط کردن اعطای یارانه انرژی برای اطمینان از استفاده موثر و سرمایه‌گذاری منابع در تکمیل زنجیره ارزش بسیار مهم است. با مرتبط کردن نرخ ارزان تر انرژی به توسعه صنایع پایین‌دستی، دولت می‌تواند تنوع صنعتی، پیشرفت‌های فناوری و ایجاد شغل را تشویق کند. این امر به کاهش وابستگی به صادرات مواد خام و تقویت اقتصاد پایدارتر و مقاوم‌تر کمک می‌کند.

برای به حداکثر رساندن تاثیر یارانه‌های انرژی، اعمال محدودیت‌های زمانی نیز برای حمایت ضروری است. این رویکرد صنایع را تشویق می‌کند تا توسعه زنجیره ارزش خود را تسریع بخشند، نوآوری و رقابت را پیش ببرند. با تعیین بازه‌های زمانی مشخص، دولت می‌تواند احساس فوریت را در میان صنایع ایجاد کند، کارایی را ارتقا دهد و پیشرفت را به‌طور موثر نظارت کند. همچنین گزارش‌دهی منظم جزء حیاتی رویکرد سیاست هوشمند در اعطای یارانه انرژی است. با الزام صنایع به گزارش پیشرفت

اصلاح سازکار اعطای یارانه در صنعت متانول

ایران دارای ذخایر عظیم گاز طبیعی است که کشور را بر آن داشته تا بر توسعه زنجیره ارزش پتروشیمی‌های خوراک گاز تمرکز کند. با این حال، عدم توسعه زنجیره ارزش در بخش متانول و فروش بالای متانول خام به نگرانی‌های قابل توجهی تبدیل شده است. در حال حاضر، ایران بیش از ۹۵ درصد از متانول تولیدی خود را به‌عنوان یک محصول خام با ارزش‌افزوده پایین صادر می‌کند که منجر به چالش‌های اقتصادی می‌شود.

اتکای ایران به صادرات متانول به شکل خام به‌عنوان یک مشکل بزرگ در صنعت پتروشیمی مطرح شده است. در این وضعیت، کشور به بزرگ‌ترین فروشنده متانول خام تبدیل شده است و بیشتر تولیدات خود را با ارزش‌افزوده محدود صادر می‌کند. این رویکرد نه تنها ناکارآمد است، بلکه مانع رشد و رقابت‌پذیری بخش پتروشیمی ایران می‌شود که همین موضوع به‌عنوان پاشنه‌اشیل جدی صنعت ایران مطرح و باعث شده کشور به‌جای استفاده بهینه از منابع، از محل اعطای رانت خوراک ارزان به صنایع، با کسری منابع نیز روبرو شود و همین موضوع محدودیت منابع کشور در جهت توسعه را نیز پدیدار کرده است.

ایران سال گذشته ۱.۲ میلیارد دلار خوراک گاز به شرکت‌های پتروشیمی فروخت و رانت قابل توجهی بر نرخ آن پرداخت کرد. این در حالی است که اگر گاز به‌طور مستقیم تنها با نرخ ۳۲ سنت به ازای هر مترمکعب گاز طبیعی که پایین‌ترین نرخ گاز صادراتی کشور است، صادر می‌شد، تقریباً ۳ میلیارد دلار برای کشور درآمد ایجاد می‌کرد.

با شرایط فعلی خام‌فروشی متانول ایران فقط در سال ۱۴۰۱ به‌طور بالقوه بیش از ۹۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی خود را از دست داد و همچنین از نظر درآمدزایی دولت از محل فروش گاز بیش از ۱.۸ میلیارد دلار از درآمدهای دولت کاسته شد که نتیجه سیاست غلط اعطای بدون قید و شرط یارانه انرژی است.

برای پرداختن به موضوع فروش متانول خام، پیوند دادن یارانه انرژی و اجاره خوراک گاز به سرمایه‌گذاری مستقیم در توسعه زنجیره ارزش بسیار مهم است.

با اجرای این رویکرد، دولت می‌تواند تولیدکنندگان متانول را برای حرکت به سمت فعالیت‌های ارزش‌افزوده تشویق کند و وابستگی آنها به خام‌فروشی متانول و اجاره خوراک را کاهش دهد. این تصمیم راهبردی، اهداف اقتصادی ایران را با منابع گاز طبیعی فراوان آن همسو می‌کند و راه را برای آینده‌ای باثبات‌تر و شکوفا تر هموار می‌کند.

اصلاح نظام یارانه انرژی برای ارتقای توسعه زنجیره ارزش در صنعت متانول ایران ضروری است. یکی از راه‌حل‌های بالقوه ارائه یارانه انرژی ارزان به‌صورت مشروط و با محدودیت زمانی سه ساله است. تولیدکنندگان متانول باید در این بازه زمانی در یک یا چند شاخه از زنجیره ارزش سرمایه‌گذاری کنند. این رویکرد کاهش فروش متانول خام را تشویق می‌کند و باعث ایجاد ارزش بیشتر در اقتصاد می‌شود.

ظرفیت بالقوه زنجیره ارزش متانول

زنجیره ارزش متانول محصولات مختلف پایین‌دستی را با ارزش‌افزوده قابل توجهی بالاتر از خود متانول ارائه می‌دهد. این محصولات در بسیاری از کشورهای همسایه مورد تقاضا هستند و فرصتی را برای ایران فراهم می‌کند تا بازارهای خود را به‌طور کامل عرضه کند و بازدهی سودآوری داشته باشد.

با توسعه زنجیره ارزش، ایران می‌تواند رشد اقتصادی خود را افزایش دهد، رقابت‌پذیری را بهبود بخشد و جریان‌های درآمدی خود را متنوع کند. اصلاح یارانه انرژی در صنعت متانول ایران برای باز کردن ظرفیت زنجیره ارزش و کاهش اتکا به صادرات متانول خام بسیار مهم است.

با اعطای یارانه‌های مشروط مرتبط با توسعه زنجیره ارزش، دولت می‌تواند سرمایه‌گذاری را تشویق کند، فروش متانول خام را کاهش دهد و رشد اقتصادی را تقویت کند. گسترش محصولات پایین‌دستی با ارزش‌افزوده بالاتر، نه تنها جایگاه ایران را در بازارهای منطقه‌ای تقویت می‌کند، بلکه به آینده‌ای باثبات‌تر و شکوفا تر کمک می‌کند. برای ایران ضروری است که تصمیمات راهبردی همسو با منابع گاز طبیعی فراوان خود اتخاذ کند تا منافع را به حداکثر برساند و پایداری بلندمدت در صنعت متانول تضمین شود.

از این رو حرکت به سمت توسعه زنجیره ارزش متانول با گسترش تجارت نفت خام این یک تصمیم راهبردی است که می‌تواند اهداف اقتصادی ایران را با منابع گاز طبیعی فراوان آن همسو کند و در نهایت به آینده‌ای پایدارتر و شکوفا تر منجر شود.

تجربه صنعت متانولی ایران به لزوم اصلاح نظام اعطای یارانه انرژی در ایران اشاره دارد. در همین زمینه بهترین راهکار رهایی از خام‌فروشی متانول، اعطای یارانه انرژی ارزان به شکل مشروط و با محدودیت زمانی سه ساله است تا متانولی‌ها یکی از شاخه‌های زنجیره ارزش خود را طی کنند تا بتوانیم از خام‌فروشی متانول و وابستگی شدید خام‌فروشی آن به رانت خوراک بکاهیم و به سمت خلق ارزش بیشتر در اقتصاد برویم. محصولات متنوعی در پایین‌دست زنجیره ارزش متانول وجود دارد که چندین برابر متانول ارزش‌افزوده دارد و نیاز بسیاری از کشورهای همسایه است که می‌توانیم به‌طور کامل بازار آنها را تامین کنیم و همچنین سودآوری خوبی نیز نصیب کشور ما خواهد کرد.

مرزیه احقانی
editor@smtnews.ir



با تشویق مصرف داخلی و صنایع پایین‌دستی، ایران می‌تواند از تمام ظرفیت اقتصادی منابع خود استفاده کند و وابستگی خود به صادرات مواد خام را کاهش دهد



برای کاهش اثرات منفی بالقوه بر صنایع، مهم است. این موضوع می‌تواند شامل ارائه کمک‌های مالی، ترویج نوآوری‌های فناوری، و تسهیل‌گذار به استفاده کارآمدتر انرژی و روش‌های تولید باشند. در همین راستا در سند توسعه‌ای پنج‌ساله برنامه هفتم توسعه ایران، یک اصلاح جدی در نظام اعطای یارانه‌های انرژی نیاز است و این موضوع نیز می‌تواند حرکت به سمت مشروط‌سازی دریافت یارانه انرژی ارزان به تکمیل زنجیره ارزش و همچنین مقید کردن آنها به تخصیص سود حاصل از دریافت این یارانه انرژی ارزان در جهت خلق ارزش جدید در اقتصاد باشد.

وی ادامه داد: باید تلاش اصلی نظام حمایتی دولت از صنعت ارتقای صنایع به سمت تولید محصولات با ارزش‌افزوده بالاتر باشد تا با تکمیل زنجیره ارزش از مواد اولیه تولید داخل مانند متانول استفاده بیشتری داشته باشیم. با تشویق مصرف داخلی و صنایع پایین‌دستی، ایران می‌تواند از تمام ظرفیت اقتصادی منابع خود استفاده کند و وابستگی خود را به صادرات مواد خام را کاهش دهد.



هوشمندانه دولت با رگولاتوری نظام یارانه‌ها به جای تصدیگری در زنجیره ارزش اظهار کرد: ایران می‌تواند از تجربیات کشورهای دیگر که سیاست‌های هوشمندانه‌ای را برای تکمیل زنجیره ارزش و بهینه‌سازی بخش‌های انرژی خود با موفقیت

اجرا کرده‌اند، بیاموزد. مطالعات موردی از کشورهایی مانند نروژ، که به‌طور موثر منابع انرژی خود را مدیریت و یک صنعت پتروشیمی قوی ایجاد کرده است، می‌تواند بینش‌های ارزشمند و بهترین شیوه‌ها را در اختیار ایران قرار دهد. پرداختن به چالش‌های مرتبط با یارانه ارزان انرژی در ایران نیازمند رویکردی جامع است که شامل اصلاحات هدفمند، حمایت از صنایع با ارزش‌افزوده و منطقی‌سازی قیمت‌گذاری انرژی است. با اتخاذ سیاست‌های هوشمند و هدایت منابع به سمت خلق ارزش‌افزوده بیشتر در زنجیره ارزش تولید، ایران می‌تواند رقابت اقتصادی خود را افزایش، کسری‌های مالی را کاهش و رشد پایدار و فراگیر را ارتقا دهد.

انجام دهد. با حرکت به سمت این نظام جدید اعطای هوشمند و مشروط یارانه‌های انرژی ایران به تکمیل زنجیره ارزش می‌تواند پایه‌های یک بخش صنعتی مقاوم‌تر و پایدارتر را بنیان بگذارد. در نهایت اینکه با اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه به مشروط‌سازی یارانه انرژی گام‌های مثبتی در راستای تحقق توسعه برداشت. می‌توان با پیوند قیمت‌های ارزان تر انرژی به هدایت منابع بخش صنعتی به سرمایه‌گذاری در توسعه زنجیره ارزش و اجرای حمایت‌های محدود زمانی، علاوه بر تکمیل زنجیره ارزش و تولید محصولات با ارزش‌افزوده بالاتر، در متنوع‌سازی تولیدات صنعتی، پیشرفت‌های فناوری و ایجاد شغل نیز اقدامات مثبتی انجام داد. بنابراین با حرکت به سمت نظام جدید اعطای هوشمند و مشروط یارانه‌های انرژی، می‌توان پایه‌های یک بخش صنعتی مقاوم‌تر و پایدارتر را بنیان نهاد. بدون شک این مشروط‌سازی، رویکردی هوشمندانه در راستای تحقق توسعه در صنعت و اقتصاد خواهد بود.



واردات انبوه جایگزین تولید

رضا آریادار
کارشناس صنعت خودرو

بعد از مدتی ممنوعیت واردات خودرو حالا با شیوع تب واردات خودرو که چند وقتی است نقل محافل برخی دولتمردان و سیاست‌پسندان کشور برای نجات از بحران کاهش تولید داخل شده، مواجهیم و شاهدیم که بسیاری از واردکنندگان دست به کار شده و آمادگی خود را برای واردات انبوه خودرو اعلام کرده‌اند.

واردات خودروهایی از برندهای گوناگون مانند اشکودا، هیوندای، تویوتا و سایر برندهای مطرح جهان که تشنه یافتن بازارهایی برای حمایت از تولیداتشان در فروش انواع محصولات متنوع هستند. تحریم‌های مستقیم صنعت خودرو کشور در سال ۱۳۹۵ با هدف حذف تولید و از بین رفتن سهم بالای رشد ناخالص داخلی این صنعت در اقتصاد و همچنین از بین بردن اشتغال مولد و پایدار اعمال شده بود، اما خلاف پیش‌بینی‌ها و محاسبات انجام‌شده، با همت و تلاش و نیروی انسانی خلاق و مبتکر و جهادگر در این صنعت، از صنعت قطعه گرفته تا مجموعه‌های خودروسازی در کشور، صنعت خودرو هر چند با کاهش تولید مواجه شد، اما همچنان سرپا ایستاد و با تمام توان درصدد حل مشکلات است.

در چنین شرایطی، برخی تنها راه برقراری تعادل در بازار را واردات خودرو و حتی واردات خودروهای کار کرده می‌دانند. این در حالی است که خودروسازان تا قبل از تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی، امکان تولید متناسب با نیاز بازار و همچنین مونتاژ خودروهای لوکس از برندهای برتر جهان مانند بنز، رنو، پژو سیتروئن، کیا موتورز، سوزوکی، مزدا و از کشور چین برندهای باکیفیتی همچون چری، لیفان، برلیانس، چانگان وو... را داشتند و با قراردادهای منعقد شده با شرکای بین‌المللی، خودروسازان ایرانی به سمت ورود به بازارهای بین‌المللی و سهم‌خواهی از درآمد‌های بالای این صنعت در دنیا می‌رفتند.

آیا تصور نمی‌کنید این همه هجوم و تبلیغات منفی علیه خودروسازان کشور که در انتهای زنجیره تکمیل محصول نهایی قرار داشته و بخش بزرگی از مواد اولیه تولید را از سازندگان داخلی اعم از قطعه‌سازان، شرکت‌های نفتی، پتروشیمی، پلیمری، فولادی، ریخته‌گری، رنگ، لاستیک، نساجی و... و درصد کمی از قطعات و مواد اولیه‌ای که منشأ داخلی نداشته و امکان تولید در داخل را ندارند، از خارج و با دشواری تامین ارز و محدودیت‌های شدید بین‌المللی تهیه می‌کردند، به‌نوعی هم‌راستای تحریم‌کنندگان بین‌المللی و حتی خودتحریمی خودرو ببیند؟

در صورتی که واردات خودرو جنبه عام و انبوه به خود بگیرد، این صنعت مانند صنعت نساجی، جایگاه خود را در تولید از دست می‌دهد و با بحران رشد منفی اقتصادی، کاهش اشتغال مولد و تولید مواجه خواهد شد.

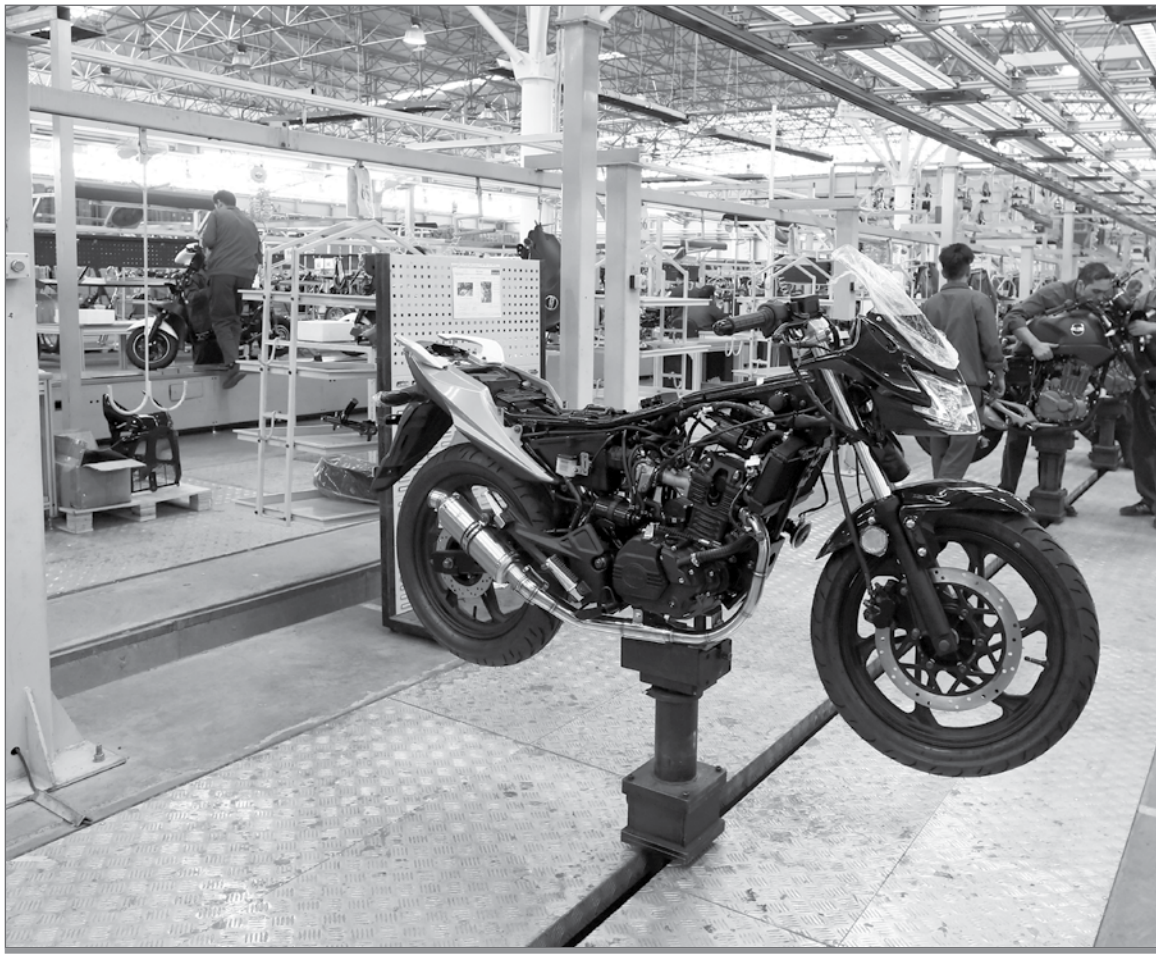
باتوجه به مواردی که گفته شد و شرایطی که در حال حاضر در کشور با آن مواجهیم این گونه به نظر می‌رسد که یک حرکت مافیایی و خطرناک برای به تعطیلی کشاندن صنعت خودرو کشور و جایگزینی واردات انبوه انواع خودروهای نو و کار کرده با تولید داخل شکل گرفته و قصد دارد منافع فردی را بر تولید و اشتغال مولد برتری دهد.

از این رو پیشنهادی که در این زمینه و برای حل این چالش‌ها می‌توان ارائه داد این است که در شرایط حال حاضر که به‌نوعی محدودیت‌های بین‌المللی امکان تولید مشترک بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی را محدود کرده، دولتمردان برای ارتقای صنعت قطعه و حمایت از صنایع داخلی، با دیپلماسی اقتصادی موثر در دنیا راه را برای مونتاژ خودرو برندهای مطرح هموار کنند تا در رشد ناخالص داخلی، اشتغال مولد پایدار و حمایت از دانش‌بنیان‌ها و قطعه‌سازان در بومی‌سازی بخشی از مواد اولیه مونتاژ گام‌های موثری برداشته شود که از فواید این روند می‌توان دست‌کم به ارتقای صنعت قطعه و کمک به ارتقای طراحی و مهندسی تولید خودروهای داخلی اشاره کرد؛ درست مانند مسیری که بسیاری از کشورهای نوظهور در صنعت خودرو، پیش گرفته و در دنیا توفیق یافتند تا صنعت خودرویی پیشرفته و قوی ایجاد کنند و حرفی برای گفتن داشته باشند.

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

دستورالعمل جدید تامین ارز صنایع خودروساز ابلاغ شد

درس جدید برای تولید



عکس: آریاداری

چند ماهی است موضوع تامین ارز صنایع گوناگون مطرح شده و مباحث زیادی پیرامون آن شکل گرفته است. مشکل تامین ارز آنقدر حاد شد که اردیبهشت سال جاری، منوچهر منطقی، معاون وقت صنایع حمل‌ونقل و وزیر صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای به رئیس سازمان توسعه تجارت خواستار لغو محدودیت سیستمی تخصیص ارز برای صنعت خودرو شد و به تشریح پیامدهای این محدودیت پرداخت. پیگیری این موضوع به ار سال نامه مدیرکل دفتر صنایع خودرو وزارت صمت به ۳ انجمن تولیدکنندگان خودرو، موتورسیکلت و دوچرخه با هدف تعمیق بخشی ساخت داخل منجر شد. عبدالله توکلی لاهیجانی با تاکید بر ضرورت بازنگری در محل تامین ارز، از ۳ انجمن یادشده خواست با تاکید بیشتر بر داخلی‌سازی، برای تامین ارز موردنیاز به فکر صادرات باشند یا از دیگر صادرکنندگان ارز موردنیاز خود را تامین کنند. به این ترتیب، تولیدکنندگان یادشده باید ضمن فعال‌سازی ظرفیت‌های صادراتی خود، ارز موردنیاز را از سایر منابع موردتایید بانک مرکزی تامین کنند. دستورالعمل جدید تامین ارز صنایع یادشده حرف‌وحديث‌های بسیاری به همراه داشت؛ برخی از فعالان صنعتی نسبت به افزایش نرخ ارز و قیمت اظهار شده محصولات اظهار نگرانی می‌کنند و برخی دیگر بر تمکین راهکارهای تامین ارز در شرایط فعلی تاکید دارند.

در این گزارش چندچون اجرائی شدن این دستورالعمل را از فعالان صنعتی در بخش‌های مربوطه پیگیری کرده که در ادامه می‌آید.

وزارت صمت نگاه خود را تغییر دهد

بهمن ضیاءمقدم، دبیر انجمن تولیدکنندگان موتورسیکلت درباره دستورالعمل جدید وزارت صمت برای تامین ارز صنایع که به انجمن تولیدکنندگان موتورسیکلت نیز ابلاغ شده در گفت‌وگو با **سازمان** اظهار کرد: صنعت موتورسیکلت باتوجه به اینکه صادرات قابل‌توجهی ندارد، به‌طورقطع با اجرائی این دستورالعمل دچار چالش‌های جدیدی خواهد شد. البته باید جوانب گوناگون این دستورالعمل به‌طور کارشناسانه بررسی، سپس درباره آن دقیق‌تر اظهارنظر شود. آنچه در نگاه اول مشخص است میزان این صادرات بسیار محدود است و اینکه این صنعت بتواند از ارز صادراتی استفاده کند، به نظر امکان‌پذیر نمی‌آید بنابراین این گونه به نظر می‌رسد که این دستورالعمل چندان عملیاتی نبوده و کمک زیادی بر رفع مشکلات ارزی صنعت موتورسیکلت نمی‌کند. اینکه ارز از طریق شرکتهای دیگری که صادرات دارند، تامین شود هم مشکلات خاص خود را دارد و نیازمند صرف زمان طولانی برای خرید ارز و انتقال حواله‌هاست؛ پس به‌احتمال انجام‌شدنی نیست.

ضیاءمقدم درباره مشکلاتی که این صنعت در تامین ارز با آن مواجه است، اظهار کرد: از بهمن سال گذشته که مشکلات ارزی شروع شد، تأخیر در تخصیص ارز باعث شد تامین مواد اولیه با تأخیر انجام شود. طبق آخرین دستورالعمل دفتر تخصصی وزارت صمت، صنعت موتورسیکلت در کنار صنعت خودرو و دوچرخه باید به فکر تامین ارز از صادرات دیگران باشند. این دستورالعمل عملیاتی است، اما چالش‌های تولید را بیشتر خواهد کرد و علاوه بر اینکه باعث طولانی شدن فرآیند تخصیص ارز می‌شود، نرخ ارز (حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد) و قیمت تمام‌شده را افزایش خواهد داد.

قیمت‌های دستوری و فروش تجمیعی مانعی در مسیر اجرا

دستوری با فروش تجمیعی، نعمت‌بخش ادامه داد: به‌طورقطع اجرائی این دستورالعمل پیامدهایی از جمله افزایش نرخ ارز به‌دلیل تقاضای بالا خواهد داشت و نرخ خودرو نیز متأثر از آن افزایش خواهد یافت. دبیر انجمن انتظار می‌رود اقتصاددانان با پیشنهاداتی ارائه دهند تا مشکلات تولیدکنندگان در این زمینه اگر برطرف نمی‌شود، دست‌کم کاهش یابد. اینکه تولیدکننده موظف است ارز خود را تامین کند، چالش‌های او را بیشتر و تامین ارز را وارد چرخه طولانی‌تر و پیچیده‌تری می‌کند. البته انجمن هم پیشنهاداتی در این زمینه ارائه می‌دهد، اما متأسفانه اغلب نظرات کارشناسان شنیده نمی‌شود و متولیان امر تنها در سطح کلان موضوع را می‌بینند. به‌عنوان نمونه در مقابله با چالش تامین ارز تولیدکنندگان و اجرائی یک دستورالعمل، تنها به اینکه در کشور کمبود ارز داریم، توجه می‌کنند.

دبیر انجمن تولیدکنندگان دوچرخه ادامه داد: تامین ارز از محل صادرات سخت است، چون بازار بیشتر محصولات تولیدی ما باتوجه به تحریم‌ها و شرایط اقتصادی که داریم، داخل کشور است و باید بپذیریم صادرات چندانی نداریم؛ بنابراین این موضوع نیز دستورالعمل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تامین ارز از دیگران هم، هزینه‌های اضافه به تولیدکنندگان تحمیل می‌کند؛ ضمن اینکه نرخ تمام‌شده محصول نیز افزایش چشمگیری پیدا خواهد کرد. از سویی منفی قرار خواهد گرفت؛ آن هم تولیدی که در ایران مصائب بسیاری دارد.

تامین ارز در چرخه‌ای طولانی‌تر و پیچیده‌تر
حسن‌پور افزود: اگر به‌صورت کلان به موضوع نگاه کنیم، تمرکز تولیدکنندگان بیشتر بر تولید است و در شرایط کنونی که با کمبود ارز مواجهیم انتظار می‌رود اقتصاددانان با پیشنهاداتی ارائه دهند تا مشکلات تولیدکنندگان در این زمینه اگر برطرف نمی‌شود، دست‌کم کاهش یابد. اینکه تولیدکننده موظف است ارز خود را تامین کند، چالش‌های او را بیشتر و تامین ارز را وارد چرخه طولانی‌تر و پیچیده‌تری می‌کند. البته انجمن هم پیشنهاداتی در این زمینه ارائه می‌دهد، اما متأسفانه اغلب نظرات کارشناسان شنیده نمی‌شود و متولیان امر تنها در سطح کلان موضوع را می‌بینند. به‌عنوان نمونه در مقابله با چالش تامین ارز تولیدکنندگان و اجرائی یک دستورالعمل، تنها به اینکه در کشور کمبود ارز داریم، توجه می‌کنند.

دبیر انجمن تولیدکنندگان دوچرخه ادامه داد: تامین ارز از محل صادرات سخت است، چون بازار بیشتر محصولات تولیدی ما باتوجه به تحریم‌ها و شرایط اقتصادی که داریم، داخل کشور است و باید بپذیریم صادرات چندانی نداریم؛ بنابراین این موضوع نیز دستورالعمل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تامین ارز از دیگران هم، هزینه‌های اضافه به تولیدکنندگان تحمیل می‌کند؛ ضمن اینکه نرخ تمام‌شده محصول نیز افزایش چشمگیری پیدا خواهد کرد. از سویی منفی قرار خواهد گرفت؛ آن هم تولیدی که در ایران مصائب بسیاری دارد.

سخن پایانی

جنبه‌های گوناگون این دستورالعمل بررسی و چالش‌های پیرامون آن شناسایی شود تا در شرایطی که از یک سو کشور کمبود ارز دارد و از سوی دیگر، تولید در فضای پردردسری فعالیت می‌کند، اجرائی آن مشکلی در مشکلات پیشین نیفزاید.

یک درخواست از وزارت صمت



دبیر انجمن تولیدکنندگان صنعت موتورسیکلت افزود: وزارت صمت اغلب قوانین صنعت موتورسیکلت و صنعت خودرو را با هم می‌بیند و باتوجه به اینکه موتورسیکلت ارزشی چندانی ندارد و میزان ارز مصرفی یک روز صنعت خودرو معادل یک سال صنعت موتورسیکلت است و اینکه اغلب مصرف‌کنندگان این صنعت قشر ضعیف جامعه هستند، بهتر است صنعت موتورسیکلت جدا از صنعت خودرو دیده شود.

ضیاءمقدم با تاکید بر اینکه تأثیرگذاری نرخ ارز بر محصولات صنعت موتورسیکلت باتوجه به مشتریان آن به‌مراتب بیشتر است، گفت: در شرایط اقتصادی کنونی باتوجه به اینکه اغلب کسانی که از محصولات صنعت موتورسیکلت استفاده می‌کنند، از قشر ضعیف هستند، نرخ تمام‌شده محصولات بسیار مهم است؛ در همین اساس انتظار داریم وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره صنعت موتورسیکلت نگاه خود را تغییر دهد و این صنعت را جدا از صنعت خودرو ببیند.

انتظار داریم در این زمینه



هم تدبیری اندیشیده شود تا راحت‌تر بتوانیم نسبت به خرید ارز صادرکنندگان اقدام کنیم، تاکید می‌کنم با اجرائی این دستورالعمل اتفاق مهمی که رخ می‌دهد افزایش تقاضا برای ارز صادراتی و احتمالاً متأثر از آن، افزایش نرخ ارز و همچنین نرخ تمام‌شده محصول است.

هم چون پای صرافی‌ها به میان



می‌آید، فرآیند تامین ارز شفاف نیست که احتمالاً تولیدکننده را متحمل هزینه‌های اضافی خواهد کرد.

نظرخواهی از تشکل‌ها

پیش از تنظیم

دبیر انجمن تولیدکنندگان صنعت دوچرخه در پایان با اشاره به اینکه متأسفانه در سیاست‌گذاری‌های کلان از نظرات فعالان حوزه صنعت استفاده نمی‌شود، اظهار کرد: به‌عنوان یک تولیدکننده از وزارت صمت درخواست دارم در صدور دستورالعمل‌های مربوط به تولید، از نظرات کارشناسان این بخش‌ها بهره ببرد. دستورالعمل روی کاغذ و اجرا تفاوت بسیاری با هم دارند، چون از تشکل‌ها نظرخواهی نمی‌شود، مشکلات برخی از این دستورالعمل‌ها بعد از اجرا مشخص می‌شود؛ یعنی بعد از اینکه بخشی از صنعت دچار مشکل شد تازه درصدد اصلاح آن برمی‌آیند. دستورالعمل جدید درباره تامین ارز نیز نیاز به بررسی بیشتر و نظرخواهی از ذی‌نفعان آن دارد تا با کمترین پیامد منفی اجرائی و به‌معنای واقعی هدف آن، که تعمیق ساخت داخل است، محقق شود. هرچند نظرخواهی از فعالان اقتصادی یا تشکل‌هایی که نماینده آنها هستند، به‌واسطه تعدد آنها، سخت و زمانبر است، اما روند اصولی‌تر این است که نظرات آنها پیش از ابلاغ یک دستورالعمل گرفته شود.

انتظار داریم وزارت صمت درباره موتورسیکلت نگاه خود را تغییر دهد و این صنعت را جدا از صنعت خودرو ببیند

اجرائی دستورالعمل جدید تامین ارز صنایع خودروساز پیامدهایی از جمله افزایش نرخ ارز و نرخ خودرو خواهد داشت

همه باید دست به‌دست هم‌دهیم تا پیامدهای کمبود ارز کاهش یابد و از این بحران عبور کنیم

باماسک زندگی اقتصادی را گسترش دهید

www.Gostaresh.news
www.Gostaresh.news

سازمان آگهی‌ها
۸۸ ۲۲۲ ۲۳۳



وزیر صمت در نشست مدیران استانی تاکید کرد

ایجاد رقابت ملی برای توسعه صنعتی و معدنی

وزیر صمت در نشست با معاونان، روسای سازمان‌های تابعه و مدیران کل استان‌ها با اشاره به ضرورت ایجاد رقابت ملی جهت توسعه صنعتی و معدنی کشور گفت باید با تدوین و اجرای برنامه‌های تحولی و رسیدن به رشد مطلوب، وضعیت موجود را دگرگون کرد. وی در ادامه با اشاره به اینکه نظارت‌ها باید همراه با نتایجی از جمله رفع کامل تخلفات و پیشرفت در حوزه‌های مختلف همراه باشد، افزود: نیاز است در استان‌های مختلف، کارهای بزرگ انجام دهیم و انرژی‌مان را برای اقداماتی که راندمان و بهره‌وری بالایی دارد، صرف کنیم.

تدوین و اجرای برنامه‌های تحولی

وزیر صمت، ایجاد رقابت ملی جهت توسعه صنعتی و معدنی کشور را یک ضرورت مهم برشمرد و تاکید کرد: در بخش معدن نیاز است با اقدامی انقلابی مشکلات موجود را در تمام استان‌ها برطرف کرده و با تدوین و اجرای برنامه‌های تحولی و رسیدن به رشد مطلوب، وضعیت موجود را دگرگون کنیم تا شاهد توسعه و پیشرفت چشمگیری در این حوزه باشیم. در این راستا باید کمیته تخصصی معدن تشکیل شود و با جدیت بیشتری این موضوع مهم را پیگیری کند.

در این نشست، عباس علی‌آبادی با اشاره به اینکه نتیجه نظام ارزشیابی برای نیروهای انسانی بسیار مهم است و باید براساس عملکرد آنها مورد بررسی قرار بگیرد، از مدیران ادارات کل استانی خواست تا اهم چالش‌ها و مشکلات روز و اختیارات در خواستی ادارات برای اجرای بهتر فعالیت‌ها، را به وزارتخانه ارائه دهند.

وی در ادامه با اشاره به اینکه نظارت‌ها باید همراه با نتایجی از جمله رفع کامل تخلفات و پیشرفت در حوزه‌های مختلف همراه باشد، افزود: نیاز است در استان‌های مختلف، کارهای بزرگ انجام دهیم و انرژی‌مان را برای اقداماتی که راندمان و بهره‌وری بالایی دارد، صرف کنیم.

وزیر صمت، ایجاد رقابت ملی جهت توسعه صنعتی و معدنی کشور را یک ضرورت مهم برشمرد و تاکید کرد: در بخش معدن نیاز است با اقدامی انقلابی مشکلات موجود را در تمام استان‌ها برطرف کرده و با تدوین و اجرای برنامه‌های تحولی و رسیدن به رشد مطلوب، وضعیت موجود را دگرگون کنیم تا شاهد توسعه و پیشرفت چشمگیری در این حوزه باشیم. در این راستا باید کمیته تخصصی معدن تشکیل شود و با جدیت بیشتری این موضوع مهم را پیگیری کند.

سرعت گیر مسیر توسعه

بهرام شکوری، رئیس انجمن مس ایران گفت: بخش معدن ایران دارای ظرفیت‌های بسیاری است که می‌تواند به موازات صنعت نفت، نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا کرده و ارزآوری خوبی برای کشور به‌همراه داشته‌باشد و به میزان نقش نفت در اقتصاد غیرنفتی، به توسعه همه‌جانبه کمک کند، اما این توسعه نیازمند الزاماتی است که تا آنها مهیا نشود، نمی‌توانیم انتظاری بیش از شرایط فعلی از بخش معدن و فعالان آن داشته باشیم.

به گزارش معدن ۲۴ شکوری گفت: صادرات زنجیره بخش معدن و صنایع معدنی در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۱۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار رسید که در مقایسه با سال پیش از آن، از نظر وزنی ۳۴ درصد رشد را نشان می‌دهد.

وی گفت: با کمی تغییر نگاه در برخی سیاست‌گذاری‌ها و همچنین فراهم کردن زیرساخت‌های تولید می‌توان این رقم را از نظر وزنی و ارزشی افزایش داد.

سخن پایانی

بهرام شکوری، رئیس انجمن مس ایران گفت: بخش معدن ایران دارای ظرفیت‌های بسیاری است که می‌تواند به موازات صنعت نفت، نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا کرده و ارزآوری خوبی برای کشور به‌همراه داشته‌باشد و به میزان نقش نفت در اقتصاد غیرنفتی، به توسعه همه‌جانبه کمک کند، اما این توسعه نیازمند الزاماتی است که تا آنها مهیا نشود، نمی‌توانیم انتظاری بیش از شرایط فعلی از بخش معدن و فعالان آن داشته باشیم.

به گزارش معدن ۲۴ شکوری گفت: صادرات زنجیره بخش معدن و صنایع معدنی در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۱۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار رسید که در مقایسه با سال پیش از آن، از نظر وزنی ۳۴ درصد رشد را نشان می‌دهد.

وی گفت: با کمی تغییر نگاه در برخی سیاست‌گذاری‌ها و همچنین فراهم کردن زیرساخت‌های تولید می‌توان این رقم را از نظر وزنی و ارزشی افزایش داد.

وی افزود: توسعه نیازمند الزاماتی است که باید سیاست‌گذاران به آن توجه ویژه داشته باشند، شاید یکی از مهم‌ترین الزامات برای توسعه هرچه بیشتر در بخش معدن و همچنین افزایش ارزش افزوده، توسعه حوزه اکتشافات است. نمی‌توان بدون توسعه در بالادست انتظار افزایش بهره‌برداری از ذخایر معدنی را داشت. از سوی دیگر با توجه به ریسک بالا در اکتشافات دولت باید در ابتدا خود وارد کار شد و پس از کاهش این ریسک ادامه کار را به بخش خصوصی در اختیار می‌سپرد. در واقع اگر دولت به بخش خصوصی اعتماد و راه را برای ورود آن فراهم کند، نه تنها عقب‌ماندگی در حوزه اکتشاف جبران می‌شود، بلکه توسعه در بخش معدن نیز سرعتی بیش از امروز به خود می‌گیرد. شکوری درباره اقدامات لازم برای این منظور گفت: وزارت صمت باید با سازمان‌هایی همچون حفاظت محیط‌زیست و منابع طبیعی به تعامل و تفاهم بیشتری دست یابد تا معدنکاران در ادامه این مسیر با مشکل همراه نشوند، اما عمده این مشکلات را می‌توان در بخش استخراج بهره‌بردار مشاهده کرد.

افزایش هزینه صادرات

این فعال صنفی در ادامه با اشاره به عوارض صادراتی بر برخی محصولات معدنی

معاون منابع انسانی و امور اجتماعی در مراسم اختتامیه دوره‌های آموزشی کارکنان

جهاد در شرکت فولاد خوزستان تولید است

مراسم اختتامیه دوره‌های آموزشی کارکنان جدیدالاستخدام شرکت فولاد خوزستان با حضور عباسعلی تقوی معاون منابع انسانی و امور اجتماعی، مدیران این معاونت، محمود حسن‌پور مدیر بازرسی و نظارت و ۷۹ تن از کارکنان جدیدالاستخدام شرکت، در تالار شهید امتی شرکت فولاد خوزستان برگزار شد.

عباسعلی تقوی معاون منابع انسانی و امور اجتماعی گفت: شما به شرکت بزرگی همچون فولاد خوزستان قدم گذاشته‌اید. این شرکت نقش مهمی در ارزآوری برای کشور ایفا می‌نماید. وی افزود: خط قرمز در شرکت فولاد خوزستان نظم بوده و کارکنان جدید نیز این مهم را باید مدنظر داشته باشند. شرکت فولاد خوزستان همچون یک دانشگاه بزرگ می‌باشد و نیروی انسانی، سرمایه اصلی این شرکت است. کارکنان فولاد خوزستان پس از بازنگری در عنوان متخصصین صنعت فولاد توانایی تدریس و راه‌اندازی شرکت‌های مختلف فولادی را دارند.

معاون منابع انسانی و امور اجتماعی اظهار داشت: برنامه‌ریزی جذب و برگزاری آزمون و صحت‌سنجی مدارک و مراحل مختلف استخدام و نیازسنجی و تعیین نیازهای آموزشی کارکنان جدید با مشارکت واحدهای مختلف شرکت به عنوان مشتریان اصلی فرآیندهای منابع انسانی تدوین و اجرا گردید. صمیمانه از همه ارکان سازمان به‌ویژه هیات‌مدیره و مدیرعامل محترم شرکت که در تمامی مراحل آزمون استخدامی حامی معاونت منابع انسانی و امور اجتماعی بودند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

در ادامه محمود حسن‌پور مدیر بازرسی و نظارت نیز طی سخنان خود نکات مهمی در خصوص فعالیت در فضای مجازی و آسیب‌های ناشی از آن بیان نمود.

حسن‌پور اظهار داشت: نعمت اشتغال در فضای کاری فولاد خوزستان، مرهون دعای پدر و مادر شما بوده که نیاز است، قردان آنان بوده و شکر خداوند متعال را به‌جای آورید.



پیام مدیر عامل شرکت فولاد خوزستان به مناسبت روز خبرنگار

ارائه اطلاعات درست و تنویر افکار عمومی، حاصل تلاش و کوشش خبرنگاران حقیقت‌طلبی است که نشر حقایق را سرلوح کار خود قرار دادند. از این روی ضمن تبریک این روز به خبرنگاران عزیز کشورمان، یاد و خاطره آن شهید والا مقام را گرامی می‌داریم و مجاهدت دلسوزانه شما و جدان‌های بیدار جامعه و تصویرگران زمان خویش را ارج می‌نهیم؛ برای همه تلاشگران این عرصه آرزوی توفیق روزافزون در جهت خدمت به نظام

امین ابراهیمی، مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان فرارسیدن روز خبرنگار را به فعالان این حوزه تبریک گفت. متن پیام تبریک به شرح زیر است:

نون و اقلّم و ما یشطرون
۱۷ مردادماه روزی است که به مناسبت گرامیداشت یاد و خاطره شهید والا مقام «محمود صارمی» و قدردانی از تلاش و رشادت‌های فعالان این عرصه، روز خبرنگار نامیده شده است.

تجدید مناقصه عمومی شماره ۰۲/۰۰۲/۱۹۶۰

با موضوع خرید ترانس‌های قدرت و توزیع معدن سنگ آهن اسفندار

شرکت راهبران فولاد اصفهان جهت کارخانه کنسانتره معدن سنگ آهن خود واقع در ۶۰ کیلومتری شهرستان ابرکوه استان یزد، تصمیم به خرید ترانس‌های قدرت و توزیع از طریق برگزاری مناقصه عمومی دارد. لذا از کلیه مناقضیان دعوت به عمل می‌آید با مراجعه به پایگاه اینترنتی این شرکت به آدرس www.raahbaran.com از بخش مناقصات اسناد مناقصه را دریافت و پس از بررسی در صورت تمایل نسبت به اعلام بهترین پیشنهاد قیمت با رعایت شرایط اقدام مقتضی می‌پذول فرمایند.

شایان ذکر است مهلت شرکت در مناقصه از تاریخ نشر آگهی لغایت پایان ساعت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۹ می‌باشد. کلیه مناقضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۳۶۲۴۰۸۲۵ - ۰۳۱ داخلی ۳۱۰ تماس حاصل نمایند.

واحد بازرگانی و امور قراردادها - شرکت راهبران فولاد اصفهان

« آگهی مناقصه عمومی خرید انرژی برق مورد نیاز سایت سیرجان شرکت جهان فولاد سیرجان به صورت دوجانبه تا حداکثر ۱۵۰ مگاوات »

« مناقصه شماره ۰۲۱۶-خ-م »

شرکت جهان فولاد سیرجان در نظر دارد نسبت به خرید انرژی برق مورد نیاز سایت سیرجان از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید؛ لذا از تمامی نیروگاه‌ها و شرکت‌های خرده‌فروش معتبر که دارای توانایی مناسب، سوابق و تجارب مورد قبول می‌باشند، دعوت به عمل می‌آید اسناد مناقصه را از طریق مراجعه به آدرس اینترنتی WWW.SJSCO.IR دریافت نمایند.

شرایط:

- آخرین فرصت تحویل پاکت: حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۸.
- تضمین شرکت در مناقصه ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ (یکصد میلیارد) ریال، چک شرکتی صیادی ثبت شده و با مدت ۳ (سه) ماهه از تاریخ تحویل پاکت، به نام شرکت جهان فولاد سیرجان می‌باشد.
- شرایط تحویل: تحویل در پست ۴۰ کیلوولت اختصاصی شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان واقع در کرمان، شهرستان سیرجان، ۵۰ کیلومتر سیرجان - شیراز، ۲ کیلومتر جاده اختصاصی گل کهر
- محل تحویل پاکت: استان کرمان، شهرستان سیرجان، دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان و استان تهران، شهر تهران، دفتر شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان.
- شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.
- هزینه چاپ آگهی، بر عهده برنده مناقصه می‌باشد و ارائه اسناد و مستندات مذکور هیچگونه حثی برای مناقضیان ایجاد نمی‌کند.
- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۰۹۹۱۳۹۳۸۳۱۷ و آدرس ایمیل TENDER@SJCOSTEEL.COM ارتباط برقرار نمایند.

دبیر خانه کمیسیون معاملات شرکت جهان فولاد سیرجان

در گفت و گوی مصاحبه درباره افزایش نرخ گاز صنایع تاکید شد

توسعه نیافتگی، درد بی‌درمان تولید



بلاباستفاده بماند؟
هنر این است
که در یک واحد
تولیدی بیش از ظرفیت اسمی آن تولید صورت بگیرد،
نه اینکه به دلیل ضعف زیرساخت، بخشی از ظرفیت آن
معطل باشد! گفت‌وگوی امروز مصاحبه با نوشیروان دلیریان،
کارشناس و فعال حوزه معدن پیرامون آثار و تبعات گرانی
گاز صنایع است.

عکس: مصاحبه

تمام‌شده کالا لحاظ می‌کرده است، به یک‌باره باید آن را به نرخ A+x ریال محاسبه کند و همین موضوع فرآیند تولید را هم دچار وقفه می‌کند تا تولیدکننده اثر تغییرات را در نرخ تمام‌شده محاسبه کند و تصمیم بگیرد باید محصول خود را با چه قیمتی عرضه کند.

مسئله دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که وقتی در بازار داخلی، حتی در بورس، قیمت‌ها کنترل شده و دستوری است. بنابراین، وقتی نرخ حامل‌های انرژی افزایش پیدا می‌کند و از سوی دیگر، نرخ محصول کنترل می‌شود، در عمل حاشیه سود تولید کاهش می‌یابد و به سمت صفر یا حتی منفی میل می‌کند.

بازار صادراتی چگونه تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد؟

در بازار صادراتی هم به‌طورقطع شاهد تغییرات نزولی خواهیم بود، زیرا یکی از مزایای رقابتی ما در صادرات، بر خورداری از انرژی ارزان بوده که علاوه بر اینکه چندی است با وقفه در تامین و قطع برق و گاز و... روبه‌رو شده، از نظر قیمتی هم در آستانه برابری با دیگر نقاط دنیا قرار می‌گیرد. حتی برخی بررسی‌ها نشان داده در بازه‌های زمانی خاصی، بهای گاز مصرفی صنایع گران‌تر از گاز سایر نقاط دنیا، مثل آمریکا یا کشورهای اروپایی بوده است.

پس به این ترتیب، عامل برتری در رقابت هم حذف خواهد شد و صادرات اقم می‌کند و حتی اگر صنعتگر بتواند خود را حفظ کند و به تولید ادامه دهد، بازار صادراتی آن کالا دستخوش تغییرات نزولی می‌شود و تولیدکننده ناچار باید به بازار داخلی رویبورد و باتوجه به محدودیت ظرفیت بازار داخلی، مفضل اضافه تولید ایجاد می‌شود و به‌تبع آن، شاهد کاهش نرخ کالای تولیدشده بر اثر دامپینگ خواهیم بود که آسیب آن واحدهای تولیدی را در میان‌مدت و بلندمدت با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهد کرد که به ورشکستگی و تعطیلی یکی پس از دیگری واحدهای تولیدی، باتوجه به مقیاس و ظرفیت تولید منجر خواهد شد.

تغییرات گسترده‌ای که در بازه زمانی کوتاه بخش معدن و صنایع معدنی را دستخوش تغییر و تحول کرده است (از کمبود و قطع برق و گاز گرفته تا افزایش نرخ انرژی، افزایش تعرفه صادرات، افزایش بهای دیگر نهادهای تولید و...) چه تأثیری بر صنایع و به‌ویژه صنایع کوچک دارد؟

روشن است که واحدهای صنعتی کوچک، به‌دلیل محدودیت تاب‌آوری، به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. بنابراین، اگر ناگزیر به ایجاد محدودیت هستیم، باید مشوق‌هایی علاوه بر آنچه دیگر واحدهای صنعتی بزرگ در اختیار می‌گیرند، به آنها اختصاص داده شود و اگر قرار است در اقم پیش‌رو، به‌سمت انرژی‌های پاک برویم، باید مشوق‌های مضاعفی، چه برای واحدهای معدنی و صنعتی کوچک و متوسط و چه واحدهای بزرگ که از انرژی‌های پاک استفاده می‌کنند، قائل شد.

معافیت مالیاتی، تخفیف در حقوق دولتی یا هر چیزی که مشوقی برای دیگر صنایع وجود داشته باشد تا اگر در جایی هزینه‌ای به آنها تحمیل می‌شود، از جایی دیگر، در همان حد و اندازه جریان شود. البته باید این کاهش، آن جنبه تشویقی و سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی داشته باشد که سیاست‌گذار در اقم پیش‌رو مدنظر دارد.

در شرایط فعلی و باتوجه به جو حاکم بر صنعت و معدن کشور و از آنجایی که در سال افزایش تولید و مهار تورم قرار داریم، شاهد تغییر و تحول در رأس وزارتخانه هستیم و بار تحریم‌های روزافزون و تورم افسارگسیخته بر گرده نگاه‌های تولیدی، سنگین و سنگن‌تر و تامین منابع و نهادهای تولید روز به روز دشوارتر می‌شود و... به‌نظر می‌رسد که چنین شوکی می‌تواند به‌منزله تیر خلاص برای بسیاری از فعالیتهای صنعتی و معدنی باشد، تولید اقتصادی را دچار وقفه کند و منجر به تعطیلی واحدهای متوسط و کوچک شود که در نهایت دودش به چشم کل کشور خواهد رفت.

برای تولید از زغال‌سنگ تامین می‌شود. به‌گفته وی، فولاد در ایران صنعتی اشتغالزای، ارزآور و موثر در رشد تولید ناخالص داخلی است. با این حال، چالش‌هایی که گریبانگیر این صنعت شده، کار را به جایی کشانده که شماری از شرکت‌های فولادی یا در مرز زیان قرار بگیرند یا زیانده باشند. وی سخنان خود را با این جمله به پایان برده است که: چرا باید واحدهای فولادی کمتر از ظرفیت واقعی تولید کنند و بخشی از سرمایه‌ای که صرف خطوط تولید شده،

حاکمیت معدنی می‌شود، اما از آنجا که مزیت رقابتی صنایع ما را هدف قرار می‌دهد، بلافاصله تأثیرات منفی خود را آشکار می‌کند که به‌طوردقیق خلاف شعار سال است و موجب کاهش تولید و افزایش تورم می‌شود.

آیا افزایش تعرفه گاز خانگی کمکی به تامین انرژی موردنیاز صنعت خواهد کرد؟

به‌گمان‌من، این گزاره که افزایش نرخ حامل‌های انرژی موجب کاهش مصرف می‌شود، نادرست است. معضل اصلی ما توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌ها است و به این ترتیب، شکل و شیوه استفاده از انرژی، اعم از آب، برق، گاز و... نامناسب است و تا وقتی که زیرساخت‌های درست ایجاد نشود، اتلاف و اسراف انرژی وجود خواهد داشت.

به‌طورمثال، زیرساخت‌های ناکارآمد در بخش آب موجب شده است که هرچه‌قدر برای کنترل مصرف تلاش می‌کنیم، باز هم در بخش کشاورزی با اتلاف شدید منابع آبی روبه‌رو هستیم.

درباره گاز هم همین مشکل دیده می‌شود. آیا جلوگیری از اتلاف انرژی در بخش ساخت‌وسازها موردتوجه قرار می‌گیرد؟ در حال حاضر از یک‌سو نظارتی بر عایق‌بندی ساخت‌وسازها نیست و از سوی دیگر، در بسیاری از ساختمان‌ها هنوز از سیستم گاز اشتراکی استفاده می‌شود و اغلب ساکنان با این ذهنیت که چه صرفه‌جویی شود و چه نشود، هزینه سرشکن خواهد شد، نسبت به میزان مصرف خود بی‌توجه هستند.

بنابراین، نخستین راه‌حل نباید افزایش نرخ، بلکه باید ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای مصرف بهینه انرژی باشد. مسئله دیگر، موضوع فرهنگ‌سازی است. سرانه مصرف انرژی کشور ما در سال ۲۰۲۰، چیزی بالای ۴۰ کیلووات ساعت بوده و رتبه ۴۴ دنیا را به خود اختصاص داده است و در جایگاهی بالاتر از کشورهای مثل ژاپن، انگلستان، ترکیه، برزیل و آرژانتین قرار داریم. پس قبل از توسل به افزایش نرخ که همواره نخستین راه‌حل ما برای کنترل مصرف بوده است، باید کار فرهنگی انجام شود و به مخاطب و جامعه یاد بدهیم که مصرف بهینه چیست و چه الزاماتی دارد و در مرحله بعد به افزایش تعرفه و جریمه متوسل شویم.

اما متأسفانه این اتفاق در هیچ بخشی از جامعه موردتوجه قرار نمی‌گیرد و نمونه ملموس آن در خیابان‌های کشور به‌چشم‌می‌خورد، برای مدیریت جریان عبورمورور شهری مجموعه‌ای به نام راهنمایی و رانندگی وجود دارد که رانندگی آن با شهروندان است، اما بخش راهنمایی برعهده پلیس است. اما در بخش راهنمایی اگر نگوییم هیچ، که به‌ندرت اتفاقی رخ می‌دهد یا اقدامی برای فرهنگ‌سازی انجام می‌گیرد و از اساس محلی از اعراب ندارد، اما در بخش رانندگی جریمه‌ها باتوجه به تورم افزایش پیدا می‌کند، همین فرهنگ در دیگر بخش‌ها از جمله مصرف انرژی هم دیده می‌شود.

بنابراین، افزایش نرخ گاز به‌منظرمزین تأثیری در کاهش مصرف سوخت و مدیریت بهینه انرژی نخواهد داشت، مگر اینکه در گام نخست، زیرساخت‌های مناسب و بعد فرهنگ‌سازی انجام شود.

تأثیر رویه جدید بر نرخ تمام‌شده چیست و بازار را چطور تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؟

افزایش سوخت یا خوراک مصرفی در صناعی که برپایه گاز هستند، به‌صورت مستقیم نرخ تمام‌شده را محصولات را افزایش می‌دهد. حال اینکه این تأثیر در صنایع گوناگون تا چه اندازه است، بسته به آن است که چه میزان از نرخ تمام‌شده هر محصول در هر صنعت به انرژی وابسته است.

اثر جانبی تغییرات انرژی، همان‌طور که پیش از این هم اشاره شد، به بازار شوک وارد می‌کند، زیرا به‌عنوان مثال، کالایی که تا امروز انرژی موردنیاز خود را با A ریال محاسبه و آن را در تعیین نرخ

رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران به‌تازگی در سخنانی هشدار داده که تاب‌آوری صنعت فولاد به‌مخاطره افتاده است. به‌گزارش چیلان، بهرام سبحانی گفت: صنعت فولاد ایران با تکیه به ذخایر چشمگیر گاز طبیعی کشور عمده تکنولوژی تولید خود را به روش احیای مستقیم در کوره‌های قوس‌الکتریکی بنا کرد. این خلاف رویه برقرار در صنعت فولاد دنیا است، چرا که در ۷۰ درصد تولید فولاد جهان به‌دلیل کمبود ذخایر گاز طبیعی، انرژی موردنیاز

تأثیر و تبعات کوتاه‌مدت تغییرات پی‌درپی هزینه نهادهای تولید چیست؟

نخستین و مهم‌ترین تأثیری که تصمیماتی از این دست به باز می‌آورد، ایجاد شک در بازار است. به‌عبارت دیگر، با چنین تصمیماتی، بازار صناعی که تحت‌تأثیر این تغییرات قرار گرفته‌اند، به‌شدت دچار تزلزل و ناامنی می‌شوند.

نمونه عینی این اتفاق را به‌تازگی در تغییرات ملموس بازار سرمایه در نتیجه اعلام خبر افزایش نرخ خوراک پتروشیمی‌ها دیدیم و شاهد بودیم بازاری که در حال رشد بود، چگونه دستخوش التهاب شد و

با چنین اخباری، نخستین اتفاقی که در بازار سایر صنایع رخ می‌دهد، ایجاد التهاب و ناامنی است.

نکته دیگر این است که ما در سالی با نام رشد تولید و مهار تورم قرار داریم و اتفاقاً تأثیرات کوتاه‌مدت و میان‌مدتی که این موضوع بر صنایع می‌گذارد، به‌طوردقیق عکس اهداف فوق است و زمینه کاهش تولید و افزایش تورم را ایجاد می‌کند.

در کشوری مثل ایران که ذخایر عظیم نفت، گاز و ذخایر معدنی دارد، سوخت و خوراک ارزان‌نرخ همواره مزیتی رقابتی برای برخی از صنایع پایین‌دستی، که وابسته به مصرف این خوراک هستند، به‌شمار می‌آید و نرخ سوخت هم در نرخ تمام‌شده محصول و هم در تامین، ارائه به بازار و در دسترس قرار گرفتن آن، بسیار تأثیرگذار بوده است. وقتی این مزیت دچار نوسان می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت تولید محصول نهایی به روال گذشته ادامه پیدا کند و دچار نوسان نشود و از طرف دیگر، نوسان قیمتی و افزایش بهای محصولات تولیدی در صناعی که بالادست صنایع دیگر قرار دارند، باعث یک سلسله افزایش نرخ در صنایع پایین‌دستی خود می‌شوند و به‌واسطه اینکه ماده اولیه را از حلقه قبل از خود با نرخ بالاتری دریافت می‌کنند و فرآیند تولید برای آنها گران‌تر تمام می‌شود، علاوه بر این منجر به افت تولید و عدم‌توازن میان عرضه و تقاضا می‌شود.

پس به‌طورخلاصه، تأثیر کوتاه‌مدت این تصمیم؛ شوک به بازار، افت تولید و برهم‌خوردن توازن عرضه و تقاضا است که مجموع آنها، منجر به افزایش تورم خواهد شد.

آیا صنایع کشور با تکیه بر این مزیت توسعه یافته‌اند؟

سیاست‌گذار به‌واسطه اختیاراتی که دارد، می‌تواند صنایع را به‌سمت‌وسوی سوق دهد که بتوانند از فرصت‌ها استفاده کنند و در راستای رشد و توسعه حرکت کنند. کشوری که صاحب دومین ذخایر گازی جهان است، باید این مزیت را در صنعت خود به ارزش‌افزوده تبدیل کند.

به‌طورمثال در سالیان گذشته از این مزیت برای رشد صنعت فولاد استفاده و سرمایه‌گذار را اعم از دولتی، خصولتی و خصوصی به‌سمت تولید فولاد با پایه گاز هدایت کرده‌ایم، تا جایی که گاز طبیعی بیش از ۷۰ درصد انرژی‌هایی را که در صنایع فولاد مصرف می‌شود، به خود اختصاص داده است.

این تنها مثالی بود که نشان می‌دهد سیاست‌گذار نرخ ارزان این انرژی را مزیت رقابتی صنایع تعریف کرده و آنها را به سمت و سوی استفاده از گاز سوق داده است، اما امروز خلاف سیاست‌هایی که از سالیان پیش تعریف شده، درصدد است تا این مزیت رقابتی آنها را کاهش دهد یا از آنها بگیرد.

به این ترتیب، انتظار داریم در بازاری که بخش عمده انرژی موردنیاز یا خوراک خود را از گاز تامین می‌کند، چه اتفاقی رخ دهد؟ سیاست‌گذار ما در سنوات گذشته صنایع را به این سمت سوق داده است، امروزه بر موضوع جلوگیری از خام‌فروشی پافشاری می‌کند تا ارزش‌افزوده بیشتری خلق شود، اما از سوی دیگر، با افزایش نرخ انرژی و خوراک جلوی توسعه صنایع را می‌گیریم که تنها نتیجه آن، منافع ناپایدار و کوتاه‌مدتی است که از این رهگذر نصیب بخش

گفت‌وگو

گیتا جاودانی
editor@smtnews.ir

الزامات قانونی
در توسعه پایدار
معدن

علیرضا عقیلی مهریزی
فعال معدنی و پژوهشگر

هر گاه صحبت از توسعه و معدنکاری به‌میان می‌آید، پرسش اساسی این است که عوامل موثر بر توسعه پایدار معدن کدام موارد هستند؟ به‌طور کلی عوامل موثر در توسعه پایدار معدن عبارتند از: مدیریت محیط‌زیست، مدیریت محیط اجتماعی - انسانی و فرهنگی، بهره از تجهیزات پیشرفته و به‌روز، استفاده از فناوری و نوآوری و هوشمندسازی معدن، بهره‌برداری اصولی و متعادل و نظارت و مدیریت دقیق که نیازمند نظارت و مدیریت دقیق بر این بخش است. برای تحقق این روند باید روش‌ها و فرآیندهای مناسبی برای نظارت بر فعالیت‌های معدنی، اعتبارسنجی سرمایه‌گذاران و ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی - انسانی، مدیریت پسماندها و کنترل سوانح معدنی با حضور حداکثری بخش خصوصی انجام شود. عوامل فوق به‌طور کلی مجموعه‌ای از مبنای است که باید در توسعه پایدار بخش معدن به آنها توجه کرد.

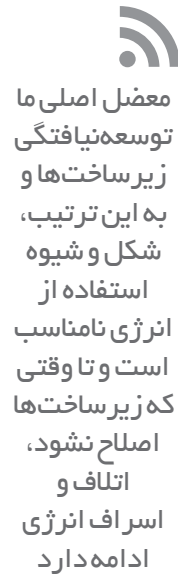
تمرکز یا تکتور

برای تحقق این الزامات و حرکت به‌سوی توسعه پایدار معدن، مدیریت مرکزگرا و غیر استانی بخش معدن می‌تواند برخی معایب و مشکلات را به‌همراه داشته باشد که از جمله آنها تصمیماتی است که درباره مدیریت معدن، شاید با تأخیر اتخاذ می‌شوند و تغییرات سیاسی و اقتصادی ممکن است منجر به بی‌ثباتی در سیاست‌ها و مقررات معدنی شود. این نوع نپودامپینان زمانی که قوانین و مقررات تغییر می‌کنند، می‌تواند برای بخش معدن و سرمایه‌گذاران آن ایهامات و ریسک‌های قابل‌توجهی ایجاد کند، همچنین تصمیمات معدنی زمانی که توسط افراد و سازمان‌ها در سطح مرکزی گرفته می‌شوند، ممکن است با محدودیت‌ها، واقعیت‌ها و ظرفیت‌های منطقه خاص و ویژگی‌های جوامع محلی در تضاد باشد. این انطباق ناکامل گاهی می‌تواند منجر به نارضایتی‌ها، تعارضات و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی شود، به‌علاوه اینکه، فرآیند قانون‌گذاری، تصمیم‌گیری و مدیریت تمرکزگرا و غیر استانی بخش معدن ممکن است به نبود شفافیت، فساد یا تعارض منافع بین بخش‌های مختلف منجر شود. نبود شفافیت در فرآیند قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری در زمینه قانون معدن، با عدم‌پاسخگویی به سرمایه‌گذاران و جوامع محلی می‌تواند منجر به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و تضعیف حقوق عمومی شود. در سیستم قانون‌گذاری معدنی متمرکز، تصمیم‌گیری در سطح مرکزی ممکن است به‌نقص در برنامه‌ریزی و عدم‌توسعه منطقه معدنی منجر شود، زیرا به‌طورقطع برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه به‌طورمهاکنگ در سطح محلی، نیاز به درک عمیقی از ظرفیت‌های معدنی و صنعتی آن منطقه، نیازهای محلی و مشارکت ذی‌نفعان دارد.

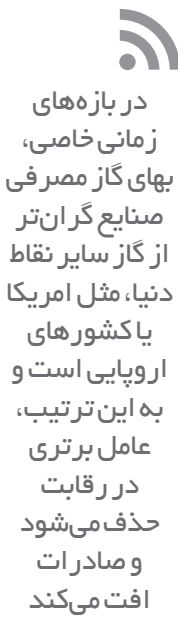
در قانون‌گذاری معدنی تمرکزگرا، همان‌گونه هم که تاکنون شاهد آن بوده‌ایم، یک بخشنامه معطوف به یک موضوع می‌تواند نوسانات در تمام معدن ایجاد کند و باعث آسیب‌پذیری اقتصاد معدن شود. سازماندهی تمرکزگرا در مدیریت بخش معدن ممکن است به بی‌ثباتی، عدم‌انطباق با واقعیت منطقه‌ای، عدم‌شفافیت و نقص در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه معدنی منجر شود. البته هر سیستم مدیریت معدنی دارای مزایا و معایب خاص خود است و بسته به شرایط، محیط و ظرفیت هر کشور، باید گزینه مناسب آن انتخاب شود. در برخی کشورها مانند استرالیا، کانادا، آلمان، ایالات‌متحده، برزیل، روسیه و چند کشور معدنی دیگر، بخش عمده‌ای از اختیارات معدنی برعهده ایالت‌ها (استان‌ها) است. در این کشورها، هر ایالت (استان) قانون‌گذاری خاص خود را دارد و مسئولیت تعیین قوانین و مقررات معدنی در مرزهای ایالتی برعهده ایالت مربوطه ضمن رعایت مفاد قوانین بالادستی و قانون اساسی است. به‌عنوان مثال، اختیارات معدنی ایالتی (استانی) مجموعه‌ای از قوانین و مقررات را شامل می‌شود که به شرکت‌ها اجازه اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از منابع معدنی در مرزهای ایالتی (استانی) را می‌دهد. در این قوانین، نحوه صدور مجوزات و پروانه‌ها، الزامات محیط‌زیست و محیط انسانی - اجتماعی، نحوه صدور ضمانت‌نامه‌ها، رعایت حقوق کارگران معدنی و شرکت‌ها مطرح می‌شود، همچنین اختیارات معدنی ایالتی ممکن است شامل تنظیم قوانین مالیاتی، تعیین نرخ حقوق دولتی، برنامه‌ریزی برای توسعه بخش معدن، مشوق‌ها و معافیت‌ها و نیز بررسی طرح‌ها و مجوزهای اکتشاف و استخراج براساس ویژگی‌ها و نیازهای خود ایالت (استان) باشد. باید به این نکته توجه کرد که هر ایالت (استان) می‌تواند قوانین و مقررات خود را داشته باشد، اما مطیع قانون معدن اصلی و ذیل قانون اساسی آن کشور است.

مزایای قانون‌گذاری استانی

روش قانون‌گذاری استانی معدن، باعث می‌شود که تصمیمات به‌اشکال بهتر با ظرفیت‌های معدنی و نیازهای محیط‌زیست و محیط‌انسانی محلی تطبیق یابند. این روش تأثیر بسیاری در مدیریت مطلوب معدن دارد که قدرت تصمیم‌گیری و مدیریت به‌صورت متناسب با منطقه مهاکنگ می‌شود و می‌تواند تأثیر مستقیم در مدیریت کم‌ریزش معدن داشته باشد. این کار باعث می‌شود که توازن منطقه‌ای در مدیریت معدن حاکم شود. این تعامل و مشارکت با افزایش شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری، به کشور این امکان را می‌دهد تا تصمیمات در زمینه مدیریت معدن را به شکل‌های بهینه‌تر و منطبق بر زیست‌بوم منطقه و در راستای توسعه پایدار باتوجه به منافع کلیه ذی‌نفعان اتخاذ کند. با توزیع قدرت تصمیم‌گیری درباره قوانین معدن در سطح استان، بیشترین فهم و آگاهی از تأثیرات فعالیت‌های معدنی بر محیط‌زیست و محیط انسانی درک و تمهیدات موردنیاز اندیشیده می‌شود. این امر می‌تواند منجر به توسعه روش‌های استخراج معدنی و مدیریت بهینه منابع طبیعی و محیط‌زیست شود تا با به‌حداقل رساندن اثرات زیست‌محیطی، حقوق بومیان و جوامع محلی که همجوار منابع معدنی ساکن هستند، بهتر تامین شود و به مناطق کمتر توسعه‌یافته کمک کند تا عدالت اجتماعی نیز تقویت شود. در ساختار قانون‌گذاری استانی معدن، رقابت بیشتری برای توسعه فعالیت‌های معدنی و جذب سرمایه‌گذاران میان استان‌ها وجود خواهد داشت که این رقابت می‌تواند ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تحرک اقتصادی مناطق را منجر شود. البته هر کشور شرایط خاص و محیط و ساختار ویژه خود را دارد و راهبردهای متفاوتی برای مدیریت معدن اتخاذ می‌کند.



معضل اصلی ما
توسعه‌نیافتگی
زیرساخت‌ها و
به‌این ترتیب،
شکل و شیوه
استفاده از
انرژی نامناسب
است و تا وقتی
که زیرساخت‌ها
اصلاح نشود،
اتلاف و اسراف انرژی
ادامه دارد



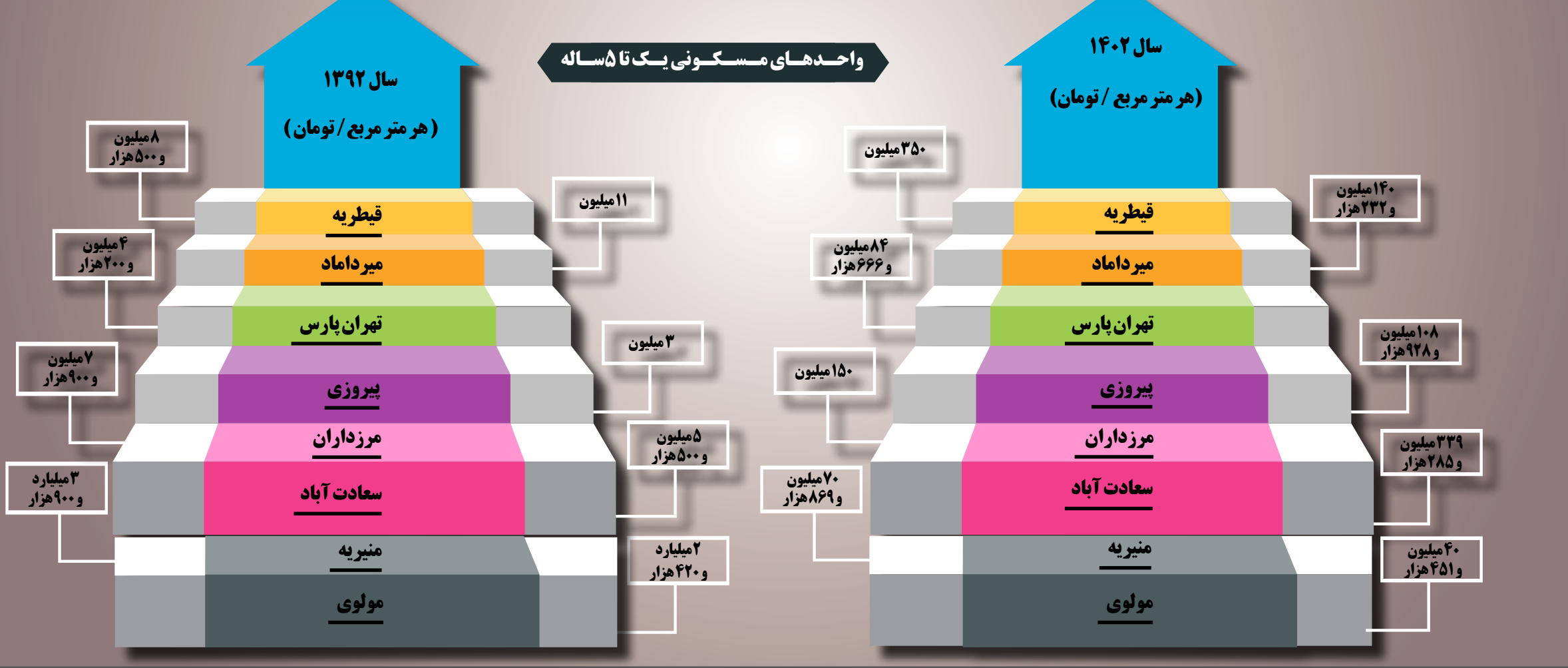
در بازه‌های
زمانی خاصی،
بهای گاز مصرفی
صنایع گران‌تر
از گاز سایر نقاط
دنیا، مثل آمریکا
یا کشورهای
اروپایی است و
به این ترتیب،
عامل برتری
در رقابت
حذف می‌شود
و صادرات
افت می‌کند

کیما ملک: مدت‌هاست که خرید مسکن به آرزوی محال تبدیل شده و دیگر دست هیچ کس به آن نمی‌رسد. این در حالی است که مسکن در اقتصادهای توسعه یافته به عنوان گالای سرمایه‌ای شناخته نمی‌شود. در صورتی که تورم مسکن ایران طی ۱۰ سال گذشته روند بی‌سابقه‌ای را در سطح جهانی پشت سر گذاشته است، اما گروه کور این بازار مولد را باید قبل‌تر از این بازه جست‌وجو کرد. البته گرانی مسکن در سال گذشته همراه

با رشد نرخ دلار و نرخ تورم باعث شده است این بازار در شرایط بحرانی‌تری فرو رود و اکنون خرید سرپناهی حداقلی به‌ویژه در کلانشهری مانند تهران به رویایی دور بدل شده است. که به عقیده کارشناسان این حوزه، امسال اتفاق خاصی برای افزایش قدرت خرید مردم رخ نمی‌دهد و این یعنی میزان تقاضا افزایش نمی‌یابد. به بیان دیگر، بازار مسکن در ۱۴۰۲ مشابه شرایط سال قبل خواهد بود و بنابراین بازار مسکن کشش افزایش نرخ همپای تورم را ندارد و

اگر این اتفاق بیفتد، تعداد بیشتری از بازار خارج می‌شوند و بازار در رکود بسیار عمیقی فرو می‌رود. در مجموع، بازار مسکن از دردهای بسیاری رنج می‌برد و مدت‌هاست که از سمت عرضه و تقاضا با مشکلاتی روبه‌رو است. از طرف دیگر، گرانی‌ها قدرت خرید مردم را تا اندازه زیادی پایین آورده و حالا نه تنها این بازار با کمبود تقاضای مصرفی مواجه است، بلکه کاهش سود انبوه‌سازان و افزایش نرخ نهاده‌های ساختمانی نیز این بازار را با چالش جدی عرضه مواجه کرده است.

روند ۱۰ ساله قیمت مسکن



سرمایه گذاری راهبرد دوراندیشانه فولاد خوزستان

یکی از راهبردهای استراتژیک و دوراندیشانه شرکت فولاد خوزستان، رویکرد سرمایه گذاری و ایجاد زیرساخت‌های توسعه‌ای متناسب با فناوری‌ها و تکنولوژی‌های روز دنیا است. ارزش سرمایه‌گذاری‌های این شرکت در حال حاضر به بیش از ۴۰ همت (چهل هزار میلیارد تومان) رسیده است که نه تنها در تاریخ این شرکت بی‌سابقه است بلکه می‌توان گفت کمتر شرکتی را در سطح کشور می‌توان یافت که چنین حجم سرمایه‌گذاری فعالی داشته باشد. در حالی که به دلیل مشکلات

جبری مختلفی چون محدودیت‌های انرژی، قیمت‌های دستوری، مشکلات و نوسانات بازار جهانی فولاد و تحریم‌ها، شرکت‌های فولادی در کشور مشکلاتی در استفاده از حداکثر ظرفیت‌های تولیدی و سودآوری بیشتر دارند، فولاد خوزستان تنها هدف خود را سودآوری قرار نداده، بلکه سرمایه‌گذاری در چند جبهه را با هدف پایداری تولید، توسعه و افزایش تولید و بهینه‌سازی در دستور کار قرار داده تا هم بر مشکلات پیش گفته فائق آید و هم ظرفیت‌های تولیدی خود را به حداکثر برساند.

اگر چه این پروژه‌های مهم سرمایه‌گذاری در حال حاضر نیز در ایجاد رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال موثرند اما تأثیر مهم و بلندمدت این حجم از سرمایه‌گذاری‌ها و ثمره این تدابیر را در سال‌های آینده و با به بار نشستن همه این پروژه‌ها خواهیم دید. سودآوری مهم است اما آنچه از تحول‌آفرینی و توسعه دانش‌بنیان و آینده‌نگری در صنعت حکایت می‌کند، حجم سرمایه‌گذاری‌ها به‌ویژه در بخش‌های زیرساختی است که فولاد خوزستان نشان داده در این زمینه سرآمد است.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲/۲۶۰۲۲۴۰۰۲۰۰۲۷۱ مورخه ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی برازجان صرفات مالکانه و بلاعارض متعلق به آقای نوذر آتشی فرزند محمدجعفر به شماره شناسنامه ۱ و شماره ملی ۳۵۵۹۷۸۴۱۲۳ صادره از تنگستان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲/۲۶۰۲۲۴۰۰۱۰۰۲۴۰۴ مورخه ۱۴۰۲/۰۲/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای عباسعلی بویراحمدی فرزند سیامرد به شماره شناسنامه ۳۳۰۲۱۰۲۲۶ کدملی ۳۵۳۰۲۱۰۲۲۶ صادره از گناوه و نسبت به ششدانگ عرصه

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

قصه برندهای خاطر‌ساز



مانند ریکا، دلستر، ساندیس، پفک، وایتکس و... این نام‌های قدیمی اگر سن‌وسال‌تان هم به زمان عرضه آنها قد ندهد، حتما برای یک بار هم که شده اسم‌شان به گوش‌تان خورده و نام آنها را از پدرها و مادرها یا تلویزیون شنیده‌اید. زندگینامه برخی از برندها در ایران بیشتر شبیه داستانی است که شنیدن آن، هم غم‌انگیز است و هم طعم گس نوستالژی را در مذاقت زنده می‌کند. حالا مرگ برندها در پی مشکلات اقتصادی به قصه‌ای تکراری اما تلخ و در عین حال شنیدنی تبدیل شده است. البته برندهایی مانند ارج و آزمایش و عالی‌نسب همچنان باوجود تمام فرازونشیب‌ها به فعالیت ادامه می‌دهند.

در این گزارش نگاهی به برندهای قدیمی می‌اندازد و مخاطبان را به دوران گذشته می‌برد.

کیمیا ملکی: همه چیز خوب پیش می‌رفت تا اینکه بزرگ شدیم و بسیاری از محصولات نیز با گذر زمان جای خود را به خاطرات دادند. به خود آمدم و دیدیم که برندهای معروف و بزرگ، دیگر جای خود را به برندهای جدید و از راه رسیده داده‌اند. البته برخی از برندهای قدیمی توانستند در برابر جذابیت برندهای جدید مقاومت و همچنان موقعیت خود را حفظ کنند و برخی دیگر میدان را خالی کردند و رفتند. البته از میان برندهای قدیمی، تعدادی از آنها باوجود چند سال تعطیلی توانستند در نهایت تولید مشترکی را با برخی از کارخانه‌های دیگر شروع کنند. اصلا سروکله این برندها از کجا پیدا می‌شود؟ در این بین برخی از برندها آنقدر جایگاه خوبی در جامعه پیدا می‌کنند که رفته‌رفته جای نام محصول را می‌گیرند؛

برندهای قدیمی کجا رفتند؟

بین رفتن برندهای معتبر در ایران بوده است. صحبت از یکی دو شرکت نیست؛ ده‌ها شرکت بودند که آمدند و رفتند. البته برخی از آنها همچنان با تعدیل نیرو ادامه فعالیت می‌دهند و برخی دیگر مانند عالی‌نسب با قدرت کار می‌کنند. در ادامه نگاهی می‌اندازیم به تاریخچه و سرنوشت برخی از برندهای قدیمی.

بوتان و... دیگر بازارشان به وسعت گذشته نیست و برخی‌ها هم تعطیل شده‌اند. به عقیده بسیاری از کارشناسان اقتصاد نبود زمینه فعالیت بخش خصوصی در عرصه‌های مختلف اقتصادی و صنعتی، واردات بی‌رویه کالا و محصولات خارجی و نبود نظام تامین مالی مناسب برای تامین مواد اولیه از عوامل مهم از

و تولید منحصربه‌فرد قدرت فراگیری و ماندگاری قابل توجهی داشته و دوام آوردند یا حتی با پیشرفتی مطابق سلیقه مصرف‌کننده و استفاده از تکنولوژی روز تا امروز زنده مانده‌اند و محصولات خود را به سراسر دنیا عرضه می‌کنند. نام‌های آشنایی چون علاالدین، عالی‌نسب، داروگر، کش ملی، گلرنگ، ارج،

شاید یک‌دفعه محصولاتی در قفسه فروشگاه‌ها پدیدار شود اما پشت هر یک از این برندها قصه‌ای است. گذر زمان سرنوشت متفاوتی را برای هر یک از برندها رقم می‌زند. سال‌ها قبل از کمپین‌های بازاریابی جهانی، تبلیغات تلویزیونی و رسانه‌های اجتماعی، بسیاری از محصولات و شرکت‌های ایرانی تنها با کیفیت

پفک‌های خاطر‌ساز



پفک اشی مشی را به پرندۀ روی بسته پفک می‌دانند؛ این تبلیغ پفک اشی مشی در سال‌های گذشته است. برخی از کودکان دیگر با همین نام درخواست خرید پفک را به پدر و مادرشان اعلام می‌کردند: «یه اشی مشی می‌خری؟» البته در بین پفک‌ها، پفک نمکی طرفداران بسیاری داشت. پفک نمکی با جلد نایلونی قرمز رنگ تبدیل به بخشی از خاطرات کودکی بسیاری از ایرانیان شده است.

گروه تولیدی اشی مشی یکی از بزرگ‌ترین کارخانجات تولید مواد غذایی در ایران در سال ۱۳۷۱ فعالیت خود را با تولید انواع اسنک آغاز کرد. یکی از محبوب‌ترین محصولات این گروه تولیدی، پفک اشی مشی است که با گذشت سال‌های طولانی همچنان پادآور طعم دلپذیر و خاطرات شیرین کودکی است. البته این گروه تولیدی محصولات دیگری مانند نوشابه نیز داشت. پشت‌صحنه‌ای قرمز رنگ و چند کودک که



در ساعتی از روز به بقالی محل مراجعه می‌کردیم تا جعبه نوشابه‌هایی که در مقابل درب مغازه قرار داشت را شیشه خالی نوشابه پر کنیم. معمولا عضو کوچک هر خانواده مسئول تحویل شیشه نوشابه خالی به بقالی بود و با جمله کوتاه «آقا این شیشه رو گذاشتیم تو جعبه» معامله تمام می‌شد. اگر بخواهم دقیق‌تر یادآوری کنم «برای احساس لذت بیشتر/ در روزهای فرح‌بخش/ در کنار مناظر زیبای طبیعت/ هیچ چیز بهتر از یک بطری... سرد نیست» این تبلیغ یکی از شرکت‌های نوشابه‌سازی در سال‌های گذشته است که دیگر وجود خارجی ندارد. روی این شیشه نوشابه‌ها نام برند ذکر شده بود؛ پاریس کولا، آرماکولا، مزم، پپسی کولا و کانادا درای و...

آدامس‌های دوران کودکی



خروس نشان از راه رسید. برخی دلیل موفقیت این برند را سرب و صدای زبانی که با انداخته بود می‌دانند. سال ۱۳۷۱ کارخانه آدامس خروس نشان در قالب برنامه خصوصی‌سازی واگذار شد، اما چند سالی است که محل کارخانه این برند به دانشگاه سوره تبدیل شده است. آدامس دایناسوری نیز یک آدامس بادکنکی بود؛ دارای جلدی صورتی‌رنگ با یک دایناسور سبز. نام این آدامس نیز در دهه برندهای ماندگار به ثبت رسیده است. آدامس درازه‌ای شیک محصول شرکت مینو بود و پس از تولید توانست در بازار آدامس ایران رتبه اول را به دست آورد.

که «عکس من قشنگ‌تر!» کم‌کم آدامس‌ها تبدیل به یکی از محبوب‌ترین خوراکی‌ها در بین کودکان شدند و شرکت‌های تولیدکننده برای رقابت با سایر شرکت‌ها، برای جذب مشتری، داخل بسته‌بندی از عکس‌های ستاره‌های فوتبال استفاده می‌کردند. چه روزی بود آن روز که عکس همان بازیکن موردعلاقه‌مان از جلد آدامس بیرون می‌آمد؛ ذوقی سراسر وجودمان را می‌گرفت. برخی‌ها هم آدامس را نه برای جویدن و نه برای بازی کردن، بلکه برای جمع کردن عکس‌های آن می‌خریدند. از اوایل سال ۱۳۷۰ شرکت آدیدس آدامس‌های فوتبالی را تولید کرد؛ آدامس‌های شیرینی که به‌خاطر عکس فوتبالیست‌های داخل‌شان محبوب شدند و با خودشان دنیایی از داستان و بازی و هیجان برای علاقه‌مندان به بازی‌های جام‌جهانی به ارمغان آوردند. اما برسیم به آدامس خروس‌نشان؛ هرچند پرسروصدا آمد، اما بی‌سروصدا رفت. البته آدامس «خروس» اولین برند آدامس تولیدی در ایران نبود. سال ۱۳۳۵

اگر عمرتان به جویدن آدامس‌های دهه ۶۰ برسد، قطعاً می‌توانید لحظه‌ای را تجسم کنید که آدامسی سخت و فک‌خسته‌کن در دهان‌تان قرار دارد. از آدامس خروس نشان گرفته تا شیک، پیک، خرسی و... تنوع بسیاری در کیفیت آدامس‌ها وجود داشت؛ یکی از شدت سخت بودن فک را خسته می‌کرد، دیگری آدامسی شیرین و بادکنکی بود که تنها برای مدتی کوتاه طعم شیرینی می‌داد و پس از آن دیگر نمی‌توان از آن به‌عنوان آدامس یاد کرد. آدامس‌های خرسی دیگر در ذهن همه مانده، خلاف آدامس‌های سفت و سخت شیک، نرم بودند و جویدن‌شان خسته‌کننده نبود. آدامس پی‌کی هم که تحولی دلپذیر در میان این محصول بود. زمانی در کوچه و خیابان هر کودکی را می‌دیدید محال بودی نشانی از آدامس خرسی روی بدنتش نباشد. اصلا بچه‌ها آدامس خرسی را به عشق این می‌خریدند که جلدش را باز کنند و عکس برگردان آن را روی بدن خود بچسباند. آخر هم ما نفهمیدیم حقیقت عکس برگردان‌ها چه بود، زیرا در بیشتر موارد عکس‌ها با وضوح دیده نمی‌شد. در بسیاری از موارد نیز با خواهر یا پسر خاله و ... دعوا می‌شد

شروع کار کارخانه داروگر با تولید صابون بوده است؛ محصولی که بعد از اینکه وارد بازار شد و بین مردم مقبول افتاد، صاحبان کارخانه را به این واداشت که در کنار صابون، کالاهای دیگری را هم به تولیدات کارخانه‌شان اضافه کنند، اما وقتی صحبت از صابون می‌شود، صابون‌های زرد و سبزی با نقش نخل در ذهن تداعی می‌شود.

محصولات بابا قورقوری

که هر بار در یک محیط بود، می‌گفت و بابا قورقوری به این طرف و آن طرف می‌دوید و در نهایت همه محصولات داروگر را معرفی می‌کرد. در نهایت تبلیغ با این جمله به پایان می‌رسید: «قوری قوری چون گل کاشتی، هر چی که خواستم داشتی!» برای یادآوری بیشتر؛ یکی از تبلیغات ریکا، شستن ظرفا با همان دختر بامزه لبه یک حوض در زمان‌های قدیم بود و پس از آن گذر زمان و خانه‌ای جدید با یک سوال «حالا امروزه ظرف می‌شورین شما چه‌جوری؟» با همون ریکا، ریکای عزیز آقا قورقوری» شامبو خمره‌ای نیز که حالا هم قفسه‌های فروشگاه‌ها به‌سرعت از موجودی این کالا خالی می‌شود و هنوز هم طرفداران بسیاری دارد. البته بد نیست یاد کنیم از شامپوهای بالشتکی داروگر که پیدا کردن رنگ صورتی آن از کارهای سخت بود، اما زردرنگ آن به‌راحتی یافت می‌شد.

ریکای آبی یکی از خاطره‌انگیزترین محصولات سوپرمارکتی تولیدشده در ایران است که تمام ایرانی‌ها اگر آن را استفاده نکرده باشند -که بعید است- قطعاً در خانه‌ای دیده‌اند. اکنون با حالت نیمه‌تعطیل داروگر، مشخص نیست سرگذشت ریکا چه می‌شود، اما براساس مشاهدات، ریکا آنقدر معروف است که هر زمان به بازار تزریق شود، دوباره مورد استقبال و خرید مردم قرار خواهد گرفت. ریکا جزو اولین مایع‌های ظرفشویی در ایران بود؛ تا جایی که تقریباً خیلی‌های مان با محصول مایع ظرفشویی با همین برند آشنا شدیم و حتی به‌جای لفظ «مایع ظرفشویی» از کلمه «ریکا» استفاده می‌کردیم و حتی موقع خرید محصولات کارخانه‌های دیگر نمی‌گفتیم «مایع ظرفشویی بدهید» می‌گفتیم «ریکای فلان را دارید؟» شروع تبلیغ با یک عنوان بود: «ماجرای صدف و بابا قورقوری». «سلام سلام قوری قوری چون اوادم خرید!» این را دختری خردسال و بامزه با چادری گلدار

شیر با درپوش آلومینیومی اولین محصول تولیدی کارخانه نگاه شیرهای در بسته‌بندی شیشه‌ای با تصویر سبزه‌گاو است. یکی از لذت‌های دوران کودکی فشاردادن انگشت روی درب آلومینیومی شیشه شیر و سوراخ کردن آن بود تا خامه روی شیر بیرون بیاید و آن را بخورند. البته باید پس از تمام کردن شیر، شیشه شیر را به بقالی محل تحویل می‌دادیم.

شروع کار کارخانه داروگر با تولید صابون بوده است؛ محصولی که بعد از اینکه وارد بازار شد و بین مردم مقبول افتاد، صاحبان کارخانه را به این واداشت که در کنار صابون، کالاهای دیگری را هم به تولیدات کارخانه‌شان اضافه کنند، اما وقتی صحبت از صابون می‌شود، صابون‌های زرد و سبزی با نقش نخل در ذهن تداعی می‌شود.

ارج؛ نامی که می‌شناسید



«ارج؛ نامی که می‌شناسید و به آن اطمینان دارید» این جمله تبلیغ محصولات ارج بود. شاید کمی به ذهن فشار بیآورید، هنوز هم در گوش شما لحن آن جاری شود. ارج یک تولیدکننده بزرگ لوازم خانگی در کشور بود. این شرکت از سال ۱۳۱۶ با ۸ کارگر ساده آغاز به کار کرد و با قدمتی ۷۹ساله قدیمی‌ترین سازنده لوازم خانگی ایران لقب گرفت. در دهه ۱۳۵۰ فعالیت این کارخانه گسترش یافت و به تولید لوازم خانگی از جمله یخچال، بخاری، ماشین لباسشویی و کولر رو آورد. لازم به ذکر است که نام «ارج» اختصار سه واژه آهنگری، ریخته‌گری و جوشکاری است.

با پله تمرین کنید!

کفش بلا در سال ۱۳۴۱ تأسیس شد و در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۴۲ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در آن زمان تبلیغاتی از کفش فوتبال بلا آن هم با تصویری از ستاره فوتبال جهان، پله روی کار آمد. پله، اسطوره فوتبال جهان حتماً روحش هم خیر ندارد که زمانی این گونه نامش روی یک کفش ایرانی گذاشته شده و برای آن هم تبلیغ شده که «با پله تمرین کنید!»

سخن پایانی

نوشتن این گزارش شاید از نظر برخی ساده به‌نظر بیاید، اما چنین نیست، چراکه خط به خط این گزارش من را به دوران کودکی برد و خاطراتی را برآیم زنده کرد که دیگر هرگز بازنخواهد گشت. به‌علاوه اینکه برخی از برندها و محصولات قدیمی از هم‌نسل‌های من به‌شمار می‌روند که آشنایی با آنها هم زیبایی‌های خاص خود را داشت.

شیر با درپوش آلومینیومی



اولین محصول تولیدی کارخانه نگاه شیرهای در بسته‌بندی شیشه‌ای با تصویر سبزه‌گاو است. یکی از لذت‌های دوران کودکی فشاردادن انگشت روی درب آلومینیومی شیشه شیر و سوراخ کردن آن بود تا خامه روی شیر بیرون بیاید و آن را بخورند. البته باید پس از تمام کردن شیر، شیشه شیر را به بقالی محل تحویل می‌دادیم.

کبریت بی‌خطر



کبریت توکلی یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کبریت ایران و جهان است که حدود یک قرن سابقه فعالیت دارد. به‌خاطر قدمت کبریت توکلی، شعار «کبریت بی‌خطر» که روی جعبه‌های کبریت این شرکت درج شده، وارد فرهنگ عامه ایران شده و گاهی افراد و اشیا بی‌خطر و کم‌آر را کبریت توکلی می‌نامند.

عالی‌نسب‌ها



در سال ۱۳۲۹ شرکت تولیدی صنایع نفت‌سوز و گازسوز عالی‌نسب توسط مرحوم استاد میرمصطفی عالی‌نسب با مأموریت تولید بخشی از لوازم خانگی نفت‌سوز موردنیاز خانواده‌های ایرانی تأسیس شد. پیش از آن بازار لوازم خانگی ایران به‌ویژه لوازم پخت مواد غذایی و تجهیزات گرمایشی کوچک عمدتاً در انحصار شرکت‌های انگلیسی بود. عالی‌نسب با سرمایه شخصی خود «صنایع نفت‌سوز و گازسوز عالی‌نسب» را تأسیس کرد. این کارخانه پایه‌گذار تولید ملی پس از ملی شدن صنعت نفت بود و نماد همدلی دولت و ملت نام گرفت. عالی‌نسب اولین تولیدکننده سماور، چراغ خوراکی‌پزی و بخاری دستی در ایران بود. امروز محصولات کتری و سماور عالی‌نسب جزو بهترین محصولات این بخش به‌شمار می‌روند.

ضرورت مدیریت
مصرف انرژی



حسین سلیمی
کارشناس انرژی

آژانس بین‌المللی انرژی، شدت مصرف انرژی در ایران را ۵.۷ برابر جهان اعلام کرد. به‌تعمیر دیگر، ایران برای تولید یک میزان کالا و خدمات ۵.۷ برابر بیشتر از جهان انرژی مصرف می‌کند و بدین ترتیب رتبه اول جهان را در شدت مصرف انرژی کسب می‌کند. شاخص شدت انرژی از تقسیم واحدی از انرژی بر واحدی از تولید ناخالص داخلی به‌دست می‌آید. این رقم در سال‌های اخیر نُه‌تنها ثابت نمانده، بلکه به‌دلیل تشدید ضعف مدیریت در این بخش، رشد کرده است.

از سوی دیگر، تجربه نشان داده است که رشد اقتصادی و توسعه صنعتی از پایه‌های اصلی پیشرفت در عرصه فناوری و رسیدن به اقتدار سیاسی و استقلال ملی است. تحقق این جایگاه منکی به استفاده درست و منطقی از منابع انرژی است.

انرژی به‌عنوان یک کلای بارز در بازار جهانی به کشورهای تولیدکننده امکان می‌دهد که درآمد حاصل از آن را برای رشد و صنعتی شدن سریع خود به‌کار گیرند. بنابراین، کشورهایی که در اندیشه رشد و پشت‌سر گذاشتن عقب‌ماندگی اقتصادی، صنعتی و اجتماعی هستند، در پی آن هستند که با بهای هرچه کمتر به منابع انرژی هرچه بیشتر دست یابند.

این ثروت بزرگ در کشور ما به‌ویژه به‌صورت منابع انرژی نفت و گاز یافت می‌شود. اگر ما بتوانیم از این منابع ارزشمند درست و منطقی استفاده کنیم، کشورمان امکان مناسبی برای رشد و توسعه منظم اقتصادی خواهد داشت. باتوجه به اینکه نیروگاه‌های تامین‌کننده برق از منابع انرژی همچون نفت، گاز و... استفاده می‌کنند و سرمایه‌گذاری برای ساخت نیروگاه‌های جدید یا توسعه آنها مستلزم صرف هزینه‌های بسیار زیاد و زمان به‌نسبت طولانی هست، بنابراین محدودیت‌هایی در این زمینه وجود دارد و اصلاح الگوی مصرف در کلیه بخش‌های جامعه و به‌ویژه بخش خانگی که مصرف‌کننده قسمت بزرگی از انرژی الکتریکی است، از اهمیت خاصی برخوردار است. ضمن اینکه صرفه‌جویی در مصرف برق می‌تواند باعث کاهش انتشار گازهای آلاینده و در نتیجه کاهش آلودگی‌های محیط‌زیست شود.

در ایران فراوانی منابع انرژی، متناسفانه گاه سبب آن شده که توجه لازم به ارزش این منابع گرانقدر صورت نگیرد و در مصرف آنها، استانداردهای لازم رعایت نشود. بنابراین با توجه به افزایش مصرف انرژی و منابع محدود آن، صیانت از سرمایه‌های ملی کشور و جلوگیری از اسراف آنها، تبیین و پیاده‌سازی راهکارهای مصرف بهینه برق به‌عنوان یک وظیفه معنوی و ملی، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

آنچه باید موردتوجه قرار گیرد، این است که در کنار توسعه معقول و متوازن در بخش تولید لازم است در راستای حفظ سرمایه‌های ملی، حتی‌الامکان از اتلاف منابع و اسراف در مصارف پرهیز کنیم تا از سرمایه‌گذاری اضافی برای تامین مصارف زائد جلوگیری شود که در این ارتباط اهمیت و نقش ویژه بهینه‌سازی مصرف موردتوجه قرار می‌گیرد. در زمینه کاهش مصرف و هزینه‌های برق، راه‌حل‌ها به ۳ دسته بدون هزینه، کم‌هزینه و پرهزینه تقسیم می‌شوند.

بیشتر راهکارهای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، بدون هزینه یا کم‌هزینه هستند. کاهش هزینه‌های برق مصرفی بخش کوچکی از نتایج حاصل از بهینه‌سازی مصرف انرژی هست، نتایج بسیار قابل‌توجه دیگر آن افزایش طول عمر تجهیزات الکتریکی، کاهش دفعات خرابی و در نتیجه کاهش هزینه‌های توقف تولید است. نکته قابل‌توجه اینکه راهکارهای پرهزینه نیز بازگشت سرمایه قابل‌قبولی (یک تا ۳ سال) دارند. این راهکارها عمدتاً مرتبط با تغییر تکنولوژی یا فرآیند هستند و موجب صرفه‌جویی قابل‌ملاحظه‌ای در مصارف انرژی الکتریکی می‌شوند.

با کاهش تدریجی بهای تجهیزات بهینه‌سازی مصرف، افزایش نرخ انرژی و بالا رفتن حساسیت‌ها نسبت به تداوم تامین برق، اجرای راهکارهای هزینه‌بر، هر سال ارزان‌تر و از توجه اقتصادی بیشتری برخوردار می‌شوند.

۲ روش اصلی مدیریت مصرف در صنایع جابه‌جایی و زمان و بهبود بازده تجهیزات و فرآیند است. بسیاری از مشترکان می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسب، بخشی از مصارف انرژی الکتریکی خود را از ساعات اوج مصرف به دیگر ساعات و ترجیحاً به ساعات کم‌باری انتقال دهند و از تعرفه‌های مخفف در این بازه‌های زمانی استفاده کنند. مدیریت مصرف انرژی از طریق جابه‌جایی بار اغلب بسیار کم‌هزینه بوده و نیاز به برنامه‌ریزی و ایجاد انضباط کاری دارد.

یکی دیگر از راه‌های صرفه‌جویی، استفاده از برنامه طرح تعطیلات تابستانی صنایع است که برای اطلاع بیشتر می‌توان به مباحث مطرح‌شده در آن بخش مراجعه کرد. روش دوم همان‌گونه که گفته شد، روش افزایش بازده تجهیزات و فرآیندها، جلوگیری از به هدر رفتن انرژی است. مدیریت مصرف برق شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های به هم پیوسته بین صنعت برق و مشترکان آن به‌منظور منطقی کردن مصرف برق است تا بتوان با کارایی بیشتر و هزینه کمتر به مطلوبیت یکسانی در زمینه برق دست یافت. بدین ترتیب هم عرضه‌کننده برق و هم مصرف‌کننده آن به سود بیشتری دست خواهند یافت، البته این نکته را باید متذکر شد که هدف از مدیریت مصرف برق کاهش میزان تولید و کاستن از رفاه جامعه نیست، بلکه کاربرد منطقی انرژی الکتریکی و استفاده صحیح از آن است که نتیجه آن حفظ و حتی افزایش تولید و رفاه جامعه خواهد بود.

ناترازی انرژی با برداشت از ذخایر استراتژیک ادامه دارد

بنزین در جنگ تولید و مصرف



عکس: مهرنگار

ناترازی بنزین با برداشت گاه و بیگاه از ذخایر استراتژیک و در برخی موارد، تلفیق محموله‌های وارداتی با تولید داخل، ادامه دارد. تمامی ظرفیت پالایشگاهی و گاهی ظرفیت برخی مجتمع‌های پتروشیمی برای افزایش کمی تولید بنزین پای‌کار آمده‌اند؛ اما در مسابقه تولید و مصرف، همچنان مصرف برنده است و هرچند وقت یک‌بار، شاهد ثبت رکوردهای جدید مصرف حتی در ایام کم‌تردد سال هستیم. مسئله ناترازی بنزین، ابعاد مختلفی دارد. از عقب‌ماندگی توسعه ظرفیت‌های تولید و عدم تنوع بخشی به سبب سوخت تا عدم بهینه‌سازی مصرف سوخت و بی‌توجهی به مهار رشد افسارگسیخته مصرف، ده‌ها عامل موجب شده تا امروز، ایران از صادرکننده بنزین به واردکننده آن تبدیل شود. به‌طورمثال در ۲ سال گذشته، میانگین مصرف روزانه بنزین ۸۸ میلیون لیتر بود که امروز به ۱۲۲ میلیون لیتر در روز رسیده و این آمار مصرف در حالی است که میزان تولید بنزین پالایشگاه‌ها حدود ۹۸ تا ۱۰۴ میلیون لیتر در روز بوده و با افزایش واحدهای پالایشگاهی این رقم حداکثر به ۱۱۰ میلیون لیتر در روز می‌رسد. بنابراین، تولید و مصرف بنزین همسان بوده و در صورت هرگونه افزایش مصرف، احتمال کمبود سوخت دور از ذهن نیست. بنابراین، باید کاهش مصرف سوخت و تدبیر اقدامات لازم مانند تامین کسری از طریق واردات در دستور کار قرار گیرد. در این گزارش به شرایط تولید و مصرف این سوخت پرداخته است.

نقش خودروها در ناترازی بنزین

خودروی در حال تردد در کشور، ۶.۵ میلیون خودرو، فرسوده هستند. به‌عبارتی، کمابیش به‌ازای هر ۴ خودروی در حال تردد در جاده‌های درون‌شهری و برون‌شهری، یک خودرو فرسوده است که هم مصرف بنزین بالایی دارد و هم آلاینده‌ای به‌مراستاب از خودروهای دیگر بیشتر است. لازم است سیاست‌های بهینه‌سازی

خودروها نقش بسیار پررنگی در ناترازی بنزین دارند و می‌توان از اثر بحران خودرویی در ایجاد ناترازی بنزین به‌عنوان اصلی‌ترین عامل نام برد. یکی از مباحث مهم در بخش خودروها، فرسودگی و سال‌ها عقب‌ماندگی در زمینه خروج از مدار خودروهای فرسوده از چرخه حمل‌ونقل کشور است. طبق اعلام معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور، از ۲۵ میلیون

مشکلی در تامین بنزین نداریم

امسال هیچ‌گونه بحث افزایش نرخ بنزین در دستور کار دولت و مجلس نیست و تولید در پالایشگاه‌های کشور با حداکثر ظرفیت انجام می‌شود. وی با تأکید بر مصرف بهینه بنزین و استفاده صاحبان خودرو از کارت سوخت شخصی، ادامه داد: طبق قانون بودجه ۱۴۰۲ وزارت نفت مکلف شده که باید بیش از ۹۰ درصد خودروها از کارت سوخت شخصی خود استفاده کنند. به این دلیل محدودیت‌هایی در تعداد کارت سوخت جایگاهداران با هدف جلوگیری از قاچاق و مدیریت مصرف اعمال شده است.

وزیر نفت با تأکید بر روند عادی فعالیت جایگاه‌های سوخت کشور تأکید کرد: در تامین بنزین هیچ‌گونه مشکلی نداریم و با اعمال مدیریت صحیح ۴ هزار و ۴۰۰ جایگاه سوخت کشور به‌درستی در حال فعالیت هستند.

وزیر نفت با اشاره به افزایش روزانه ۱۳ میلیون لیتر مصرف بنزین نسبت به پارسال گفت: ذخایر سوخت بنزین امروز بیش از ۱۵۰ میلیون لیتر بیشتر از پارسال در همین زمان است.

اوچی با نظر به مطرح شدن بحث افزایش نرخ بنزین تصریح کرد: خواهشیم از مردم این است که به این شایعات توجه نکنند، برای

شفاف‌سازی در مدیریت مصرف بنزین

بر مدیریت صحیح مصرف سوخت، توزیع یکنواخت سوخت در حوزه فرآورده نفتی در مجاری عرضه را نیز داشته باشیم. نژادعلی درباره نتایج طرح ساماندهی کارت سوخت جایگاهداران گفت: بیش از ۵۰ درصد از توزیع سوخت کشور از طریق کارت‌های سوخت شخصی و با نرخ اول انجام می‌شود، بیش از ۲۵ درصد نرخ دوم با استفاده از کارت سوخت شخصی بوده و حدود ۳۰ درصد نیز از طریق کارت سوخت جایگاهداران انجام می‌شود. استفاده از کارت سوخت آزاد اضطراری

علی‌اکبر نژادعلی، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در تشریح اقدام‌های شاخص ۲ سال گذشته، برای تامین سوخت بنزین گفت: در حوزه سیاست‌های غیرقیمتی برای مدیریت مصرف سوخت اقدام‌های موثری انجام گرفته که ساماندهی کارت سوخت جایگاهداران از آن جمله است.

وی با اشاره به اینکه سیاست غیرقیمتی با ابزار غیرقیمتی متفاوت است، گفت: ما تلاش کردیم با بکارگیری سیاست‌های متفاوت، افزون

در آستانه واردات بنزین قرار داریم

رئیس صنف جایگاهداران سوخت کشور پیش‌بینی کرد که در سال جدید با رویکرد فعلی در حوزه بنزین، مصرف تا ۱۱۵ میلیون لیتر روزانه برسد و در روزهای پرمصرف و پیک مسافرت و تردها، شاهد ارقام بیش از ۱۳۰ تا ۱۳۵ میلیون لیتر در روز باشیم.

جایگاه‌های عرضه سوخت در ایران رتبه دهم توزیع در کل دنیا را دارند، اما به‌لحاظ سودآوری به رتبه صدم رسیده‌اند. این نشان می‌دهد رویه تخصیص، فروش، عرضه و قیمت‌گذاری با مشکل مواجه بوده یا اسیر نگاه‌های افراطی است، بنابراین آسیب‌های جدی در بخش‌های مختلف را شاهد هستیم.

آقای قلیزاده گفت: باتوجه به نرخ بنزین سوپر و عدم انضباط ارسال به جایگاه‌ها، عدم استقبال مردم از این سوخت را شاهدیم؛ به‌طوری‌که باعث شده است مردم دیگر روی وجود بنزین سوپر در

اسدالله قلیزاده، رئیس صنف جایگاهداران سوخت کشور نیز با بیان اینکه رشد مصرف بنزین تا حدود ۱۱۰ میلیون لیتر در روز رسیده گفت: با این‌همه وضعیت فعلی برای دولت، بخش خصوصی از جمله جایگاه‌ها و مردم در حوزه تولید حمل‌انقل و توزیع راضی‌کننده نیست و لازم است اصلاحات جدی به‌نفع مردم، بخش خصوصی و کشور در این حوزه اتفاق بیفتد.

وی با تأکید بر هشدار کارشناسان نسبت به رشد صعودی مصرف فرآورده‌های نفتی گفت: تعلل در تصمیم‌گیری و اتخاذ رویکرد عدالت‌محور در تخصیص فرآورده‌های نفتی به مصرف‌کننده واقعی موجب شده است جایگاه‌های عرضه سوخت متضرر شوند و مردم ناراضی باشند و هم‌اکنون در آستانه واردات بنزین هم قرار گیریم. به‌طورقطع این تعلل در تصمیم‌گیری‌ها آسیب‌های بیشتری نسبت به وضعیت تصمیم‌سازی و اقدام مفید دارد.

تولید بنزین یورو ۵ در سال‌های آینده

آمار تولید و مصرف در کنار نگرانی رئیس صنف جایگاهداران سوخت کشور از روند مصرف بنزین در حالی مطرح می‌شود که مجید رجبی، مدیرعامل شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند از تولید بنزین یورو ۵ در سال‌های آینده خبر می‌دهد.

مجید رجبی ضمن بیان این مطلب افزود: در حال حاضر ۱۶ میلیون لیتر در روز بنزین یورو ۴ تولید می‌کنیم و تولید بنزین یورو ۵ در دستور کار اصلی نیست، اما امکان تولید وجود دارد.

وی درباره کاتالیست ساخته‌شده RFCC ایرانی گفت: این کاتالیست موجب می‌شود تا در تامین این مقدار بنزین دغدغه نداشته باشیم، چراکه اگر این کاتالیست وجود نداشت، ممکن بود در تامین کاتالیست با وقفه مواجه شویم.



امیر کاتالیست

این کاتالیست توسط یک شرکت دانش‌بنیان ایرانی و با حمایت پالایشگاه شازند تولید شده است. استارت این کار ۱۰ سال پیش زده شد و اکنون به محصول نهایی دست یافته‌ایم. رجبی با اشاره به مزیت تولید کاتالیست بومی در کیفیت بنزین پالایشگاه و سایر تولیدات گفت: کیفیت بنزین تولیدی پالایشگاه تحت‌نظارت یک سازمان زیرمجموعه وزارت نفت مورد بررسی قرار می‌گیرد و تا تأییدیه آنها صادر نشود، اجازه ارسال بنزین به جایگاه‌ها وجود ندارد. بنابراین، کیفیت به‌هیچ‌عنوان فدای کمیت نخواهد شد.

سخن پایانی

داستان بنزین علاوه بر نرخ و تامین نیاز داخل دارای ابعاد دیگری به نام کیفیت است. موضوعی که همواره با حاشیه‌های بسیاری همراه بوده است و در زمان‌های افزایش آلودگی هوا نیز بیشتر می‌شود. برخی معتقدند بنزین تولیدی در کشور استاندارد است و در نقطه مقابل برخی نیز معترض هستند که کیفیت بنزین تولیدی خوب نیست.

از سوی دیگر، باوجود تلاش‌های انجام‌گرفته، واقعیت این است که در تکنولوژی خودروها تغییر محسوسی ایجاد نشده و مانند گذشته، میزان مصرف بنزین در خودروهای درون و برون‌شهری بیش از حد استاندارد جهانی است. سالانه یک‌میلیون خودروی جدید هم وارد بازار می‌شود و به‌طبع باید سرمایه‌گذاری‌های جدید برای ایجاد پالایشگاه‌های جدید انجام شود. بنابراین، برای کنترل یا کاهش مصرف سوخت راهی جز بهینه‌سازی مصرف نداریم که یک کار بین‌بخشی است. این هدف‌گذاری تنها با همراهی مردم، دستگاه‌های دولتی و کارخانجات صنعتی محقق خواهد شد.

گروه انرژی
editor@smtnews.ir

در تامین بنزین هیچ‌گونه مشکلی نداریم و با اعمال مدیریت صحیح ۴ هزار و ۴۰۰ جایگاه سوخت کشور به‌درستی در حال فعالیت هستند

در حوزه سیاست‌های غیرقیمتی برای مدیریت مصرف سوخت اقدام‌های موثری انجام گرفته که ساماندهی کارت سوخت جایگاهداران از آن جمله است



اوچی ادامه داد: سهمیه صاحبان خودرو ۶۰ لیتر بنزین ۱۵۰۰ تومانی است و متقاضیان مازاد بر این مصرف نیز می‌توانند با استفاده از کارت سوخت جایگاهداران، بنزین آزاد ۳۰۰۰ تومانی تهیه کنند.

وزیر نفت با رد شایعات افزایش نرخ بنزین تأکید کرد: قول می‌دهم که بنزین با تلاش‌های جهادی و شبانه‌روزی همکارانم به‌وفور وجود دارد و هیچ مشکلی در هیچ جایگاهی نداریم.



جایگاه‌ها به‌واسطه تک‌نرخ بودن بنزین، به‌صورت یک فرهنگ درآمدی بود که با اجرای این طرح به‌سمت استفاده از کارت سوخت شخصی برای شفاف‌سازی در این حوزه حرکت کردیم و امیدواریم تا پایان شهریور به نتیجه مطلوب در این حوزه دست یابیم.



جایگاه‌ها حساب نکنند و رفته‌رفته کسانی که متقاضی استفاده از این فرآورده بودند، به بنزین معمولی و یورو ۴ روی آوردند. ادعای مسئولان دولتی بر این است که کیفیت بنزین یورو ۴ و معمولی بالا است؛ بنابراین، اکنون ما با ۸۰ درصد کاهش عرضه بنزین سوپر نسبت به روزهای نرمال عرضه این فرآورده در کشور مواجهیم. دلایل مهمی در این زمینه وجود دارد؛ به‌طورمثال، پالایشگاه‌ها اعلام می‌کنند به‌دلیل اینکه مصرف بنزین معمولی و یورو ۴ افزایش یافته، نمی‌توانند ظرفیت پالایشی خود را در اختیار بنزین سوپر قرار دهند و بنابراین جبران افزایش مصرف بالا اولویت با تولید بنزین معمولی است.

در بررسی ۱۰ ساله از بازار ملک یک دهه اخیر نمایان شد

مسکن در سیاه چاله گرانی



عکس: سمانا

الزامات شهرسازی در جامعه مدرن

کیاسکار محمدی
کارشناس شهری

شهرسازی و توسعه شهری یکی از مسائل حیاتی در جامعه‌های مدرن است. با توجه به رشد جمعیت و توسعه اقتصادی، شهرها به‌عنوان مراکز اصلی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نقش بسزایی را در زندگی انسان‌ها بازی می‌کنند. شهرسازی به‌معنای برنامه‌ریزی، طراحی و ساختاردهی فضاهای شهری به‌منظور ایجاد یک زندگی بهتر و پایدار برای ساکنان است.

یکی از هدف‌های اصلی شهرسازی، ایجاد شهرهای پایدار است. شهرهای پایدار بر اساس مبانی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آراسته شده‌اند. این شهرها در نظر دارند تا بهره‌وری منابع طبیعی را افزایش داده، زندگی اجتماعی را تقویت کنند و سطح کیفی زندگی ساکنان را ارتقا دهند. برای این منظور، مسائلی مانند طراحی فضاهای سبز، حمل‌ونقل عمومی، بهره‌وری انرژی و مدیریت پسماندها در دستور کار قرار می‌گیرند.

شهرسازی همچنین به‌منظور ایجاد تعادل منطقه‌ای نیز انجام می‌شود. برنامه‌ریزی منطقه‌ای در شهرسازی برای توسعه هماهنگ و تعادل‌بخشی بین مناطق مختلف شهر و کاهش تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین مناطق استفاده می‌شود. این اقدامات می‌توانند به کاهش مشکلات ناشی از تراکم جمعیتی، کاهش فقر و توسعه پایدار کمک کنند. همچنین، توجه به طراحی شهری و فضاهای عمومی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، میدان‌ها و محل‌های تفریحی، نقش مهمی در سلامت و رفاه ساکنان دارند. طراحی مناسب این فضاها با ایجاد فضاهای زیبا، امن و دسترسی آسان، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را به‌همراه دارد. در نهایت، همکاری بین دولت، متخصصان شهرسازی و جامعه محلی برای ایجاد توسعه شهری موثر ضروری است. تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهرسازی باید با مشارکت و هماهنگی انجام شود.

نقش دولت در ارائه سیاست‌ها و قوانین مناسب، تامین منابع مالی و نظارت بر اجرای آنها بسیار اساسی است. متخصصان شهرسازی نیز با ارائه طرح‌ها و طرح‌ریزی‌های بهینه، بهبود فضاهای شهری و ارائه راهکارهای عملی برای مواجهه با چالش‌های شهری کمک می‌کنند. همچنین، جامعه محلی یا شرکت در فرآیند تصمیم‌گیری و ارائه نظرات و پیشنهادها، می‌تواند به‌شکل فعال در توسعه شهری شرکت و بهبود کیفیت زندگی خود را تجربه کند. به‌طور خلاصه، شهرسازی نقش بسزایی در توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی شهروندان دارد. با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های فراوانی که در این زمینه وجود دارد، همکاری و هماهنگی بین دولت، متخصصان شهرسازی و جامعه امری ضروری است تا شهرهایی پایدار، زیبا و مناسب برای زندگی ایجاد شود. توسعه پایدار شهرها به‌منظور حفظ تعادل بین جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شهر، بهبود کیفیت زندگی ساکنان و حفظ منابع طبیعی در طولانی مدت انجام می‌شود. عوامل زیادی می‌توانند به توسعه پایدار شهرها کمک کنند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

محمد انوشاهی
editor@smtnews.ir

صورت که دوره رکود از ابتدای تابستان ۱۳۹۲ شروع شده و تا زمستان ۱۳۹۵ ادامه داشته است. در زمستان ۱۳۹۵، با پایان یافتن دوره رکود، دوباره دوره رونق شروع شد و تا آخر پاییز ۱۳۹۹ ادامه داشته است. همچنین از اول زمستان ۱۳۹۹ دوره رکود دوباره شروع شد و امسال نیز (۱۴۰۲) همچنان ادامه دارد. در این گزارش به بررسی نرخ مسکن در ۱۰ سال اخیر پرداخته است.

متاسفانه رشد نرخ مسکن در کشور ما تاثیر شدیدی در فقر مسکن، کاهش قدرت خرید مردم و معیشت اقشار مختلف جامعه گذاشته است. بررسی نرخ مسکن در ۱۰ سال گذشته از این رو حائز اهمیت است که در شناسایی دوره‌های رونق و رکود بازار ملکی به ما کمک می‌کند. تشخیص درست زمان آغاز و پایان دوره‌های رونق و رکود، مهم‌ترین عامل در ترسیم نمودار نرخ در بازار مسکن برای ماه‌ها و سال‌های پیش‌رو است. به این

متاسفانه در سال‌های اخیر چالش‌های اقتصادی منجر به افزایش افسارگسیخته تورم اقتصادی در کشور شده و بازار مسکن را وارد مخمصه‌ای کرده که نجاتش کار آسانی نیست. درست است که اکثر دولت‌ها به بازار مسکن بی‌توجهی کرده‌اند و سعی شده است تنها با یک‌سری از اقدامات موقتی، این بازار پر تلاطم را سرپا نگه دارند، اما مشکل اصلی، کمبودها و مشکلات بنیادین است که تمامی ندارد و اکنون به اوج خود رسیده و همچنان در حال پیشروی است.

قیمت ملک ترمز برید

که در دوره رکود بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ در عمل نرخ مسکن تغییر نکرده؛ اما از سال ۱۳۹۵ تا سال ۱۳۹۹ نرخ مسکن بیش از ۶ برابر شده که نشانگر رشد بیش از ۵۰۰ درصدی است. به‌طور کلی نتایج این اعداد به ما می‌گوید که نرخ مسکن در چند سال اخیر به‌صورت فزاینده‌ای رشد پیدا کرده و این سنگین‌وزن شدن نرخ ملک، باعث شده است که روزبه‌روز تهیه مسکن از عهده شهروندان خارج و بدمسکنی به‌شکل خطرناکی ظاهر شود.

است. با تقسیم نرخ انتهایی به نرخ ابتدایی مشاهده می‌شود که میانگین نرخ مسکن در شهر تهران طی بازه ۱۰ ساله اخیر حدود ۳۵ برابر شده است؛ در شروع دوره رکود در سال ۱۳۹۲، میانگین نرخ مسکن شهر تهران ۴ میلیون تومان و در شروع دوره رونق در بهمن ۱۳۹۵ میانگین نرخ مسکن شهر تهران ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و در شروع دوره رکود در آذر ۱۳۹۹ میانگین نرخ مسکن شهر تهران ۲۶ میلیون و ۹۵۰ هزار تومان بوده است. بررسی دقیق این رقم‌های قیمتی نشانگر آن است

با بررسی نرخ مسکن در شهر تهران در یک دوره ۴۰ ساله، مشاهده می‌شود که دوره‌های رونق معمولاً خیلی کوتاه‌تر از دوره‌های رکود هستند. دوره‌های رونق به‌طور میانگین ۱۸ ماه طول کشیده، اما دوره‌های رکود به‌طور میانگین ۴۵ ماه بوده‌اند؛ یعنی به‌طور میانگین دوره‌های رکود ۲ برابر دوره‌های رونق به‌طول انجامیده است. میانگین نرخ مسکن در شهر تهران طی ۱۰ سال گذشته از متری یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در آذر بهشت ۱۳۹۲ به متری بیش از ۶۵ تومان در مرداد ۱۴۰۲ رسیده

تاثیرات دوسویه تورم و مسکن

افزایش هزینه خرید یا اجاره برای افراد می‌شود، این موضوع می‌تواند بر امکان دسترسی به مسکن برای بخش‌هایی از جامعه تاثیر منفی داشته باشد. افزایش نرخ مسکن باعث افزایش فشار بر سبب معیشت خانوارها می‌شود، به‌طوری‌که اکنون بخش زیادی از جامعه بیشتر درآمد خود را برای پرداخت هزینه‌های مسکن صرف می‌کنند و این موضوع سبب کاهش توان خرید و وقوع نابرابری درآمدی شده است.

اثر رکود در بازار مسکن

دروگرد عنوان کرد: ما با یک اثر رکود سنگین، هم در ساخت‌وساز و هم در خرید مصرفی بازار مسکن مواجهیم. متاسفانه در حال حاضر تلاشی برای بهبود بازار مسکن دیده نمی‌شود، در چنین شرایطی می‌توان گفت که نابسامانی‌های موجود در این بازار مهم ناشی از شرایط اقتصادی است و تا فکری برای این وضعیت نشود، بازار مسکن به‌تعداد نمی‌رسد. وی گفت: دولت باید با برنامه‌ریزی بیشتری عمل کند و در بخش مسکن، تحرک بیشتری ایجاد کند تا بازار مسکن در مسیر توسعه گام بردارد. مشکل مسکن اتفاقی نیست که بتوانیم در کوتاه‌مدت آن را حل کنیم و نیاز به زمان دارد، به‌شرطی که در یک دوره چندساله در کنار طراحی ابزارهای مالی و پولی مناسب به‌ساخت و تولید مسکن توجه شود، در این صورت است که بازار ملک در مسیر توسعه قرار می‌گیرد و شرایط بهتر می‌شود.

حسام دروگرد، کارشناس بازار مسکن در رابطه با افزایش شدید نرخ مسکن در ۱۰ سال اخیر به توضیح داد: به‌طور کلی باید بگوییم که افزایش نرخ مسکن در سال‌های اخیر یکی از موضوعات مهم در بسیاری از بازارهای جهانی بوده و تنها مختص ایران نیست، هرچند رشد نرخ مسکن در کشور ما شیب تندتری را طی کرده و تاثیرات متعددی بر اقتصاد و جامعه گذاشته است.

وی در ادامه افزود: افزایش نرخ مسکن یک مسئله پیچیده است که به عوامل متعددی برمی‌گردد. تاثیر این افزایش می‌تواند در اشکال متفاوتی مشاهده شود. آمارهای منتشر شده توسط سازمان‌های مربوطه، گویای این موضوع است که نرخ مسکن در ۱۰ سال اخیر به‌طور قابل توجهی از تورم تاثیر گرفته و گاهی از تورم هم جلو زده است. این افزایش نرخ در برخی مناطق شهری و حتی روستایی بسیار ناگهانی و نسبت به رشد درآمد بسیار بالاتر بوده است. افزایش نرخ مسکن می‌تواند به عوامل متعددی برگردد. به‌شکل کلی، افزایش تقاضا، نرخ بهره، تورم، نرخ ارز، سیاست‌گذاری‌های اشتباه، محدودیت در قانون‌گذاری ساخت‌وساز و تصمیم‌گیری‌های یک‌شبه، تنها بخشی از دلایلی هستند که در این چندساله شفاف‌تر برمی‌گردد. بین دهک‌های پایین جامعه و بازار مسکن ایجاد کرده‌اند.

این کارشناس در ادامه توضیح داد: افزایش نرخ مسکن منجر به



اکنون بخش زیادی از جامعه بیشتر در آمد خود را برای پرداخت هزینه‌های مسکن صرف می‌کنند و سبب وقوع نابرابری درآمدی شده است



افزایش نرخ مسکن شاید در ۱۰ سال اخیر شدت گرفته اما چندین دهه است که آغاز شده و تازمانه فکر اساسی برایش نشود، بر همین روای باقی می‌ماند. راه حل مهم برای ساماندهی بازار مسکن این است که دولت به‌جای اینکه بر موضوع ساخت مسکن برای اقشار هدف تمرکز کند و کلی هزینه برای اجرایی شدن این موضوع اختصاص دهد، طرح اجاره‌نشینی بلندمدت را ایجاد کند؛ چراکه در حال حاضر کلید حل مشکل مسکن، عرضه نیست، زیرا طبق آمارهای منتشر شده، تعداد زیادی واحدهای خالی در کشور شناسایی شده‌اند که می‌تواند جوابگوی تقاضای موجود در حد زیادی باشند. موضوع عرضه مسکن ممکن است در بلندمدت و با توجه به رشد جمعیت در سال‌های آینده ضرورت داشته باشد، اما در وضعیت فعلی آن چیزی که اهمیت دارد، بحث تقاضا برای این بازار حیاتی است.

وی افزود: دولت باید تقاضای بازار مسکن را به‌سمتی ببرد که حمایت‌های قیمت‌ها به‌صورت لحظه‌ای بالا می‌روند. در سال‌های اخیر، به‌طور مکرر نرخ مسکن افزایش داشته است، اتفاقی که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن عبور کرد. پیش‌بینی خیلی از کارشناسان و فعالان بازار مسکن این است که در سال‌های آینده، قیمت‌ها باز هم افزایشی می‌شوند. نرخ مسکن به‌جایی خواهد رسید که دیگر اقشار معمولی جامعه، باید خواب و روایی خانه‌دار شدن را ببینند. همچنین، پیش‌بینی می‌شود که افزایش قیمت‌ها در حالی رخ می‌دهد که همچنان بازار مسکن در رکود است.



سازندگان در تله گرانی

دروگرد با بیان اینکه تورم اقتصادی می‌تواند تاثیراتی بر صنعت ساخت‌وساز داشته باشد به توضیح گفت: در سال‌های اخیر، شاهد این موضوع بوده‌ایم که نرخ مصالح ساختمانی چندین برابر شده و گاهی در طول یک سال به‌شکل مرتب رشد داشته است. این اتفاق مسلماً سازندگان و انبوه‌سازان را از ادامه فعالیت منصرف کرده و تا مرز ورشکستگی رسانده، همچنین جدا از افزایش نرخ مصالح ساختمانی، نرخ زمین رشد زیادی داشته است. عوامل یادشده در کنار موارد دیگر از موضوعاتی هستند که تاکنون جلوی آن گرفته نشده و آتش آن دامن بازار مسکن را هم گرفته است. وی در پایان گفت: در تمام دنیا به مسکن نگاه مصرفی دارند، اما متاسفانه در کشور ما به‌علت عدم رونق تولید، اغلب مردم مسکن را با دید سرمایه‌ای می‌بینند و سیاست‌گذاران هم به‌جای اصلاح این وضع، با تصمیمات غلط، مهر تایید به این فرهنگ غلط می‌زنند. اکنون با فرار سرمایه از بخش تولید و سرازیر شدن نقدینگی به بازار مسکن روبه‌رو هستیم و این سیکل معیوب اگر ادامه پیدا کند، نرخ ملک همچنان می‌تازد.



راه حل ساماندهی بازار مسکن

هدفمند برای اجاره‌داری حرفه‌ای جای ساخت مسکن را بگیرد. برای مثال، در کلانشهرها طرحی را برنامه‌ریزی کند تا افرادی که متقاضی خرید ملک هستند، فقط نیمی از هزینه‌های اجاره خانه را پرداخت کنند و مابقی را دولت متقبل شود. این گونه طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، بسیار کارآمدتر از سیاست‌های بلندمدت و پرهزینه دولت برای خانه‌دار کردن مردم است؛ اغلب کشورهای دنیا به‌سمت خانه‌های استیجاری رفتند و مردم نیز از سکونت در این واحدها استقبال کردند. با ساخت خانه‌های استیجاری می‌توان به‌صورت موقت یعنی ۵ ساله، مردم را سکنی داد و با ایجاد وقفه در بازار ملکی، در نهایت با توانمندی مستاجران در سال‌های آتی، امکان خریداری ملک برای مردم را فراهم کرد.

سهام نسبی هزینه مسکن

عزتی افزود: اینکه بگوییم سهم هزینه‌های مسکن بیشتر درآمد افراد را می‌بلعد، نسیبی است؛ چراکه در برخی کلانشهرها، تامین مسکن بسیار پرهزینه است و در شهرهای کوچک‌تر این موضوع دیده نمی‌شود؛

سخن پایانی

تا پیش از جهش نرخ مسکن در سال ۹۶، تغییرات قیمتی ملک چندان زیاد نبود. اگر فردی دارای یک واحد ۵۰ متری بود، با اندکی صبر و تلاش می‌توانست در عرض ۲ سال، خانه خود را بزرگ‌تر کرده و به‌جای بهتری نقل‌مکان کند؛ اما در حال حاضر که نوسان نرخ مسکن خیلی بالاست، مانور برای خرید و فروش ملک بسیار کار پریسکی است و نیاز به سرمایه زیادی دارد. بیشتر مالکان از ترس ضرر کردن، ترجیح می‌دهند که ملک خود را نفروشند. ممکن است مالکی، ملک خود را همین الان بفروشد اما یک ساعت بعد، ضرر کرده باشد، چراکه دیگر

قادر نیست، ملکی را جایگزین آن کند. این وضعیت کاملاً بی‌سابقه و عجیب است. در واقع هرگز شاهد این چالش نبوده‌ایم که نرخ مسکن به‌صورت لحظه‌ای تغییر کند؛ اما به‌نظر می‌آید که در حال حاضر، شرایط بازار مسکن نیز مثل بازار ارز شده است. حالا که نرخ دلار دائم در حال نوسان است، به‌طبع نرخ ملک نیز بیشتر می‌شود. بیشتر مالکان، نرخ املاک را همزمان با افزایش نرخ دلار، بیشتر کرده‌اند. از آنجایی که انتظار می‌رود نرخ دلار بیشتر هم بشود، باید همچنان انتظار افزایش نرخ مسکن را داشته باشیم.

تحلیل **صفت** از گزارش اخیر مرکز آمار نشان می دهد

سهم کم دستمزد در تامین هزینه های مسکن

امیرعباس آذرموند: بررسی گزارش اخیر یک مرجع رسمی نشان می دهد که در سال گذشته بیش از نیمی از درآمدهای افراد شهری، از محل درآمدهای غیرشغلی تامین شده و دستمزد و حقوق رسمی مشاغل، سهمی کمتر از یک سوم کل درآمدهای شهرنشینان را تشکیل داده است. به عبارت ساده تر، با یک نگاه اجمالی می توان دریافت که مجموع دستمزد یک خانواده شهری در سال گذشته حتی کفاف تامین هزینه های محل سکونت آنها را تامین نکرده است. در سال گذشته، حدود ۵۰ درصد بر هزینه های مردم ایران افزوده شده و در ضمن، میانگین هزینه های خانواده شهری در سال گذشته بیش از ۱۳۷ میلیون تومان بوده، اما دهک اول شهرها تنها موفق به تامین هزینه ۳۲ میلیون تومان شده اند، حال آنکه هزینه های خانواده دهک دهم که مرفه ترین اقشار ایران هستند، به بیش از ۳۶۲ میلیون تومان رسید. **صفت** در تحلیل پیش رو با تکیه بر گزارش اخیر مرکز آمار ایران به بررسی هزینه های خانوار کشور پرداخته است.



عکس: آیدان فردی

بررسی بودجه خانوار

بررسی هزینه و درآمد خانوار (بودجه خانوار)، برای نخستین بار در سال ۱۳۱۴ توسط بانک ملی ایران انجام شده و هدف اصلی این بررسی، به دست آوردن ضرایب مصرف برای محاسبه شاخص هزینه زندگی بوده است.

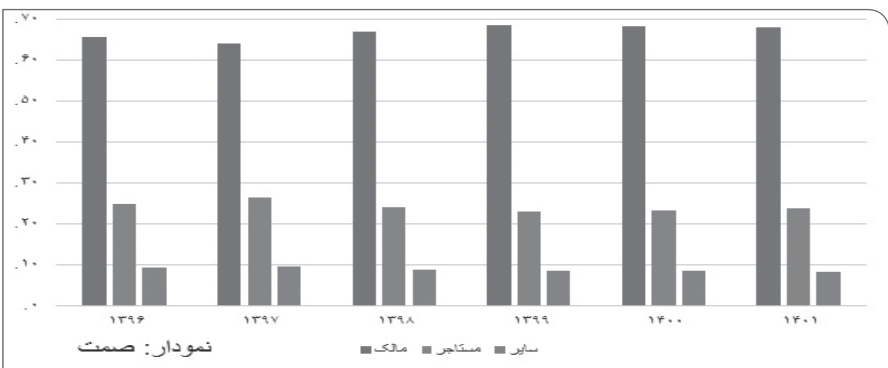
بررسی هزینه و درآمد خانوار (بودجه خانوار)، برای نخستین بار در سال ۱۳۱۴ توسط بانک ملی ایران انجام شده و هدف اصلی این بررسی، به دست آوردن ضرایب مصرف برای محاسبه شاخص هزینه زندگی بوده است.

بررسی هزینه و درآمد خانوار (بودجه خانوار)، برای نخستین بار در سال ۱۳۱۴ توسط بانک ملی ایران انجام شده و هدف اصلی این بررسی، به دست آوردن ضرایب مصرف برای محاسبه شاخص هزینه زندگی بوده است.

بررسی هزینه و درآمد خانوار (بودجه خانوار)، برای نخستین بار در سال ۱۳۱۴ توسط بانک ملی ایران انجام شده و هدف اصلی این بررسی، به دست آوردن ضرایب مصرف برای محاسبه شاخص هزینه زندگی بوده است.

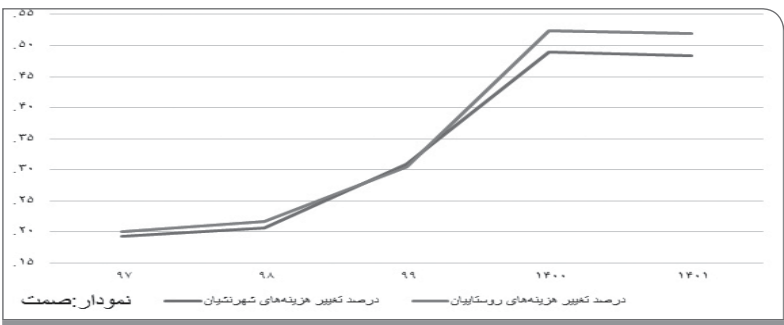
فاصله هزینه های دهک اول و دوم بیش از ۱۰ برابر شد

شهرنشینان نیز در دیگر اشکال واحدهای مسکونی مانند خانه های سازمانی یا خانه پدری خویش سکونت دارند.



در رابطه با نحوه تامین مسکن در مناطق شهری و روستایی، مشخص شده است که بیش از ۸۸ درصد روستاییان در ملکی که متعلق به آنهاست، سکونت دارند و مستاجران کمتر از ۵ درصد از واحدهای مسکونی را تشکیل می دهند. در حالی که در شهرها شرایط دیگری وجود دارد که به دلیل قیمت های بسیار بالاتر موجب کاهش شدید صاحبان خانه ها در میان شهروندان شده است. در ۵ سال گذشته، حدود ۶۵ تا ۶۸ درصد شهرنشینان مالک سرپناه خویش بودند. این وضعیت همزمان با خروج امریکا در برجام تشدید شد و به نظر می رسد با توجه به چشم انداز تیره ناشی از تحریم ها، افرادی که توان تهیه ملک داشتند، واحدهای مورد نیاز خویش را خریدند. مستاجران بیش از ۲۳ درصد از کل ساکنان شهرها را از آن خود کرده اند. ۸.۲۳ درصد از

برای نخستین بار مرکز آمار به ارائه گزارش هزینه ها و درآمدهای خانوار در سال ۹۶ پرداخت، در این سال این مبلغ به ۲۲ میلیون و ۹۵۲ هزار تومان رسید. تورم بالایی که از سال ۹۷ بر فضای اقتصادی حاکم شد، چنان هزینه زندگی خانوارها را افزایش داد که ظرف ۵ سال، هزینه های زندگی شهرنشینان بیش از ۴۰۰ درصد افزایش داشته و در سال گذشته به ۱۳۷ میلیون تومان رسیده، از این رو وضعیت برای روستاییان دشوارتر هم بوده است، به نحوی که هزینه های سالانه این شهروندان ایران، در سال ۹۶ به ۱۷ میلیون و ۸۶۷ هزار تومان رسیده که در سال گذشته به ۷۸ میلیون و ۸۵۹ هزار تومان افزایش یافته، به طور کلی شدت افزایش هزینه ها در روستاها بیش از شهرها بوده است.



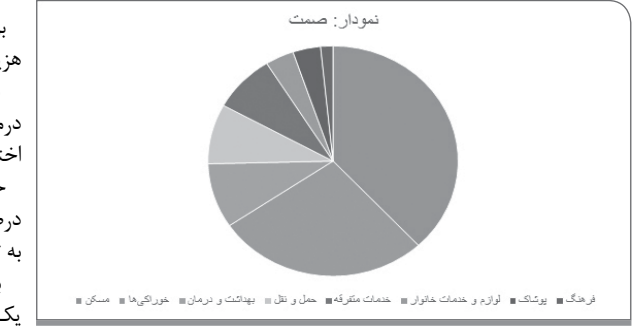
بررسی جزئیات دیگر گزارش مرکز آمار نشان می دهد که در این مدت، شدت تورم در مواد غذایی بیش از مواد غیرخوراکی بوده است. در سال ۹۶ هزینه های سالانه یک خانواده سه نفره شهری ۷ میلیون و ۶۷۵ هزار تومان بود که در سال گذشته به ۲۷ میلیون تومان رسیده است. به عبارت ساده تر، هزینه های خوراکی یک خانواده در این مدت کوتاه ۵.۵ برابر شده و برای روستاییان هزینه های خوراکی از ۶ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان در سال ۹۶ به ۳۲ میلیون و ۸۵۲ هزار تومان در سال گذشته رسیده است. از نکات عجیب این است که گرچه روستاها تولیدکننده اصلی غذای کشور هستند، اما میان هزینه های غذای روستاییان و شهرنشینان فاصله حدود ۵ میلیونی وجود دارد. در سال ۱۴۰۱ بالاترین افزایش هزینه های خوراکی در کشور رقم خورد، به نحوی که در شهرها ۵۲.۸ درصد بر آن اضافه شد و در روستاها ۵۸.۷ درصد.

بررسی جزئیات دیگر گزارش مرکز آمار نشان می دهد که در این مدت، شدت تورم در مواد غذایی بیش از مواد غیرخوراکی بوده است. در سال ۹۶ هزینه های سالانه یک خانواده سه نفره شهری ۷ میلیون و ۶۷۵ هزار تومان بود که در سال گذشته به ۲۷ میلیون تومان رسیده است. به عبارت ساده تر، هزینه های خوراکی یک خانواده در این مدت کوتاه ۵.۵ برابر شده و برای روستاییان هزینه های خوراکی از ۶ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان در سال ۹۶ به ۳۲ میلیون و ۸۵۲ هزار تومان در سال گذشته رسیده است. از نکات عجیب این است که گرچه روستاها تولیدکننده اصلی غذای کشور هستند، اما میان هزینه های غذای روستاییان و شهرنشینان فاصله حدود ۵ میلیونی وجود دارد. در سال ۱۴۰۱ بالاترین افزایش هزینه های خوراکی در کشور رقم خورد، به نحوی که در شهرها ۵۲.۸ درصد بر آن اضافه شد و در روستاها ۵۸.۷ درصد.

بررسی جزئیات دیگر گزارش مرکز آمار نشان می دهد که در این مدت، شدت تورم در مواد غذایی بیش از مواد غیرخوراکی بوده است. در سال ۹۶ هزینه های سالانه یک خانواده سه نفره شهری ۷ میلیون و ۶۷۵ هزار تومان بود که در سال گذشته به ۲۷ میلیون تومان رسیده است. به عبارت ساده تر، هزینه های خوراکی یک خانواده در این مدت کوتاه ۵.۵ برابر شده و برای روستاییان هزینه های خوراکی از ۶ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان در سال ۹۶ به ۳۲ میلیون و ۸۵۲ هزار تومان در سال گذشته رسیده است. از نکات عجیب این است که گرچه روستاها تولیدکننده اصلی غذای کشور هستند، اما میان هزینه های غذای روستاییان و شهرنشینان فاصله حدود ۵ میلیونی وجود دارد. در سال ۱۴۰۱ بالاترین افزایش هزینه های خوراکی در کشور رقم خورد، به نحوی که در شهرها ۵۲.۸ درصد بر آن اضافه شد و در روستاها ۵۸.۷ درصد.

بررسی جزئیات دیگر گزارش مرکز آمار نشان می دهد که در این مدت، شدت تورم در مواد غذایی بیش از مواد غیرخوراکی بوده است. در سال ۹۶ هزینه های سالانه یک خانواده سه نفره شهری ۷ میلیون و ۶۷۵ هزار تومان بود که در سال گذشته به ۲۷ میلیون تومان رسیده است. به عبارت ساده تر، هزینه های خوراکی یک خانواده در این مدت کوتاه ۵.۵ برابر شده و برای روستاییان هزینه های خوراکی از ۶ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان در سال ۹۶ به ۳۲ میلیون و ۸۵۲ هزار تومان در سال گذشته رسیده است. از نکات عجیب این است که گرچه روستاها تولیدکننده اصلی غذای کشور هستند، اما میان هزینه های غذای روستاییان و شهرنشینان فاصله حدود ۵ میلیونی وجود دارد. در سال ۱۴۰۱ بالاترین افزایش هزینه های خوراکی در کشور رقم خورد، به نحوی که در شهرها ۵۲.۸ درصد بر آن اضافه شد و در روستاها ۵۸.۷ درصد.

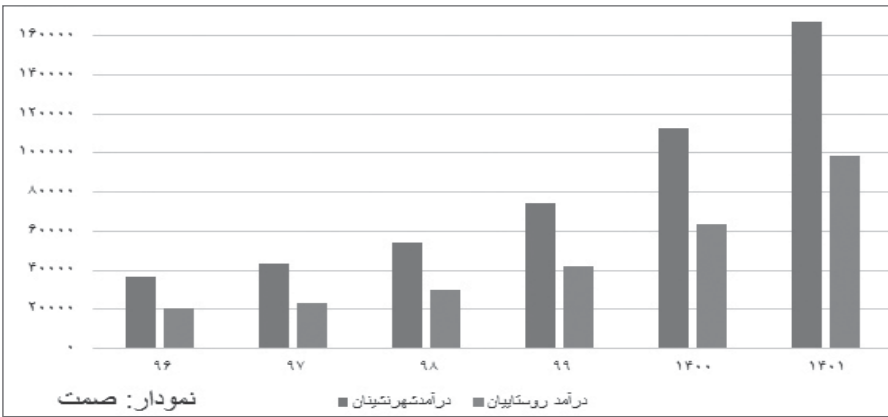
بررسی سید خرید خانوارهای شهری نشان می دهد که در سال گذشته، مسکن ۳۸.۱ درصد از هزینه ها را از آن خود کرد. در حالی که مجموع هزینه افراد برای خوراکی ها و دخانیات ۲۷.۵ درصد برآورد شده، بهداشت و درمان با فاصله ای معنادار در رده بعدی قرار دارد که ۹.۱ درصد هزینه های یک خانواده را به خود اختصاص داده است. حمل و نقل ۸.۴ درصد هزینه های یک خانواده شهری را تشکیل داد و سهم تفریح و فرهنگ به ۱.۶ درصد کاهش یافت. به عبارت دیگر، بیش از نیمی از کل هزینه های غیرخوراکی خانوارهای شهری به تعبیری، در سال ۱۴۰۱ خانواده های شهرنشینان ایران بیش از ۵۰ میلیون تومان را برای تهیه یک سرپناه هزینه کرده اند.



بررسی هزینه های دهک های مختلف نشان می دهد که دهک اول شهرنشین (فقیرترین اقشار) در حالی که میانگین هزینه شهرنشینان ۱۳۷ میلیون تومان بوده، تنها ۳۲ میلیون و ۵۴۴ هزار تومان هزینه کرده اند. این مهم در صورتی رخ داده است که در دهک دهم که ثروتمندترین ها و پر مصرف ترین بخش های جامعه ایرانی قرار دارند، سال گذشته ۳۶۲ میلیون و ۴۸۲ هزار تومان هزینه زندگی

بررسی هزینه های دهک های مختلف نشان می دهد که دهک اول شهرنشین (فقیرترین اقشار) در حالی که میانگین هزینه شهرنشینان ۱۳۷ میلیون تومان بوده، تنها ۳۲ میلیون و ۵۴۴ هزار تومان هزینه کرده اند. این مهم در صورتی رخ داده است که در دهک دهم که ثروتمندترین ها و پر مصرف ترین بخش های جامعه ایرانی قرار دارند، سال گذشته ۳۶۲ میلیون و ۴۸۲ هزار تومان هزینه زندگی

دستمزد حتی یک سوم هزینه های افراد را هم تامین نکرد



گزارش اخیر، ۵۱.۲ درصد از کل درآمدهای یک خانواده شهری از محلی غیر از شغل آنها تامین می شود. از کل این درآمدها، اجاره بهاها مسکن شخصی ۳۹.۴ درصد از درآمدهای خانواده شهری را تامین و حقوق بازنشستگی نیز ۳۲.۴ درصد از کل درآمدهای غیرشغلی را از آن خود کرده است. یارانه ها نیز سهمی ۴.۸ درصدی داشته اند. به این ترتیب، می توان گفت دستمزد به اندازه اجاره ای که مالکان از مستاجران خویش می گیرند، در تامین هزینه ها نقش داشته است و درآمدهای دیگر غیر از شغل رسمی افراد، سهمی بیش از درآمد افراد را برعهده داشته است. درآمدهای ناشی از سود سپرده، اجاره محل کسب، فعالیت در عرصه زمین؛ از دیگر بخش های مهم تامین درآمدهای شهرنشینان بوده است. در روستاها سهم دستمزد مشاغل مشابه شهرها است، اما به دلیل خاص شرایط روستاها، مشاغل آزاد سهمی کمابیش به اندازه حقوق و دستمزد را از آن خود کرده اند و درآمدهای شغلی نیز اندکی بیش از این دو بوده و درآمد حاصل از دستمزد، درآمد مشاغل آزاد و درآمدهای غیرشغلی برای روستاییان به ترتیب ۲۲.۲، ۳۰.۱ و ۳۷.۹ درصد برآورد شده است.

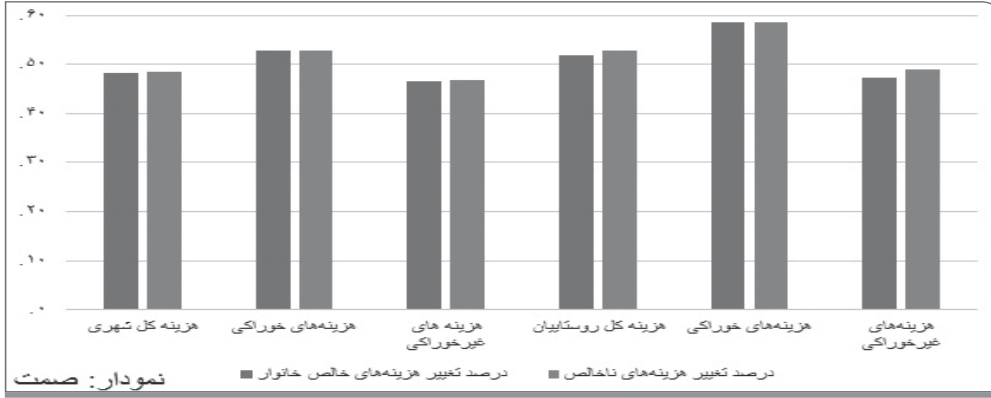


گزارش اخیر، ۵۱.۲ درصد از کل درآمدهای یک خانواده شهری از محلی غیر از شغل آنها تامین می شود. از کل این درآمدها، اجاره بهاها مسکن شخصی ۳۹.۴ درصد از درآمدهای خانواده شهری را تامین و حقوق بازنشستگی نیز ۳۲.۴ درصد از کل درآمدهای غیرشغلی را از آن خود کرده است. یارانه ها نیز سهمی ۴.۸ درصدی داشته اند. به این ترتیب، می توان گفت دستمزد به اندازه اجاره ای که مالکان از مستاجران خویش می گیرند، در تامین هزینه ها نقش داشته است و درآمدهای دیگر غیر از شغل رسمی افراد، سهمی بیش از درآمد افراد را برعهده داشته است. درآمدهای ناشی از سود سپرده، اجاره محل کسب، فعالیت در عرصه زمین؛ از دیگر بخش های مهم تامین درآمدهای شهرنشینان بوده است. در روستاها سهم دستمزد مشاغل مشابه شهرها است، اما به دلیل خاص شرایط روستاها، مشاغل آزاد سهمی کمابیش به اندازه حقوق و دستمزد را از آن خود کرده اند و درآمدهای شغلی نیز اندکی بیش از این دو بوده و درآمد حاصل از دستمزد، درآمد مشاغل آزاد و درآمدهای غیرشغلی برای روستاییان به ترتیب ۲۲.۲، ۳۰.۱ و ۳۷.۹ درصد برآورد شده است.

افزایش شکاف بودجه ای شهر و روستا

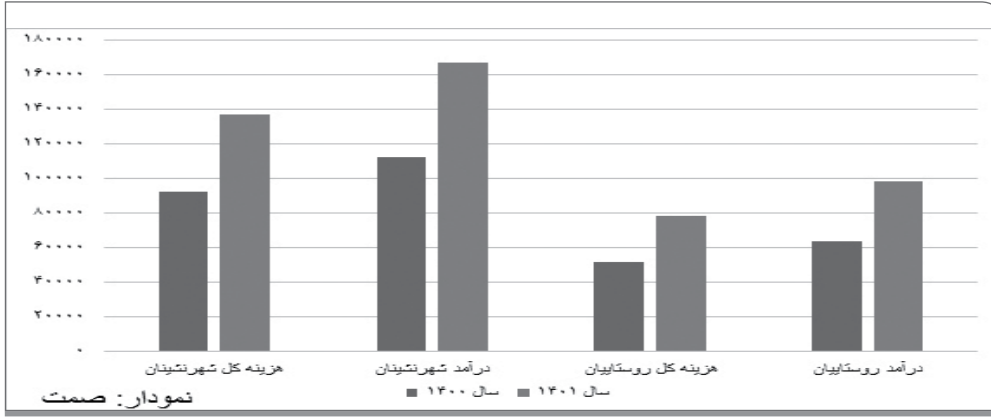
در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ به ۵۲.۸ درصد رسیده است. هزینه های غیرخوراکی خالص هم ۹۹ میلیون و ۴۶۳ هزار تومان از هزینه های خانواده های شهری را تشکیل می دهد. هزینه های خالص خانوارهای روستایی که در سال ۱۴۰۰ بیش از ۵۱ میلیون و ۹۱۱ هزار تومان بود، در سال گذشته به ۷۸ میلیون و ۸۵۹ هزار تومان رسیده است. این امر نشان دهنده افزایش ۵۱.۹ درصدی هزینه های روستاییان است. ضمن اینکه به نظر می رسد فشار تورمی بر روستاییان بیش از ساکنان شهرها است. هزینه های ناخالص در این دسته از ساکنان ایران ۲ میلیون تومان بیش از هزینه های خالص بوده و به ۸۰ میلیون و ۸۶۵ هزار تومان رسیده است. خانواده های روستایی در سال گذشته حدود ۳۲ میلیون و ۸۵۲ هزار تومان از هزینه های خود را در بخش تهیه مواد خوراکی و دخانی هزینه کردند و مجموع هزینه های غیرخوراکی خانواده های روستایی در سال گذشته به بیش از ۴۶ میلیون تومان در سال رسیده است.

به گزارش **صفت** و براساس بررسی های مرکز آمار، هزینه خالص یک خانواده در سال گذشته به ۱۳۷ میلیون و ۱۴۶ هزار تومان رسیده است. این مهم در حالی رخ می دهد که در سال ۱۴۰۰، این هزینه ۹۲ میلیون و ۵۰۱ هزار تومان بوده که نشان دهنده افزایش ۴۸.۲ درصدی هزینه های خالص خانوارهای شهری در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال پیش از آن است. هزینه های ناخالص خانوارهای شهری حدود ۲.۵ میلیون تومان در سال بیشتر از هزینه های خالص است؛ در محاسبات مرکز آمار این شاخص به رقم ۱۳۹ میلیون و ۶۶۸ هزار تومان رسیده که این شاخص نیز نسبت به سال ۱۴۰۰ افزایش ۴۸.۴ درصدی داشته است. از هزینه های خالص بیش از ۱۳۷ میلیون تومانی خانوارهای شهری، ۲۷ میلیون و ۶۸۲ هزار تومان آن صرف تهیه مواد غذایی، خوراکی و دخانیات می شود. با توجه به حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، هزینه های خوراکی خانوارها شتابی بیش از میانگین هزینه داشته، به نحوی که درصد افزایش آن



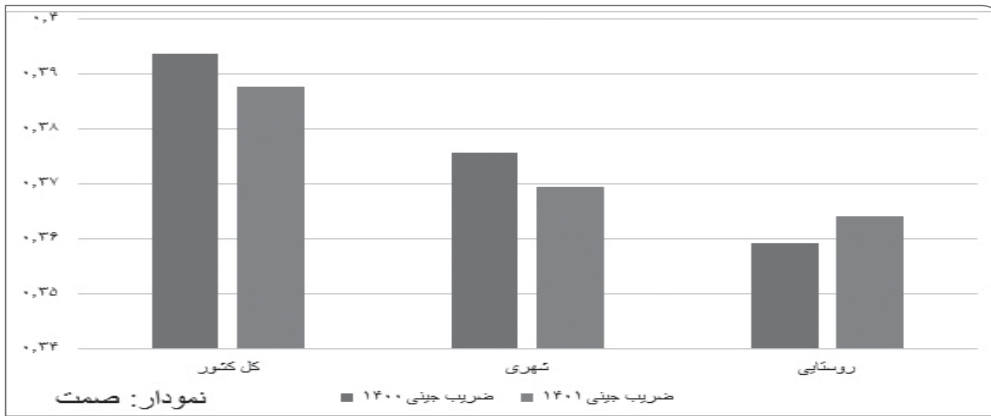
بررسی میانگین درآمدهای خانوار شهری در سال ۱۴۰۱ نشان می دهد که دخل ایرانیان شهرنشین به ۱۶۶ میلیون و ۹۶۴ هزار تومان در سال رسیده است. این امر بیانگر افزایش ۴۸.۵ درصدی درآمدها نسبت به سال ۱۴۰۰ است. در سال ۱۴۰۰ خانواده های شهری ۱۱۲ میلیون و ۴۲۱ هزار تومان درآمد سالانه داشتند. برای

بررسی میانگین درآمدهای خانوار شهری در سال ۱۴۰۱ نشان می دهد که دخل ایرانیان شهرنشین به ۱۶۶ میلیون و ۹۶۴ هزار تومان در سال رسیده است. این امر بیانگر افزایش ۴۸.۵ درصدی درآمدها نسبت به سال ۱۴۰۰ است. در سال ۱۴۰۰ خانواده های شهری ۱۱۲ میلیون و ۴۲۱ هزار تومان درآمد سالانه داشتند. برای



می رسد افزایش پرداخت یارانه های نقدی می تواند جزو عوامل موثر باشد، زیرا عوامل دیگر مانند نرخ رشد اقتصادی یا تورم بیش از هر چیز بیانگر افزایش فاصله طبقاتی به نظر می آید.

بررسی شاخص ضریب جینی هم از کاهش اندک فاصله درآمدهای اقشار مختلف در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۰ خبر می دهد. البته مشخص نیست چه عواملی بر این امر موثر بودند، اما به نظر



بررسی شاخص ضریب جینی هم از کاهش اندک فاصله درآمدهای اقشار مختلف در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۰ خبر می دهد. البته مشخص نیست چه عواملی بر این امر موثر بودند، اما به نظر

بررسی شاخص ضریب جینی هم از کاهش اندک فاصله درآمدهای اقشار مختلف در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۰ خبر می دهد. البته مشخص نیست چه عواملی بر این امر موثر بودند، اما به نظر

در بخشی دیگر از این گزارش، مجموع درآمدهای یک خانواده شهری را ۱۶۶ میلیون و ۹۶۴ هزار تومان برآورد کردند که برای روستاییان این رقم به ۹۸ میلیون و ۶۳۸ هزار تومان رسیده است. این مهم از افزایش به ترتیب ۴۸.۵ و ۵۴.۸ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰ خبر می دهد. با وجود تصویب افزایش دستمزد بیش از ۵۰ درصدی در سال ۱۴۰۱، گزارش مرکز آمار نشان می دهد که درآمد مزدبگیران در سال گذشته کمتر از ۵۰ درصد افزایش داشته است. این وضعیت برای روستاییان دشوارتر هم بوده، گرچه درآمدهای غیرشغلی در روستاها ۶۷.۹ درصد رشد کرده است.

ترکیب درآمد در یک خانواده شهری نشان می دهد که درآمد حاصل از دستمزد شغلی افراد، تنها ۳۲.۸ درصد از درآمدهای شهری های ایران را تشکیل داده است. به تعبیری، سهم مزد از کل درآمدهای شهرنشینان حتی به یک سوم کل درآمدها نمی رسد. بخشی از تخریب فرهنگ طمع کاری و سودپرستی ناشی از تضعیف جایگاه کار و درآمدهای حاصل از آن در تامین هزینه های یک خانواده است. به بیان ساده تر، مجموع درآمدهای یک خانواده شهری از محل دستمزد، به اندازه هزینه تامین سرپناه آنها هم نمی شود. درآمد مشاغل آزاد ۱۶ درصد از درآمدهای شهرنشینان را تشکیل می دهد. نکته نگران کننده سهم بسیار بالای درآمدهای غیرشغلی از کل درآمدهای شهرنشینان است؛ بنا بر

در گفت‌وگویی عضو کارگري شوراي عالي کار با **سید** تاکید شد

لزوم پايبندی به مصوبه شوراي عالي کار



امیر عیاش آذر موند
editor@smtnews.ir

تأثیر آزدسازی دارایی‌ها بر بازار ارز و سرمایه



یک کارشناس بازار سرمایه با اشاره به زودگذر بودن هیجانات منفی در بازار سهام، گفت: هرگونه اتفاقات بین‌المللی می‌تواند تأثیر کاهنده بر قیمت ارز داشته باشد که از این جهت ممکن است به‌صورت موقت شاهد هیجانات منفی در صنایع دلارمحور باشیم.

به گزارش ایرنا، خبر آزدسازی بیش از ۱۰ میلیارد دلار از منابع ایران در کره و عراق از جمله اتفاقاتی است که از چند روز گذشته مورد بحث قرار گرفته است.

در این باره یک مقام آگاه در گفت‌وگو با ایرنا اعلام کرد: ۶ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی، به‌همراه مقدار قابل توجهی از وجوه ایران در بانک TBI عراق آزاد خواهد شد.

وی گفت فرآیند آزدسازی مبلغ دیگری از وجوه ایران در یکی از بانک‌های اروپایی نیز آغاز شده است.

وجوه بلوکه‌شده در کره باید در یکی از بانک‌های سوئیس تبدیل به یورو شود که واریز وجوه به بانک سوئیسی تأیید شده و این ارقام آماده انتقال به قطر یا عمان است.

مطرح شدن چنین مسائلی، آینده اقتصاد ایران و بازارهای سرمایه‌گذاری از جمله بازار سهام را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

در این زمینه نیما میرزایی، کارشناس بازار سرمایه با اشاره به تأثیرپذیری بازار سهام از این اتفاق، به چند نکته حائز اهمیت اشاره کرد و افزود: نخستین موضوع مربوط به کاهش ریسک سیستماتیک ایران و سرمایه‌گذاری در آن است که همیشه بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری به‌ویژه بازار سرمایه تأثیر مستقیم از این موضوع می‌پذیرند.

وی اظهار کرد: هرچند ممکن است نمود تأثیر این موضوع تا حدودی زمان‌بر باشد و در ابتدا با برخی از هیجانات و نوسانات روبرو شویم، اما در نهایت آرمش بر بازار حاکم خواهد شد و سرمایه‌گذاران از اقداماتی که موجب کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و کم‌رنگ شدن محدودیت‌ها در صادرات و واردات می‌شود، استقبال خواهند کرد.

میرزایی با بیان اینکه این خوش‌بینی وجود دارد که در بلندمدت شاهد اتفاقاتی مهم در بازار سهام باشیم، گفت: ممکن است زمینه انجام برخی اقدامات تکمیلی فراهم شود که احتمال وقوع آن در آینده وجود دارد و زمینه آزدسازی دیگر منابع مسدودشده در ایران، بازگشایی قفل‌های دیگری از روابط بین‌المللی و مسائل اقتصادی مرتبط به آن فراهم خواهد شد.

این کارشناس بازار سرمایه اعلام کرد: اکنون تأثیرپذیری گروه‌های بورسی از این اتفاق، اصلی‌ترین سوالاتی است که سهامداران خرد دارند.

در این زمینه باید گفت، هرگونه اتفاقات بین‌المللی می‌تواند تأثیر کاهنده بر قیمت ارز داشته باشد که از این جهت ممکن است به‌صورت موقت شاهد هیجانات منفی در صنایع دلارمحور باشیم.

وی اظهار کرد: سهام دلارمحور با چشم‌انداز مربوط به صادرات‌شان می‌توانند از بهبود روابط بین‌المللی تأثیر مثبت بپذیرند که باتوجه به چنین مسائلی می‌توان گفت این هیجانات منفی زودگذر خواهد بود.

میرزایی با تأکید بر اینکه اتفاقی که در بازار به‌صورت سنتی رخ می‌دهد منجر به افزایش اقبال به سهام ریالی می‌شود، گفت: درباره دور اخیر توافقات تا حدودی سهام ریالی و پس از آن سهام خودرویی می‌توانند تأثیر مثبت بپذیرند.

هرچند نباید به‌صورت هیجانی یا خوش‌بینانه افراطی به آینده تأثیر این اتفاقات بر بازار نگاه کرد، اما ممکن است این گروه‌ها در شرایط کم‌رنگ بازار وضعیتی بهتر را تجربه کنند.

عضو کارگري شوراي عالي کار با رد ادعای قانونی بودن افزایش سلالانه مزد می‌گوید: «این مصوبه شوراي عالي کار در سال گذشته است که اگر دولت حاضر به افزایش حقوق کارمندان شد، شوراي عالي کار دستمزد کارگران را هم افزایش دهد.

این موضوع مصوب و اسناد آن هم موجود است. اگر مسئولان نظری غیر از این دارند، این سوال مطرح می‌شود که اگر از نظر قانونی دستمزد سلالانه فقط یک بار تعیین می‌شود، چرا این مصوبه از سوی ۳ وزیر کابینه امضا شده است؟»

علی‌خدايي با تأکید بر اینکه این مصوبه شوراي عالي کار در سال گذشته است که اگر دولت حاضر به افزایش

برای دستیابی به نتایج مطلوب چه مواردی باید در جلسات شوراي عالي کار مدنظر قرار گیرد؟

از جمله نکاتی که باید مدنظر مقامات مسئول در وزارت کار قرار بگیرد، سه‌جانبه‌گرایی است. سه‌جانبه‌گرایی مطرح شده تا گفته‌های کسی فصل‌الخطاب دیگر افراد و گروه‌ها نباشد. حتی گرچه وظیفه تشکیل جلسه شوراي عالي کار با وزیر تعاون است، اما او به‌تنهایی در این باره تصمیم نمی‌گیرد و بنا بر قانون اگر نمایندگان کارگری، دولت و کارفرمایان مایل باشند، می‌توانند دستور تشکیل جلسه را به وزیر بدهند و او نیز موظف است در سریع وقت اقدام به تشکیل جلسه کند.

باتوجه به اینکه در زمان تصویب حداقل دستمزد برای امسال هم مشخص بود که مزد تعیین‌شده به تضعیف قدرت خرید مزدبگیران می‌انجامد، چرا تیم کارگري در آن زمان به این مسئله تن داد که حالا مسئله چنین پیچیده شود؟

بایبیم و ببیزیم به هر دلیلی، نمایندگان کارگري به این مزد ناعادلانه تن داده‌اند. این کوتاهی و قصور، ناشی از کاستی‌های نمایندگان کارگري است. به هر حال این مسئله تمام و پرونده آن هم بسته شد.

امروز گروه کارگري نمی‌خواهد مصوبه اسفند ۱۴۰۱ را تغییر دهد، زیرا حدود نیمی از سال گذشته و این کار دردی را دوا نمی‌کند؛ ضمن اینکه از نظر قانونی هم باتوجه به رای صادرشده در دفاع از مزد امسال، کار بسیار دشوار و تقریباً محال است. مسئله امروز، روند تصویب دستمزد در جلسات تعیین مزد اسفند سال گذشته نیست و آن پرونده به بایگانی سپرده شده است. مسئله امروز «ترمیم» مزدی است که ناعادلانه به تصویب رسید و با گذشت ۵ ماه از سال شکاف میان مزد و معیشت، شرایط خانوارهای کارگري را دشوارتر از هر زمان دیگری کرده است.

گروه کارگري درخواست تشکیل جلسه شوراي عالي کار را داده، زیرا امروز وضعیت سفره‌های کارگران خوب نیست و نمایندگان کارگري بنا به ذات‌شان باید پیگیری مطالبات کسانی باشند که نماینده آنها هستند.

ترمیم مزد موضوع تازه‌ای است؟

حداقل از سال ۱۳۹۸ که مشکلات تورمی کشور را در بر گرفت، نمایندگان کارگري هر سال در ابتدای تابستان درخواست تشکیل جلسه شوراي عالي کار برای ترمیم دستمزدها را داده‌اند. گاه به این درخواست توجه کافی نشده و گاه چون سال ۹۹ پس از تصویب مزد سلالانه، در میانه سال باتوجه به نرخ تورم، دوباره افزایش دیگری در دستمزد به تصویب رسید. پس این مسئله مسبوق به سابقه است و اینکه می‌گویند دستمزد از نظر قانونی سالی یک بار تعیین می‌شود؛ مگر در موارد خاص، درست نیست و بیانگر نبودگاهی کامل نسبت به قانون کار است. جدا از این، تفسیر قانون جزو وظایف مقامات اجرایی نبوده و نیست.

در شرایط فعلی انتظار شما به‌عنوان نماینده کارگران از وزیر کار چیست؟

انتظاری که از همه وزرای کار دیگر هم داشتیم؛ هنگامی که

حقوق کارمندان شد، موضوع ترمیم دستمزد کارگران در جلسه شوراي عالي کار مطرح شود و دستمزدها افزایش یابد، تأکید می‌کنند: بازنگری در دستمزد کارگران در صورت لزوم، موضوعی مصوب و اسناد آن هم موجود است. حال این سوال وارد است که اگر از نظر قانونی و جز در موارد خاص دستمزد باید تنها سالی یک بار تعیین شود، چرا این مصوبه شوراي عالي کار، توسط ۳ وزیر امضا شده است. تمام شواهد نشان می‌دهد خواسته ترمیم مزد قانونی است و پیش از این هم تجربه شده است.

آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفت‌وگویی است با این عضو شوراي عالي کار است.

درخواست تشکیل جلسه شوراي عالي کار از سوی یکی از طرفین شوراي عالي کار مطرح می‌شود، بنا به تأکید قانون، با درخواست تشکیل جلسه موافقت و جلسه تشکیل شود. همچنین در آن جلسه به استدلال طرفین و در این مورد خاص (ضرورت ترمیم دستمزدها) به استدلال نمایندگان کارگري گوش دهند و کارفرمایان هم مسائل ما را بشنوند و در نهایت باتوجه به محدودیت‌های موجود، اقدامی موثر به نفع عدالت اجتماعی در دستور کار قرار بگیرد. یا حتی بی‌مهری کنند و به این خواسته ما رای منفی بدهند، اما در هر حال جلسه تشکیل و حرف طرفین گفته و شنیده شود. در گذشته هم این اتفاق بارها افتاده و به‌طور کلی دولت هم چندان مایل نیست در طول سال چند بار دستمزد تعیین کند، اما وزرا باید به وظایف قانونی خود عمل کنند و در همین چارچوب رای موافق یا مخالف بدهند.

معاون روابط کار و وزیر تعاون نیز چندی پیش در اظهاراتی گفت «در جلسات شوراي عالي کار اعضا حق دارند هر نظری که دارند را مطرح کنند، اما برای تصویب هر اقدامی، باید وزیر کار موافقت نشان دهد». این اظهارات به بحث‌ها در شبکه‌های اجتماعی دامن زده است. این سخنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه بیان برخی از حرف‌ها، به‌ویژه اگر خلاف قانون باشد، به زیان کشور است و می‌تواند حاشیه‌ساز شود. واقعیت این است که در هیچ جای قانون، تصویب موردی در شوراي عالي کار، به دریافت تأیید و کسب رضایت وزیر موکول نشده که اگر چنین بود دیگر نام آن را سه‌جانبه‌گرایی نمی‌گذاشتند. در این صورت این روحیه کار جمعی نیست که ترویج می‌شود، بلکه یکجانبه‌نگریست به مسائل است که در عدم شناخت قوانین و راه‌های موجود، در قالب این گفته‌ها مطرح می‌شوند.

اینکه گفته می‌شود در شوراي عالي کار حداقل دستمزد تعیین شده و کارگران با کارفرمایان خود چانه بزنند تا دستمزد بیشتری دریافت کنند را تا چه اندازه کارساز ارزیابی می‌کنید؟

کارگران زمانی می‌توانند با کارفرمایان وارد مرحله چانه‌زنی شوند که پیش از آن خلع‌سلاح نشده باشند و بتوانند از همه ابزارهای چانه‌زنی خود استفاده کنند. وجود تشکل از جمله ابزارهای چانه‌زنی است، اما مهم‌ترین ابزار چانه‌زنی طبقه کارگر در جهان امروز داشتن حق اعتراض است. این حقوق مصرح و پذیرفته‌شده در همه جای جهان برای طبقه کارگر صادق است. در شرایطی که ابزار اعمال قدرت طبقه کارگر فراهم نیست، امکان تقویت چانه‌زنی کارگر با کارفرما وجود ندارد. ضمن اینکه در همه جای جهان، حتی در ایالات متحده که خاستگاه سرمایه‌داری و امپریالیسم است هم حداقل دستمزد را جمعی تعیین می‌کنند و اگر هم چانه‌زنی کارگران مطرح باشد، وظیفه تعیین حداقل دستمزد با دولت‌ها است.

چند درصد کارگران ایران با حداقل دستمزد زندگی می‌کنند؟

متأسفانه در این باره هم ما دچار مشکل هستیم. گاهی

چندی پیش وزیر کار در اظهارنظری تأکید کردند از نظر قانونی باید دستمزد سالی یک بار تعیین شود.

این نظر به‌نوعی رد موضوع ترمیم دستمزد قلمداد می‌شود. شما به‌عنوان یک عضو تیم کارگري شوراي عالي کار چه اقداماتی را در دستور می‌گذارید؟ ما جز دفاع از حقوق طبقه کارگر و مزدبگیر، هیچ وظیفه دیگری نداریم و با تکیه بر همین اصل، سعی می‌کنیم اقدامات موثری در پیش بگیریم. سعی می‌شود با استفاده از مفرهای قانونی معیشت فعلی طبقه کارگر بهتر شود. به هر روی وظایف شوراي عالي کار و نمایندگان کارگري این شورا مشخص است و در همین راستا گام برمی‌داریم.

در برخی از اطلاعات و آمارها، نیروی کار تازه‌وارد به‌عنوان حداقل‌بگیر مطرح است، اما این‌طور نیست و بخش مهمی از کارگران که بیش از ۱۰ سال سابقه کار دارند هم، حداقل‌بگیر هستند. در هر حال آن بخشی از طبقه کارگر که از امنیت نسبی اقتصادی برخوردارند و می‌توانند در چانه‌زنی دست بالا را داشته باشند، به زحمت ۵ درصد مزدبگیران ایران را تشکیل می‌دهند. این بخش از طبقه کارگر از مهارت و تخصص کافی برخوردار و در صناعی چون نفت مشغول است. این کارگران هرگاه وارد چانه‌زنی می‌شوند، حتی اگر کارفرمای‌شان وزارت نفت هم باشند، از چنان قدرتی برخوردارند که حقوقی بیش از دیگر بخش‌های کارگري می‌گیرند. این گروه معمولاً جدا از آن ۹۵ درصد کارگران ایران به‌نوعی از حداقل حقوق یعنی دستمزد، امنیت شغلی، تشکلیابی و... برخوردارند.

به‌عنوان یک کارگر در بخش صنعتی کشور، کارفرمایان را می‌بینید و احتمالاً از احوال هم مطلع هستید. افزایش ندادن حداقل دستمزد در سال جاری کمکی به تولیدکنندگان کرده است؟

به هیچ وجه؛ دستمزد سهمی ناچیز از هزینه‌های تولید را تشکیل می‌دهد و تورم و نوسانات ارزی چنان هزینه‌ای به تولیدکننده تحمیل می‌کند که مزد سرکوب‌شده امروز کارگران در مقابل آن هزینه نیست. گفته می‌شود سال گذشته تولید کشور ۱۶ درصد افت کرده که این مهم به کمبود تقاضا در بازار داخلی ارتباط مستقیم دارد. برخی از کارفرمایان روشن‌بین می‌دانند اگر کارگران دستمزد بهتری دریافت می‌کردند، تقاضای موثر تقویت می‌شد و رکود چنین گریبان اقتصادمان را نمی‌گرفت.

باوجود گذشت ۵ ماه از امضای مصوبه مزدی امسال، چه نگاهی به تصمیم تیم کارگري در آن جلسه که به امضای مصوبه منجر شد دارید؟

من بارها این را اعلام کرده‌ام که این مصوبه به ما نمایندگان کارگري تحمیل شده، اما همه مسئولیت‌های آن تصمیم با ما است. من بابت آن بوزش می‌خواهم و همه تلاش را برای جبران این کار خواهم کرد.

شما در مصاحبه قبلی‌تان به **سید** گفتید قرار شد اگر حقوق کارمندان دولت بالا رفت، دستمزد کارگران هم بیشتر شود، اما ظاهراً امروز این مسئله مطرح نیست؟

این مصوبه شوراي عالي کار در سال گذشته است که اگر دولت حاضر به افزایش حقوق کارمندان شد، موضوع ترمیم دستمزد کارگران در جلسه شوراي عالي کار مطرح شود و دستمزدها افزایش یابد. این موضوع مصوب و اسناد آن هم موجود است. اگر مسئولان نظری غیر از این دارند، این سوال وارد است که اگر از نظر قانونی و جز در موارد خاص دستمزد تنها سالی یک بار تعیین می‌شود، چرا این مصوبه شوراي عالي کار، توسط ۳ وزیر امضا شده است.

تمام شواهد نشان می‌دهد خواسته ترمیم مزد قانونی است و پیش از این هم تجربه شده است؛ بر همین مبنا ما باز هم برای افزایش دستمزد تلاش خواهیم کرد.

قانونی که

اعتبار ندارد



امیرعباس اختراعی - عضو انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران

پرونده‌های متعددی مبنی بر شکایت شرکت‌های دانش‌بنیان و صنعتی از تامین‌اجتماعی تشکیل شده که در نهایت به محکومیت این سازمان رسیده است، اما متأسفانه در بیشتر موارد، شرکت‌های مخاطب از پذیرش حکم سر باز می‌زنند. حتی در برخی موارد، این شکایت‌ها به دیوان عالی کشور هم رسیده، اما هیچ‌گاه به مرحله عمومیت‌بخشی نرسیده‌اند. در واقع، برای یک معضل واحد، باید چندصد شرکت دانش‌بنیان مراحل قانونی واحدی را به‌منظور دریافت حق و حقوق خود طی کنند که در بیشتر موارد معمولاً پرونده‌ها باز می‌ماند. سازمان تامین‌اجتماعی، بخشنامه‌محور است. به‌عبارت‌روشن‌تر، کارکنان و بازرسان این سازمان اعتیادی به قوانین مستند و تفاهنامه‌ها نمی‌کنند و تنها به بخشنامه‌ها و رویه‌های ابلاغی سازمان‌های بالادستی خودشان استناد و مطابق آنها عمل می‌کنند. در واقع، گره کار اینجا است که سازمان تامین‌اجتماعی به قوانین کلی تمکین نمی‌کند. برای مثال، دانش‌بنیان‌هایی که از سوی معاونت علمی معرفی می‌شوند، باید از پرداخت حق بیمه معاف شوند. این در حالی است که سازمان تامین‌اجتماعی زیر بار این معافیت نمی‌رود و همچنان نسبت به اخذ حق بیمه مبادرت می‌ورزد. به‌اعتقاد من، حق بیمه‌ها و درآمدهای فعلی تکلیف هزینة‌های سازمان تامین‌اجتماعی را نمی‌کند؛ به‌همین‌علت این سازمان می‌خواهد به هر طریقی حق بیمه‌ها را افزایش دهد. بنابراین، بعید می‌دانم که با قوانین مربوط به معافیت دانش‌بنیان‌ها موافقت کند.

زمانی که به‌عنوان یک تشکل بزرگ صنعتی، از سازمان تامین‌اجتماعی به‌دلیل این عدم‌تمکین‌ها درباره معافیت دانش‌بنیان‌ها به هیات‌نظارت بر این سازمان شکایت کردیم، باوجود اینکه پذیرفته شد و نمایندگان سازمان هم محکوم شدند؛ اما در نهایت، صورت‌جلسه را امضا نکردند و کار به جایی نرسید و متأسفانه هیچ بهبودی حاصل نشد.

نهادی نظیر معاونت علمی در سطح بنگاهی کمک‌حال دانش‌بنیان‌ها است، یعنی اگر شرکتی به مشکل بر بخورد، می‌تواند از معاونت علمی نامه‌ای مبنی بر حل چالش‌های

بیمه‌ای خود دریافت کند، اما هیچ‌گاه تاکنون چنین اتفاقی عمومیت نداشته است. سال گذشته با رئیس مجلس شورای اسلامی جلسه‌ای با محوریت این موضوع و با حضور نمایندگان شرکت‌های دانش‌بنیان برگزار شد که در میانه جلسه، آقای قالیباف خواستار حضور معاون نظارتی خود شد و وقتی معاون نظارتی وی حاضر شد، از وی خواست تا این مسئله پیگیری شود. بعد از طرح این مسئله، رئیس کمیسیون تامین‌اجتماعی دعوت شد و این معضل به‌شدت موردبحث و گفت‌وگو قرار گرفت؛ اما تا به امروز، باز هم گریزی از این کار باز نشده. در واقع نزدیک به بیش از یک سال از این جلسات می‌گذرد و هیچ ترتیب اثری دیده نشده است. باوجود اینکه مجلس دارای ۲ نقش مهم وضع قانون و نظارت بر قانون است، اما باز هم چالش تامین‌اجتماعی برای شرکت‌های دانش‌بنیان حل نشده باقی مانده است. قوانینی که وضع می‌شود، برای سازمان تامین‌اجتماعی تعریف نشده‌اند و این سازمان به‌راحتی قانون‌شکنی می‌کند. معضل اینجا است که بدهی دولت به سازمان تامین‌اجتماعی دامنگیر بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان هم شده است؛ بارها در طول پیگیری شکایات فهمیدیم که بدهی دولت دست آن را بر نظارت و اجبار بر این سازمان کوتاه کرده است. در واقع، در جلسات شکایاتی که با دولت داشتیم، وقتی تمام ادله‌ها را بیان می‌کردیم، پاسخی که داده می‌شد، این بود که اگر تامین‌اجتماعی فراخوانده شود و موردنظارت قرار گیرد، از آنجایی که دولت به این سازمان بدهی دارد، این سازمان پیگیر بدهی‌هایش می‌شود و در واقع، به‌نوعی گروکشی می‌کند. در حقیقت، تامین‌اجتماعی در شرایطی حاضر به قبول چنین دعوی می‌شود که دولت بدهی‌هایش را پرداخت کند. سوال این است که به بخش خصوصی چه ارتباطی دارد که سازمان تامین‌اجتماعی به دیگر بخش‌ها ضرر زده است یا میان این سازمان با دولت چه بده بستان‌هایی وجود دارد. متأسفانه وقتی شرکتی برای دریافت مفاصحا حساب راهی سازمان تامین‌اجتماعی می‌شود، مجبور به پرداخت هزینه‌هایی می‌شود که توجیه قانونی ندارد، اما متأسفانه هیچ‌گاه زور دانش‌بنیان‌ها به تامین‌اجتماعی نچربیده است و این شرکت‌ها برای اینکه روال کارشان جلو بیفتد، مجبور می‌شوند این هزینه‌ها را پرداخت کنند. به‌اعتقاد من، مشکلات دانش‌بنیان‌ها در بیمه اصلاً قابل‌مقایسه با مالیات نیست. معضلات مربوط به مالیات در اکوسیستم دانش‌بنیان به‌مراتب قابل‌حل‌تر از معضلات مربوط به بیمه است. در قانون تامین‌اجتماعی فرآیند بازرسی وجود دارد. در واقع، آنها می‌توانند با مراجعه حضوری به شرکت‌ها، کارگاه‌ها و دیگر نهادهای تولیدی، تعداد افراد را با لیست بیمه تطبیق دهند. این بازرسی به‌مرور زمان برای سازمان تامین‌اجتماعی تبدیل به حسابرسی شده، یعنی این سازمان در درون خود نهادی را تأسیس کرده است به نام شرکت حسابرسی تامین‌اجتماعی که این شرکت تمام دفاتر مالی نهادهای تولیدی و شرکت‌های خصوصی را دریافت می‌کند و حتی تا فاکتورهای خرید را هم موردبررسی قرار می‌دهد؛ متأسفانه مصوبه قانونی برای این بی‌قانونی را هم سال گذشته دریافت کرد، یعنی به‌آرامی رنگ و بوی قانون به آن داد.

پرونده‌های متعددی مبنی بر شکایت شرکت‌های دانش‌بنیان و صنعتی از تامین‌اجتماعی تشکیل شده که در نهایت به محکومیت این سازمان رسیده است، اما متأسفانه در بیشتر موارد، شرکت‌های مخاطب از پذیرش حکم سر باز می‌زنند. حتی در برخی موارد، این شکایت‌ها به دیوان عالی کشور هم رسیده، اما هیچ‌گاه به مرحله عمومیت‌بخشی نرسیده‌اند. در واقع، برای یک معضل واحد، باید چندصد شرکت دانش‌بنیان مراحل قانونی واحدی را به‌منظور دریافت حق و حقوق خود طی کنند که در بیشتر موارد معمولاً پرونده‌ها باز می‌ماند. سازمان تامین‌اجتماعی، بخشنامه‌محور است. به‌عبارت‌روشن‌تر، کارکنان و بازرسان این سازمان اعتیادی به قوانین مستند و تفاهنامه‌ها نمی‌کنند و تنها به بخشنامه‌ها و رویه‌های ابلاغی سازمان‌های بالادستی خودشان استناد و مطابق آنها عمل می‌کنند. در واقع، گره کار اینجا است که سازمان تامین‌اجتماعی به قوانین کلی تمکین نمی‌کند. برای مثال، دانش‌بنیان‌هایی که از سوی معاونت علمی معرفی می‌شوند، باید از پرداخت حق بیمه معاف شوند. این در حالی است که سازمان تامین‌اجتماعی زیر بار این معافیت نمی‌رود و همچنان نسبت به اخذ حق بیمه مبادرت می‌ورزد. به‌اعتقاد من، حق بیمه‌ها و درآمدهای فعلی تکلیف هزینة‌های سازمان تامین‌اجتماعی را نمی‌کند؛ به‌همین‌علت این سازمان می‌خواهد به هر طریقی حق بیمه‌ها را افزایش دهد. بنابراین، بعید می‌دانم که با قوانین مربوط به معافیت دانش‌بنیان‌ها موافقت کند.

زمانی که به‌عنوان یک تشکل بزرگ صنعتی، از سازمان تامین‌اجتماعی به‌دلیل این عدم‌تمکین‌ها درباره معافیت دانش‌بنیان‌ها به هیات‌نظارت بر این سازمان شکایت کردیم، باوجود اینکه پذیرفته شد و نمایندگان سازمان هم محکوم شدند؛ اما در نهایت، صورت‌جلسه را امضا نکردند و کار به جایی نرسید و متأسفانه هیچ بهبودی حاصل نشد.

نهادی نظیر معاونت علمی در سطح بنگاهی کمک‌حال دانش‌بنیان‌ها است، یعنی اگر شرکتی به مشکل بر بخورد، می‌تواند از معاونت علمی نامه‌ای مبنی بر حل چالش‌های

بیمه‌ای خود دریافت کند، اما هیچ‌گاه تاکنون چنین اتفاقی عمومیت نداشته است. سال گذشته با رئیس مجلس شورای اسلامی جلسه‌ای با محوریت این موضوع و با حضور نمایندگان شرکت‌های دانش‌بنیان برگزار شد که در میانه جلسه، آقای قالیباف خواستار حضور معاون نظارتی خود شد و وقتی معاون نظارتی وی حاضر شد، از وی خواست تا این مسئله پیگیری شود. بعد از طرح این مسئله، رئیس کمیسیون تامین‌اجتماعی دعوت شد و این معضل به‌شدت موردبحث و گفت‌وگو قرار گرفت؛ اما تا به امروز، باز هم گریزی از این کار باز نشده. در واقع نزدیک به بیش از یک سال از این جلسات می‌گذرد و هیچ ترتیب اثری دیده نشده است. باوجود اینکه مجلس دارای ۲ نقش مهم وضع قانون و نظارت بر قانون است، اما باز هم چالش تامین‌اجتماعی برای شرکت‌های دانش‌بنیان حل نشده باقی مانده است. قوانینی که وضع می‌شود، برای سازمان تامین‌اجتماعی تعریف نشده‌اند و این سازمان به‌راحتی قانون‌شکنی می‌کند. معضل اینجا است که بدهی دولت به سازمان تامین‌اجتماعی دامنگیر بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان هم شده است؛ بارها در طول پیگیری شکایات فهمیدیم که بدهی دولت دست آن را بر نظارت و اجبار بر این سازمان کوتاه کرده است. در واقع، در جلسات شکایاتی که با دولت داشتیم، وقتی تمام ادله‌ها را بیان می‌کردیم، پاسخی که داده می‌شد، این بود که اگر تامین‌اجتماعی فراخوانده شود و موردنظارت قرار گیرد، از آنجایی که دولت به این سازمان بدهی دارد، این سازمان پیگیر بدهی‌هایش می‌شود و در واقع، به‌نوعی گروکشی می‌کند. در حقیقت، تامین‌اجتماعی در شرایطی حاضر به قبول چنین دعوی می‌شود که دولت بدهی‌هایش را پرداخت کند. سوال این است که به بخش خصوصی چه ارتباطی دارد که سازمان تامین‌اجتماعی به دیگر بخش‌ها ضرر زده است یا میان این سازمان با دولت چه بده بستان‌هایی وجود دارد. متأسفانه وقتی شرکتی برای دریافت مفاصحا حساب راهی سازمان تامین‌اجتماعی می‌شود، مجبور به پرداخت هزینه‌هایی می‌شود که توجیه قانونی ندارد، اما متأسفانه هیچ‌گاه زور دانش‌بنیان‌ها به تامین‌اجتماعی نچربیده است و این شرکت‌ها برای اینکه روال کارشان جلو بیفتد، مجبور می‌شوند این هزینه‌ها را پرداخت کنند. به‌اعتقاد من، مشکلات دانش‌بنیان‌ها در بیمه اصلاً قابل‌مقایسه با مالیات نیست. معضلات مربوط به مالیات در اکوسیستم دانش‌بنیان به‌مراتب قابل‌حل‌تر از معضلات مربوط به بیمه است. در قانون تامین‌اجتماعی فرآیند بازرسی وجود دارد. در واقع، آنها می‌توانند با مراجعه حضوری به شرکت‌ها، کارگاه‌ها و دیگر نهادهای تولیدی، تعداد افراد را با لیست بیمه تطبیق دهند. این بازرسی به‌مرور زمان برای سازمان تامین‌اجتماعی تبدیل به حسابرسی شده، یعنی این سازمان در درون خود نهادی را تأسیس کرده است به نام شرکت حسابرسی تامین‌اجتماعی که این شرکت تمام دفاتر مالی نهادهای تولیدی و شرکت‌های خصوصی را دریافت می‌کند و حتی تا فاکتورهای خرید را هم موردبررسی قرار می‌دهد؛ متأسفانه مصوبه قانونی برای این بی‌قانونی را هم سال گذشته دریافت کرد، یعنی به‌آرامی رنگ و بوی قانون به آن داد.

پرونده‌های متعددی مبنی بر شکایت شرکت‌های دانش‌بنیان و صنعتی از تامین‌اجتماعی تشکیل شده که در نهایت به محکومیت این سازمان رسیده است، اما متأسفانه در بیشتر موارد، شرکت‌های مخاطب از پذیرش حکم سر باز می‌زنند. حتی در برخی موارد، این شکایت‌ها به دیوان عالی کشور هم رسیده، اما هیچ‌گاه به مرحله عمومیت‌بخشی نرسیده‌اند. در واقع، برای یک معضل واحد، باید چندصد شرکت دانش‌بنیان مراحل قانونی واحدی را به‌منظور دریافت حق و حقوق خود طی کنند که در بیشتر موارد معمولاً پرونده‌ها باز می‌ماند. سازمان تامین‌اجتماعی، بخشنامه‌محور است. به‌عبارت‌روشن‌تر، کارکنان و بازرسان این سازمان اعتیادی به قوانین مستند و تفاهنامه‌ها نمی‌کنند و تنها به بخشنامه‌ها و رویه‌های ابلاغی سازمان‌های بالادستی خودشان استناد و مطابق آنها عمل می‌کنند. در واقع، گره کار اینجا است که سازمان تامین‌اجتماعی به قوانین کلی تمکین نمی‌کند. برای مثال، دانش‌بنیان‌هایی که از سوی معاونت علمی معرفی می‌شوند، باید از پرداخت حق بیمه معاف شوند. این در حالی است که سازمان تامین‌اجتماعی زیر بار این معافیت نمی‌رود و همچنان نسبت به اخذ حق بیمه مبادرت می‌ورزد. به‌اعتقاد من، حق بیمه‌ها و درآمدهای فعلی تکلیف هزینة‌های سازمان تامین‌اجتماعی را نمی‌کند؛ به‌همین‌علت این سازمان می‌خواهد به هر طریقی حق بیمه‌ها را افزایش دهد. بنابراین، بعید می‌دانم که با قوانین مربوط به معافیت دانش‌بنیان‌ها موافقت کند.

مهناب دمیرچی
editor@smtnews.ir

مصوبات کاغذی راه به جایی نمی‌برند

بررسی مصوبات از دلایل اجرا نشدن تفاهنامه‌ها در اکوسیستم دانش‌بنیان



عکس: آریانا فریدی

قانون جهش دانش‌بنیان، گامی برای توسعه

کشور شناخته شوند. قانونی که پس از ۳ سال چشم‌انتظاری و بررسی خلأهای قانونی سال ۱۳۸۹ با هدف رشد اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش سهم درصدی این اقتصاد در اقتصاد کل کشور تصویب شد. حال، اجرایی

شرکت‌های دانش‌بنیان در بحث تجاری‌سازی و توسعه بازار با چالش‌های متعددی از جمله مسائل مرتبط با تامین‌اجتماعی و حق بیمه قراردادها، تسهیلات و مدل‌های تامین مالی، رقابت‌های غیرمنصفانه بخش‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی با شرکت‌های بخش خصوصی، خروج نخبگان از شرکت‌ها و مسائل مرتبط با حفظ و نگهداشت منابع انسانی در شرکت‌ها، روبه‌رو هستند. تاکنون تفاهنامه‌های متعددی در راستای رفع این چالش‌ها بین نهادهای داخل اکوسیستم دانش‌بنیان نظیر معاونت علمی و فناوری با نهادهای خارج از این اکوسیستم منعقد شده است. اما به‌گفته اغلب فعالان در این اکوسیستم، درصد کمی از این تفاهنامه‌ها اجرایی می‌شوند و مراحل اجرایی آن برای دانش‌بنیان‌ها دشوار است. بسیاری از آنها معتقدند، تفاهنامه‌ها برای اغلب نهادهای خارج از اکوسیستم دانش‌بنیان نظیر تامین‌اجتماعی یا سازمان امور مالیاتی و به‌ویژه بانک‌ها محلی از اعراب ندارد و به‌عبارتی، تنها روی کاغذ اتفاق می‌افتد. حتی بر این باور هستند که این میزان از بی‌اعتنایی نهادهای خارج از اکوسیستم دانش‌بنیان نه تنها درباره تفاهنامه‌ها، بلکه در بیشتر موارد نسبت به مصوبه‌های قانونی هم مشاهده می‌شود.

در این گزارش به بررسی اجرایی شدن برخی تفاهنامه‌ها در اکوسیستم دانش‌بنیان پرداخته است.

با تصویب قانون جهش تولید دانش‌بنیان در سال گذشته، تمام نگاه‌های فعالان اکوسیستم فناوری و نوآوری بر اجرایی شدن این جریان است که شرکت‌های دانش‌بنیان، پارک‌های علم و فناوری و بازیگران این اکوسیستم به‌عنوان نقطه‌عطفی در توسعه اقتصادی

الزامی برای اجرا وجود ندارد

درج‌شده در تفاهنامه‌ها ندارند. بنابراین، هدف اصلی از انعقاد آنها، تسهیل‌سازی آن دست از شرکت‌های دانش‌بنیان نوا است، اما متأسفانه آن روندی که مشاهده می‌شود، این است که اغلب تفاهنامه‌ها به مرحله اجرایی شدن هم نمی‌رسند.

وی افزود: قراردادهای خوبی به‌امضا می‌رسد و تفاهنامه‌های مفیدی میان معاونت علمی و فناوری اقتصاد دانش‌بنیان با دیگر نهادها و صندوق نوآوری و شکوفایی با نهادهایی نظیر بانک‌ها منعقد می‌شود، اما اینکه چرا به مرحله عملیاتی نمی‌رسد یا مسیر دشواری پیش‌روی دانش‌بنیان‌ها برای دریافت تسهیلات وجود دارد، شاید نمی‌توان خیلی هم آن را ناشی از قصورات درون اکوسیستم دانش‌بنیان و نهادهای مرتبط با آن دانست؛ چراکه همواره شاهد فعالیت این نهادها برای توسعه بیشتر اکوسیستم دانش‌بنیان‌ها بوده‌ایم و دلیل اصلی در شاکله اصلی سیاست‌های اقتصادی کشور است.

این فعال دانش‌بنیان با اشاره به اجرا نشدن برخی تبصره‌های قانونی نیز گفت: باتوجه به اینکه قانون دانش‌بنیان، قانونی مترقی است، بسیار به‌نفع شرکت‌های دانش‌بنیان نوا تدوین شده، اما متأسفانه اجرایی نمی‌شود. به‌قدری فرآیند دریافت تسهیلات یا اجرا شدن بندهای قانون دانش‌بنیان سخت است که بیشتر دانش‌بنیان‌ها ترجیح می‌دهند که فرقی با دیگر شرکت‌ها نداشته باشند و خارج از اکوسیستم به‌فعالیت بپردازند.

نادری افزود: شاید دلیل اینکه اغلب تفاهنامه‌ها تنها روی کاغذ می‌ماند، این است که بودجه کافی در اکوسیستم دانش‌بنیان وجود ندارد. ناگفته نماند که برخی شرکت‌های دانش‌بنیان که تعدادشان هم کم نیست، اشراف کافی روی قانون جهش دانش‌بنیان ندارند و روش‌های دریافت تسهیلات را نمی‌دانند، به‌همین‌دلیل در برخی موارد اصلاً سازکار دریافت تسهیلات را نمی‌دانند.

به چند امضای کاغذ اکتفا نکنید

ابوالفضل همتی علمداری، فعال دانش‌بنیان در حوزه پتروشیمی در گفت‌وگو با **دانش‌پنیا** گفت: برای اجرای هر قراردادی که در بحث تسهیلات تامین‌اجتماعی بسته می‌شود، باید گروه چندنفره با کشف آهنگین در یا داشته باشیم تا بتوانیم بندهای تفاهنامه‌های بسته‌شده را اجرا کنیم. وی گفت: تاکنون ۳ تا ۴ پرونده باز در تامین‌اجتماعی داریم و در پی اثبات معافیت از پرداخت مالیات هستیم. در کل، معمولاً موفق به اجرای تفاهنامه‌ها نمی‌شویم. بانک‌ها

زمینه‌سازی ورود دانش‌بنیان به عرصه اقتصاد کشور

در ادامه این نشست، رضا اسدی‌فر، معاون توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری نیز اظهار کرد: براساس نیازها و چالش‌های احساس‌شده، قانون جهش تولید دانش‌بنیان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و سپس به دولت ابلاغ شد. وی افزود: گرچه هر بخش این قانون به حوزه خاص در زیست‌بوم نوآوری و شکوفایی اختصاص دارد، اما رویکرد کلی این قانون، زمینه‌سازی برای ورود فعالیت‌های دانش‌بنیان به عرصه اقتصاد واقعی کشور است. در واقع، این قانون تلاش دارد ظرفیت زیست‌بوم نوآوری

نادر نادری، فعال دانش‌بنیان در حوزه نانو در گفت‌وگو با **دانش‌پنیا** درباره اجرایی شدن تفاهنامه‌ها گفت: معمولاً الزامی برای عمل به تفاهنامه‌ها در اکوسیستم دانش‌بنیان وجود ندارد، چراکه روش‌های اجرایی برای تفاهنامه‌هایی که میان ۲ معاونت علمی و فناوری با دیگر نهادهای منعقد می‌شود، درج و ارائه نمی‌شود. به‌اعتقاد من، اغلب تفاهنامه‌ها معمولاً به این دلیل منعقد می‌شوند که نهادهای خارج از اکوسیستم دانش‌بنیان در راستای شعارها و دستورات مقامات بالادستی ادعای همکاری با این اکوسیستم را داشته باشند و رفع تکلیف کنند. برای مثال، بانک‌ها و دیگر نهادهای از جمله تامین‌اجتماعی در راستای تحقق شعارهای سال به امضای تفاهنامه‌هایی می‌پردازند، اما در اغلب موارد تحقق در اجرای آن وجود ندارد.

وی افزود: در بیشتر موارد از آنجایی که الزامی برای اجرا شدن تفاهنامه‌ها وجود ندارد، طرفین امضاکننده می‌دانند که معمولاً اجرایی نمی‌شود. برای مثال، اغلب تفاهنامه‌هایی که با بانک‌ها منعقد می‌شود، جنبه نمایشی دارد و وقتی دانش‌بنیان‌ها برای اجرای بندهای تفاهنامه به بانک‌ها مراجعه می‌کنند، به‌قدری شرایط دشوار است که عموماً موفق به دریافت تسهیلات یا وام نمی‌شوند و حمایتی را که در تفاهنامه قید شده است، نمی‌بینند.

نادری تأکید کرد: معمولاً به‌قدری فرآیند همکاری با نهادهای بیرون از اکوسیستم دانش‌بنیان نظیر بانک‌ها یا بیمه تامین‌اجتماعی یا سازمان امور مالیاتی دشوار است که اغلب دانش‌بنیان‌ها موفق به دریافت خدمات درج‌شده در آنها نمی‌شوند. این را هم بگویم که منظور از دانش‌بنیان‌ها، شرکت‌های کوچک و نوپایی است که براساس فرآیندهای تحقیق و توسعه و فناوری دست به تولید زده‌اند، نه آن دسته از شرکت‌های بزرگی که تا قبل از رشد دانش‌بنیان‌ها هم وجود داشته‌اند. معمولاً شرکت‌های بزرگ نیازی به خدمات



عکس: آریانا فریدی

وی گفت: متأسفانه زمان برای دریافت تسهیلات شرکت‌های دانش‌بنیان به‌قدری به‌مدر می‌رود که موجب ضرر شرکت‌ها می‌شود. متأسفانه در بیشتر موارد شاهد این بودیم که سازمان‌هایی که با نهادهای مرتبط با اکوسیستم دانش‌بنیان تفاهنامه امضا کرده‌اند، موردتمکین‌شان نبوده است. حتی بیشتر تفاهنامه‌ها تبدیل به مصوبه‌های قانونی می‌شود، اما باز هم به مرحله اجرایی نمی‌رسند و موردتمکین نهادهای روبه‌رو نیستند.

نادری درباره نحوه حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در راستای توسعه صادرات گفت: از آنجایی که دانش‌بنیان‌ها شرکت‌هایی نوپا هستند، عدد صادرات آنها در قبال شرکت‌های بزرگ پتروشیمی و دیگر شرکت‌هایی که صادرات بالایی دارند، کم است، به‌همین‌دلیل ارائه تسهیلات به این شرکت‌ها به نسبت هزینه‌های دیگر دولت بسیار کمتر است. باتوجه به اینکه یک درصد اقتصاد کشور در صادرات مربوط به دانش‌بنیان‌ها است که اتفاقاً خام‌فروشی هم نمی‌کند و می‌تواند برای دولت حائزاهمیت باشد تا بتوانیم از خام‌فروشی جلوگیری کنیم و توسعه‌بخش دیگر محصولات صادراتی در کشور باشیم.

وی گفت: با این حال، من معتقدم باید این مسیر طی شود و معتقد به اشتباه بودن عقد تفاهنامه‌ها نیستیم. برای مثال، اینکه معاونت علمی در طول سال چندین تفاهنامه را به‌امضا می‌رساند، یک گام رو به جلوست، چراکه ممکن است در طول زمان، سازکار اجرایی آن هم به‌وجود بیاید. شاید هم با روی کار آمدن مدیران دیگر، مسیر برای اجرای تفاهنامه‌ها هموارتر شود.



عکس: آریانا فریدی

وی گفت: متأسفانه زمان برای دریافت تسهیلات شرکت‌های دانش‌بنیان به‌قدری به‌مدر می‌رود که موجب ضرر شرکت‌ها می‌شود. متأسفانه در بیشتر موارد شاهد این بودیم که سازمان‌هایی که با نهادهای مرتبط با اکوسیستم دانش‌بنیان تفاهنامه امضا کرده‌اند، موردتمکین‌شان نبوده است. حتی بیشتر تفاهنامه‌ها تبدیل به مصوبه‌های قانونی می‌شود، اما باز هم به مرحله اجرایی نمی‌رسند و موردتمکین نهادهای روبه‌رو نیستند.

نادری درباره نحوه حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در راستای توسعه صادرات گفت: از آنجایی که دانش‌بنیان‌ها شرکت‌هایی نوپا هستند، عدد صادرات آنها در قبال شرکت‌های بزرگ پتروشیمی و دیگر شرکت‌هایی که صادرات بالایی دارند، کم است، به‌همین‌دلیل ارائه تسهیلات به این شرکت‌ها به نسبت هزینه‌های دیگر دولت بسیار کمتر است. باتوجه به اینکه یک درصد اقتصاد کشور در صادرات مربوط به دانش‌بنیان‌ها است که اتفاقاً خام‌فروشی هم نمی‌کند و می‌تواند برای دولت حائزاهمیت باشد تا بتوانیم از خام‌فروشی جلوگیری کنیم و توسعه‌بخش دیگر محصولات صادراتی در کشور باشیم.

وی گفت: با این حال، من معتقدم باید این مسیر طی شود و معتقد به اشتباه بودن عقد تفاهنامه‌ها نیستیم. برای مثال، اینکه معاونت علمی در طول سال چندین تفاهنامه را به‌امضا می‌رساند، یک گام رو به جلوست، چراکه ممکن است در طول زمان، سازکار اجرایی آن هم به‌وجود بیاید. شاید هم با روی کار آمدن مدیران دیگر، مسیر برای اجرای تفاهنامه‌ها هموارتر شود.

سخن پایانی

در موضوع تسهیلات و منابع مالی موردنیاز شرکت‌های دانش‌بنیان، واقعیت این است که درصد بالایی از این شرکت‌ها هنوز از خدمات بانکی و صندوق‌های مرتبط با حوزه فناوری استفاده نکرده‌اند. شاید بخشی از این موضوع به‌دلیل سختگیری‌ها و فرآیند پیچیده‌ای است که در مسیر اخذ تسهیلات برای شرکت‌ها طراحی شده است و آنها را در این مسیر با چالش مواجه می‌کند. به‌عنوان مثال، سرمایه صندوق نوآوری و شکوفایی بعد از سال‌های



**مولدسازی
با هدف
بهینه‌سازی دارایی**

وحید شفاقی شهری
کارشناس اقتصاد

مولدسازی دارایی‌های دولت در همه جای دنیا عملیاتی شده؛ از این رو کسی نافی مثبت بودن طرح فروش دارایی‌های دولت نیست. به‌عنوان مثال در آمریکا سازمان مقتدری ایجاد شده که اقدام به مولدسازی اموال دولتی می‌کند؛ پس نسبت به اصل مولدسازی دارایی‌های دولت هیچ شبهه‌ای وجود ندارد. همچنین ایده مولدسازی زاینده برنامه‌ریزی‌های دولت سیزدهم نیست و در گذشته نیز این لایحه مطرح شد اما به مرحله اجرا نرسید. مفهوم مولدسازی دارایی‌های دولت این است که دولت اموال بلااستفاده‌ای که دارد یا اموالی که ارزش افزوده و بهره‌وری پایین دارند و سال‌ها رها شده‌اند و استفاده مطلوبی از این اموال صورت نمی‌گیرد را شناسایی کند تا این اموال بهینه‌سازی شود و بهره‌وری و ارزش افزوده آنها افزایش یابد. این اموال برای نسل‌های کنونی و آینده است و این گونه نیست که احساس کنیم اموال دولت فقط برای دوره کنونی است. این اموال مانند نفت، سرمایه بین‌نسلی است و باید تلاش شود از آنها به صورت بهینه استفاده شود.

بنابراین مولدسازی دارایی‌های دولت یک نوع ثروت‌آفرینی است و ثروت‌آفرینی هم می‌تواند رویکرد مادی و هم رویکرد غیرمادی داشته باشد؛ یعنی می‌توانیم یک فضای خالی و بلااستفاده را تبدیل به یک بخش تجاری، بخش صنعتی یا فضای سبز کنیم که بسته به طراحان و برنامه‌ریزان آن متفاوت است.

در مفهوم و عملکرد مولدسازی می‌توان نقاط مثبت و منفی زیادی را بیان کرد. مولدسازی صرفاً به‌معنای فروش اموال نیست و باید مفهوم درستی از آن ارائه شود؛ از این رو باید تعریف مشخصی از مولدسازی داشته باشیم. پیشنهاد من به دولت این است که نخست تعریف مبسوطی از مولدسازی ارائه بدهد و نباید مولدسازی را صرفاً به‌معنای درآمدزایی تلقی کند.

شهروندان یک جامعه نیز اقدام به مولد کردن اموال خود می‌کنند و اگر زمین باری داشته باشند تلاش می‌کنند آن را با آپارتمان یا واحد تجاری معاوضه کنند تا این گونه بازدهی مال خود را ارتقا بدهند و سعی دارند در ملکی که بلااستفاده مانده، بهره‌وری و درآمد بیشتر عاید خود کنند. همین تعریف در سطح کلان نیز صادق است؛ دولت نیز اموال بلااستفاده بسیاری دارد که می‌تواند آنها را تبدیل به احسن کند.

مولدسازی یک مفهوم کمی درآمدی نیست و می‌تواند با دید کیفی نیز به آن پرداخت. فرض کنید که در یک منطقه‌ای از شهر تهران، دولت زمینی دارد که بلااستفاده مانده است. می‌توان آن زمین را با مشارکت بخش خصوصی تبدیل به پارک یا محلی برای ورزش همگانی کند. در این صورت مردم آن منطقه می‌توانند در آن محل ورزش کنند و این گونه سلامت مردم آن منطقه به شرایط مطلوب نزدیک‌تر می‌شود و وقتی وضعیت سلامت مردم بهتر شود، هزینه‌های درمان نیز کاهش پیدا می‌کند. این گونه نگاه صرفاً معطوف به درآمدزایی نیست و به ارتقای کیفیت زندگی و کاهش هزینه‌های دولت هم توجه دارد؛ پس این اقدام نیز گونه‌ای مولدسازی است.

موضوع بعدی در حوزه مولدسازی این است که اگر این مولدسازی صرفاً با دید درآمدزایی باشد باید درآمد حاصل از آن به توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های عمرانی اختصاص یابد؛ به این معنا که آورده مولدسازی با مکانیسم فروش اموال نباید صرف هزینه‌های جاری شود؛ به‌عنوان مثال اگر فردی زمینی بلااستفاده داشته و آن را به فروش برساند و پول آن ریخت‌وپاش کند، همه آن فرد را مستخره خواهند کرد، اما اگر زمینی فروخته شود و صاحب آن با پول آن کسب‌وکاری راه‌اندازی کند همه آن فرد را تحسین خواهند کرد.

پس این موضوع در دولت نیز مصادق دارد. اگر دولتی که بهره‌وری‌اش منفی است بخواهد با فروش اموال هزینه‌های جاری خود را تأمین کند، خطر بزرگی است. موضوع دیگر در بحث مولدسازی عدم شفافیت است.

در اصل ۴۴ قانون اساسی به موضوع خصوصی‌سازی پرداخته شده است. در این اصل هیات عالی واگذاری طبق قانون شکل گرفته بود و نسبت به تصمیمات آن دستگاه‌های نظارتی ورودی می‌کردند اما در مولدسازی چنین قانونی منتظر نی‌ناریم و هیاتی شکل گرفته که پشتوانه قانونی ندارد و نحوه نظارت بر تصمیمات این هیات هم مشخص نیست و شبهاتی در اجرای مولدسازی ایجاد شده است از این رو وزارت اقتصاد با همین هدف سامانه‌ای تعریف کرد تا این موارد به صورت کامل رصد شوند اگر در حوزه مولدسازی شفاف‌سازی بیشتر شود شبهات کمتر خواهد شد. باید این نکته را در نظر داشت که اموال دولت فقط برای نسل امروز نیست و بین‌نسلی است و باید درآمدهای حاصل آن برای نسل‌های امروز و آینده هزینه شود. بر همین اساس اگر هدف از فروش اموال درآمدزایی است باید درآمدها در توسعه زیرساخت‌ها و اجرای پروژه‌های عمرانی مصرف شود که عایدی آن برای نسل آتی هم باشد.

مفهوم مولدسازی به‌صورت کیفی به توسعه زیرساخت‌ها نیز توجه می‌کند. اگر در یک زمین یک باشگاه ورزشی احداث شود، درآمدهای مستقیم نشده، اما به‌نحوی مستتر درآمدهای شده، چرا که در نتیجه ورزش کردن در این محیط، افراد سالم‌تر می‌مانند و هزینه‌های درمانی کمتری بر دوش دولت خواهد رفت؛ ایجاد محیطی برای سلامت شهروندان به‌نوعی مولدسازی دارایی‌های دولت است و صرفاً معطوف به فروش اموال نیست و فراتر از آن است.



کارشناسان بر توجیه‌پذیری مولدسازی دارایی‌های دولت تأکید دارند

فروش به شرط توسعه

مولدسازی دارایی‌های دولت یک نوع ثروت‌آفرینی است که می‌توان با استناد به آن یک فضای خالی و بلااستفاده را تبدیل به یک بخش تجاری، بخش صنعتی یا فضای سبز کرد

عکس: شفاقی

سیاست داخلی نیست و در همه جای دنیا حتی امریکان نیز تجربه شده و هدف ذاتی آن نوعی بهینه‌سازی اموال است. اما نکته قابل توجه این طرح، تأکید بر بین‌نسلی بودن این دارایی‌ها و اموال دولتی است و اینکه نسل‌های آینده هم باید از این اموال منتفع شوند؛ از همین رو فروش اموال و صرف درآمد آن در توسعه زیرساخت‌های تولید مولد، فروش دارایی‌های مازاد را توجیه‌پذیر می‌کند. در این گزارش به بهانه تصویب اصلاحیه طرح مولدسازی از سوی مجلس ورودی این طرح به فواز جدید اجرایی، به الزاماتی که باید از سوی دولت رعایت شود پرداخته است.

آیین‌نامه اجرایی لایحه مولدسازی دارایی‌های دولت را در دستور کار قرار دهد و در نهایت آیین‌نامه اجرایی مولدسازی دارایی‌های دولت، در خصوص نظارت و ضمانت‌های اجرایی، رقابت و شفافیت، نظامات مربوط به ترغیب دستگاه‌ها به مشارکت در امر مولدسازی و انطباق هر چه بیشتر احکام آیین‌نامه با ضوابط قانونی اصلاح و برای بررسی دوباره راهی مجلس شد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در جلسه علنی ۱۷ مرداد، ماده ۳۶ طرح مولدسازی اموال دستگاه‌های اجرایی را بررسی و تصویب کردند. کارشناسان اقتصاد بر این باورند که لایحه مولدسازی دارایی‌های دولت اقدام جدید و تازه‌ای در عرصه

مولدسازی به این معناست که دولت دارایی‌های بلااستفاده‌ای را که ارزش افزوده و بهره‌وری پایینی دارند، طی یک مکانیسم مشخص شناسایی و بهینه‌سازی کند. بعد از طرح لایحه مولدسازی در دولت سیزدهم بسیاری از کارشناسان اقتصاد اشکالاتی را به این طرح وارد کردند؛ پرسش‌های اساسی را پیش روی دولت قرار دادند. پرسش‌هایی از این دست که تلقی دولت از مولدسازی چیست؟ آیا مولدسازی به‌مثابه فروش اموال و دارایی‌های دولتی است و آیا دولت می‌خواهد با فروش این اموال کسری بودجه خود را جبران کند؟ چالش‌های مسیر اجرای این لایحه دولت را بر آن داشت تا سرفصل‌های گذشته اصلاحات

سیرانوش موسوی
editor@smtnews.ir

مجلس ساز کار مولدسازی اموال دستگاه‌های اجرایی را اصلاح کرد

به اجرای طرح(پروژه)های دارای مجوز قانونی یا پرداخت بدهی قطعی شده اقدام کنند. به شهرداری‌ها نیز اجازه داده شده برای تسویه مطالبات و بدهی‌های قطعی با دستگاه‌های اجرایی، سازمان تأمین اجتماعی و بانک‌ها نسبت به مبادله اراضی و املاک و انواع عوارض قانونی قابل‌وصول خود در چارچوب دستورالعملی اقدام یا با این دستگاه‌ها در ساخت‌وساز و مولدسازی مشارکت کنند.

اموال به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود تا بر مبنای قیمت روز کارشناسی از طریق تهاجر، معاوضه یا مشارکت با شهرداری محل یا از طریق فراخوان و در شرایط رقابتی با بخش‌های غیردولتی (خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی)، اموال، دارایی‌ها، زمین‌ها و مستحقات ملکی خود را مولدسازی کرده و از محل سهم یا درآمدهای حاصله با رعایت ترتیبات قانونی نسبت

به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده شد تا بر مبنای قیمت روز کارشناسی و در شرایط رقابتی با بخش‌های غیردولتی اموال، دارایی‌ها، زمین‌ها و مستحقات ملکی خود را مولدسازی کنند. در جلسه علنی ۱۷ مرداد مجلس شورای اسلامی، ماده ۳۶ طرح مولدسازی اموال دستگاه‌های اجرایی به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. براساس این طرح، در راستای مولدسازی

درآمد فروش اموال مازاد صرف پوشش کسری بودجه نشود



اجتماعی داشته باشد، افزود: اگر در منطقه‌ای ملکی واگذار شود، اما این فروش از دید عموم مشروعیت نداشته باشد، این واگذاری موفق نخواهد بود؛ از همین رو اگر پیوست اجتماعی ایجاد نشود مولدسازی پایدار نخواهد بود، حتی اگر کارآ باشد. وی با انتقاد از واگذاری اموال آموزش و پرورش، گفت: چرا باید اموال آموزش و پرورش واگذار شود؟

اگر آموزش و پرورش اینقدر ثروتمند است که اموال مازاد دارد، چرا تعداد مدارس کپری و کانکسی در کشور زیاد است. مولدسازی نباید از آموزش و پرورش آغاز شود. به‌نظر بنده مولدسازی باید از ساختمان وزارت اقتصاد و امور دارایی شروع شود، زیرا در این وزارتخانه نیروهای مازاد مشغول فعالیت هستند و بازدهی آنها کم است.

مولوی در پایان تصریح کرد: اگر قرار است اموال آموزش و پرورش فروخته شود، باید برای بهبود شرایط مدارس کپری و کانکسی خرج هزینه شود؛ نه اینکه صرف هزینه‌های جاری شود. به‌نظر می‌رسد دولت بدون ناظری به‌نام مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات که روشن و شفاف عمل می‌کنند نمی‌تواند لایحه مولدسازی را پیش ببرد و به اهدافی که در سطح کلان تعریف کرده، نائل آید. اگر این لایحه به‌صورت پایدار اجرایی نشود، امکان بازگشت به عقب نیز وجود دارد.

می‌کنم فرآیند واگذاری در یک بازه زمانی ۵۰ساله انجام شود؛ به این معنا که دارایی‌ها تحت یک قرارداد بلندمدت با تضمین‌های محکم و قابل‌اجرا در اختیار افراد قرار داده شوند و آنها از اموال در بخش‌های تولید و اشتغال استفاده کنند. این گونه هم منافع افراد تأمین خواهد شد و هم دولت دارایی خود را از دست نمی‌دهد. مولوی با تأکید بر اینکه صاحب دارایی حتی با بازدهی کم، در گام نخست با فروش اموال موافقت نخواهد کرد، گفت: هیچ انسانی دارایی خود را نمی‌فروشد؛ مگر اینکه منفعتی برای او داشته باشد. اگر فردی بخواهد اموال خود را بفروشد و خرج روزمره کند، در نهایت هم دارایی‌هایش را از دست می‌دهد و هم عایدی نصیب نخواهد شد. اگر دولت بخواهد در فرآیند مولدسازی در این مسیر قدم بگذارد، بدون تردید هم کسری بودجه گذشته را دارد و هم دیگر دارایی ندارد که بخواهد براساس آن اقدامی انجام بدهد. وی با رد ادعای بزرگ بودن دولت در ایران، تصریح کرد: دولت بزرگ نیست، اما در جایی که باید باشد حضور کم‌ترگی دارد و در جایی که نباید باشد مداخله‌گری می‌کند؛ به‌عنوان مثال مطابق قانون اساسی کشور آموزش و پرورش، ورزش و بهداشت باید رایگان باشد، این در حالی است که خدمات این حوزه‌ها در کشور جز گران‌ترین خدمات محسوب می‌شوند؛ از این رو بهتر است دولت مولدسازی را اجرا کند تا این حوزه‌ها رایگان در خدمت عموم مردم قرار بگیرند.

مولدسازی باید مشروعیت داشته باشد

این کارشناس اقتصاد با تأکید بر اینکه مولدسازی باید مشروعیت

پیمان مولوی، کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با **سنت** با طرح این پرسش که چرا دولت اقدام به فروش دارایی‌های عمومی می‌کند، گفت: چرا کاربری دارایی‌ها در یک معیار قابل‌سنجش قرار داده نمی‌شود تا سرمایه‌گذار براساس این اطلاعات و شاخص‌ها برای خرید این اموال اقدام کند؟ نکته‌ای که در فرآیند مولدسازی باید به آن توجه کرد این است که آیا امکان بهینه شدن اموال واگذار شده از سوی اشخاصی که آنها را خریداری می‌کنند وجود دارد یا خیر؟ به‌عبارت دیگر آیا بازدهی دارایی‌ها بعد از فروش آنها بهتر خواهد شد؟

وی با بیان اینکه شرایط اقتصادی موجود باعث مطرح شدن لایحه مولدسازی از سوی دولت شد، افزود: نوع ساختار اقتصادی که در آن قرار گرفتیم باعث شده اختیار اموال از دست دولت خارج و به سمت ذی‌نفعان هدایت شود، این در حالی است که این افراد در شرایط دشوار اقتصادی نمی‌توانند اقدامات ویژه‌ای انجام بدهند و بهره‌وری از این اموال در گرو بهبود شرایط اقتصاد کلان خواهد بود. ایران در شاخص آزادی اقتصادی رتبه ۱۵۹ را دارد. این رتبه این تردید را ایجاد می‌کند که اگر بنا باشد دولت دارایی خود را واگذار کند قرار است این اموال به چه نهادها، ارگان‌ها و اشخاصی واگذار شود؟

فرآیند واگذاری در بازه زمانی ۵۰ساله

این کارشناس اقتصاد تأکید کرد: به‌نظر می‌رسد با اجرای لایحه مولدسازی، دولت با پوشش کسری بودجه، دارایی ارزشمند خود را از دست می‌دهد و از سوی دیگر ممکن است بعد از فروش دارایی‌ها، اموال نیز کارایی لازم را نداشته باشند؛ از این رو من پیشنهاد

نمی‌خواهند مولدسازی انجام شود



را نگهداری کنند؛ حتی اگر از آنها بهره‌ای نصیب‌شان نشود. به‌نظر بنده نباید مولدسازی اموال دولتی مانند تجربه سهام عدالت شود. در پروژه سهام عدالت هیچ فایده‌ای عاید اقتصاد ایران نشد و فقط عده‌ای خاص از این وضعیت سوءاستفاده شخصی، فردی و گروهی بردند.

طرح سهام عدالت باعث شد نظارت دولت و نهادهای دولتی از بخشی از نهادها برداشته و مدیریت آن به عده‌ای خاص سپرده شود.

وی در پایان لایحه مولدسازی را مثبت دانست و افزود: مولدسازی باید انجام شود و بخشی از سازکارهای اجرای آن هم تعریف شده است. مهم‌ترین مشکل مولدسازی و خصوصی‌سازی این است که افرادی در دولت و بدنه حاکمیت هستند که نمی‌گذارند این مهم انجام شود. به‌نظر می‌رسد این افراد عاقدانه قصد تخریب اقتصاد را دارند.

وجود دارد؛ ممکن است بخشی از بدنه دولت به امید اینکه در آینده بتوانند از یک مالی که فعلاً مازاد است، استفاده کنند از اعلام مازاد بودن آن طفره برونند؛ از این رو باید سیستمی تعریف شود که دولت بتواند مازادی اموال را تشخیص بدهد و بگوید این مال دستگاه، سازمان، شرکت یا موسسه مازاد است و آنها به این دارایی نیازی ندارند.

دانشیار پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به تمایل دولت برای جمع‌آوری اموال، تأکید کرد: دولتی‌ها تمایل دارند اموال

مرتضی عزتی، دانشیار پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس در گفت‌وگو با **سنت** با استناد به آنچه در آیین‌نامه فروش دارایی‌های دولتی آمده است، گفت: دولت با فروش اموال و دارایی‌های مازاد تلاش دارد این اموال را دوباره به چرخه اقتصاد هدایت کند و در این میان بخش خصوصی می‌تواند ایفایکننده نقش مهمی باشد. به‌گفته این استاد دانشگاه در اساس چالشی متوجه اصل لایحه مولدسازی نیست، اما متأسفانه در ۳۰ سال گذشته عده‌ای در بدنه حاکمیت قدرت گرفتند که مانع از هدایت اقتصاد به سمت تولید شده‌اند. این افراد به لزوم دولتی بودن اقتصاد باور دارند و گمان می‌کنند دولتی بودن به اقتصاد کمک می‌کند.

وی با تأکید بر اینکه عده‌ای نمی‌خواهند دارایی‌های دولت از سوی بخش خصوصی مولد شود، تصریح کرد: به‌نظر می‌رسد تفکر یادشده در نظام تصمیم‌گیری ریشه دوانده و آنها اجازه نمی‌دهند اموال دولتی به بخش خصوصی واگذار شود.

مکانیسم فروش اموال تعریف شده است

دانشیار پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس ادامه داد: مقررات و مکانیسم فروش اموال اعلام و تعیین شده، اما یک مشکل

سخن پایانی

درآمدهای حاصل از اجرای طرح درباره اموال وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صرفاً در همان وزارتخانه و در جهت طرح‌های توسعه‌ای آنها هزینه شود. حال باید منتظر بمانیم و ببینیم که در عمل دولت تا چه میزان به تعهدات خود در این زمینه پایبند می‌ماند؟

کارشناسان اقتصاد بر این باورند که مولدسازی زمانی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که درآمد حاصل از فروش اموال در توسعه زیرساخت‌ها هزینه شود و اگر قرار است اموال وزارتخانه‌هایی چون آموزش و پرورش یا بهداشت و درمان به‌فروش برسد باید پول حاصل از این فروش در همین حوزه‌ها هزینه شود؛ از این رو دولت در آیین‌نامه اصلاحی طرح مولدسازی مقرر کرد همه

دولت با هدف تأمین منابع برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام، فروش اموال مازاد به‌ویژه ساختمان‌ها و املاک بلااستفاده شرکت‌ها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی را در دستور کار قرار داده است. مولدسازی دارایی‌های دولت یک نوع ثروت‌آفرینی است که می‌توان با استناد به آن یک فضای خالی و بلااستفاده را تبدیل به یک بخش تجاری، بخش صنعتی یا فضای سبز کرد.

عملیات اجرایی طرح انتقال آب از دریای عمان به شرق کشور آغاز شد

حمایت تمام‌قد از ابر پروژه انتقال آب



در جریان سفر وزیر صمت به استان سیستان و بلوچستان عملیات اجرایی طرح نمک‌زدایی و انتقال آب از دریای عمان به استان‌های شرقی کشور از سمت زاهدان آغاز شد. عباس علی‌آبادی در راستای آغاز عملیات اجرایی لوله‌گذاری از زاهدان به چابهار برای تکمیل طرح انتقال آب دریای عمان به شمال استان وارد سیستان و بلوچستان شد و این عملیات با حضور استاندار سیستان و بلوچستان، نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی و تعدادی از مسئولان استانی کلید خورد. گفتنی است، هدف علی‌آبادی از این سفر دستیابی به منابع آبی پایدار در شرق کشور باهدف ایجاد زیرساخت‌های آبی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه، تامین نیاز آبی صنایع و معادن، در استان‌های شرقی کشور به‌ویژه صنایع بزرگ‌مقیاس و فراهم کردن زمینه رشد صنایع معدنی و توسعه صنایع پایین دستی، اشتغال‌زایی، محرومیت‌زدایی و تثبیت جمعیت ساکن در منطقه شرق کشور است. همچنین جلوگیری از مهاجرت و تامین کمبود آب آشامیدنی شهرها و روستاهای واقع در مسیر و کمک به بهبود وضعیت آب‌های زیرزمینی از دیگر اهداف سفر وزیر صمت به استان سیستان و بلوچستان است.

تامین کسری آب در دالان شرق کشور

برنامه زمان‌بندی‌شده، این طرح با سرمایه‌گذاری ۳ میلیارد یورویی تا پایان سال ۱۴۰۴ به بهره‌برداری خواهد رسید. چندی پیش نیز در جریان سفر یک روزه رئیس‌جمهوری به استان سیستان و بلوچستان، عملیات لوله‌گذاری انتقال آب دریای عمان به ۳ استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی با دستور وی آغاز شد. بنابر اعلام مسئولان و مجریان، برای اجرای

طرح انتقال آب از دریا جزو طرح‌های کلان تعریف شده برای تامین کسری آب در دالان شرق کشور است که اجرای آن از آبان سال ۱۴۰۰ آغاز شد و طبق تفاهنامه‌های منعقد شده، آب انتقالی به استان‌های خراسان رضوی و خراسان جنوبی در بخش صنعت به مصرف خواهد رسید، اما این آب در سیستان و بلوچستان برای تامین مصارف آشامیدنی نیز پیش‌بینی و طبق

پیشبرد خطوط انتقال آب با مشارکت بخش خصوصی

پیشرفتی ۱۲ درصدی داشته است.

به گفته علی‌آبادی پروژه شیرین‌سازی و نمک‌زدایی آب دریای عمان و انتقال آن به تمام شهرهای سیستان و بلوچستان و استان‌های شرقی کشور، پیشرفت ۱۲ درصدی داشته و با اعتبار ۱۶۰ هزار میلیارد تومانی که برای آن تخصیص یافته، باعث خوشحالی است که به زودی کام مردم این دیار شیرین شود. وی در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: برای بازدید پروژه فوق‌استراتژیک انتقال آب دریای عمان به شهرها و استان‌های شرقی کشور برنامه‌های فشرده‌ای داشتیم و این آب شیرین و به تمام روستاها و شهرهای استان سیستان و بلوچستان منتقل می‌شود.

وی گفت: انتقال آب به شهرها و روستاها موجب توسعه اشتغال و تولید می‌شود و می‌تواند رونق خوبی را به دنبال داشته باشد. لوله‌گذاری خط انتقال آب از دریای عمان به سیستان و بلوچستان در مسیری قرار گرفته است که از مناطق تجمع جمعیت عبور کند تا نیاز آب استان تامین شود

وزیر صمت، معدن و تجارت اظهار کرد: از قشرهای مختلف مردم و مسئولان درخواست همکاری و همراهی داریم تا پروژه به موقع اجرا شود.

وی با اشاره به آغاز طرح انتقال آب از دریای عمان به استان‌های شرقی

تکمیل طرح انتقال آب تا نیمه ۱۴۰۳

احداث سازه آبگیر «گیشاب» و تاسیسات نمک‌زدایی در بخش خشکی که شامل اجرای فونداسیون، آرماتوربندی دیوارهای آبگیر و ساخت آبگذرهای دریایی سامانه آبگیری است با پیشرفت فیزیکی ۳۵ درصد در حال اجراست و خرید اعم ملزومات پروژه از جمله ورق‌های تولید لوله‌های خط انتقال آب نیز انجام شده است.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار سیستان و بلوچستان افزود: در فاز اجرای سامانه انتقال آب، عملیات نقشه‌برداری و تملک اراضی به اتمام رسیده و ۴۸۱ کیلومتر خط انتقال آب توسط پیمانکار پروژه در حال اجراست و ۲۲۶ کیلومتر از مسیر نیز در حال حاضر دارای پیمانکار لوله‌گذاری است و این عملیات اجرایی در ۲ جبهه کاری در دره‌بهبشت امسال آغاز خواهد شد.

وی بیان کرد: با توجه به گستردگی این پروژه ملی مشاوران و پیمانکاران متعددی عهده‌دار عملیات اجرایی این طرح است و سبب ایجاد اشتغال برای ۴۲۰ نفر به صورت مستقیم و هزار و ۳۰۰ نفر به

وزیر صمت در جمع خبرنگاران هدف از انجام این سفر را بررسی پروژه‌های انتقال آب دریای عمان برای تامین منابع پایدار شرب و صنعت عنوان کرد و گفت: تامین منابع پایدار واحدهای تولیدی و صنعتی کشور در اولویت برنامه‌های وزارت صمت است و شرکت‌های بزرگ صنعتی و معدنی، ابرپروژه‌های انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان به شرق و فلات مرکزی کشور را در دستور کار قرار داده‌اند. به گزارش شاتا، طرح ملی انتقال آب دریای عمان به استان‌های شرقی کشور با حمایت وزارت صمت و مشارکت بخش خصوصی و با هدف تامین آب مورد نیاز شرب و صنایع و معادن استان‌های شرقی کشور در حال اجراست. طول خطوط اصلی و فرعی این طرح به ۱۷۹۰ کیلومتر می‌رسد و ظرفیت نمک‌زدایی ۸۰۰ میلیون مترمکعب آب دریا در سال را دارد. همچنین نیروگاه سیکل ترکیبی با ظرفیت یک هزار مگاوات در مسیر اجرای این پروژه عظیم پیش‌بینی شده است.

به گفته وزیر صمت، تامین آب و انرژی پایدار برای واحدهای تولیدی صنعتی و معدنی کشور در اولویت برنامه‌های وزارت صمت، معدن و تجارت قرار گرفته است.

■ اعتبار ۱۶۰ هزار میلیارد تومانی

وزیر صمت همچنین در بازدید از طرح ملی نمک‌زدایی و انتقال آب دریای عمان به شرق کشور گفت: پروژه شیرین‌سازی آب دریای عمان

فروردین امسال معاون عمرانی استاندار سیستان و بلوچستان با بیان اینکه طرح ملی نمک‌زدایی و انتقال آب از دریای عمان در مجموع با پیشرفت فیزیکی ۳۱.۱ درصد همراه بوده است، گفت: عملیات اجرایی این طرح ملی که از مهرماه سال ۱۴۰۰ شامل سامانه آبگیر و تاسیسات شیرین‌سازی و نمک‌زدایی برای ظرفیت نهایی ۴.۲ میلیون مترمکعب در روز آب شیرین، سامانه انتقال آب به طول خط ۷۱۸ کیلومتر در استان سیستان و بلوچستان برای ظرفیت ۲۸۰ میلیون مترمکعب در سال، اجرای مسیر و تونل برای احداث ۳ خط لوله برای ظرفیت نهایی انتقال ۸۰۰ میلیون مترمکعب آب در سال و احداث نیروگاه سیکل ترکیبی یک هزار مگاواتی برای تامین انرژی آغاز شد. به گزارش تسنیم، وی افزود: طبق برنامه زمان‌بندی کلان طرح، فاز زود هنگام آن که شامل برداشت آب شور و نمک‌زدایی به حجم ۵۰ هزار مترمکعب در روز است که برای تامین آب مورد نیاز ساحل‌نشینان استان تا نیمه سال ۱۴۰۳ محقق خواهد شد. بیجار گفت: در حال حاضر

پیشنهاد انتقال آب به ۱۷ استان

بر اساس گزارش‌ها، با توجه به کمبود شدید منابع آبی، پیشنهاد انتقال آب دریا به ۱۷ استان برای تامین نیاز بخش‌های مختلف به ویژه صنعت، مطرح شده است. البته تاکنون برای انتقال آب به ۷ استان هرمزگان، کرمان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، یزد، اصفهان و سیستان و بلوچستان، تصمیمات نهایی اتخاذ و وارد مرحله مطالعات تکمیلی و اجرا شده است. تاکنون برای انتقال آب به ۷ استان هرمزگان، کرمان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، یزد، اصفهان و سیستان و بلوچستان، تصمیمات نهایی اتخاذ و وارد مرحله مطالعات تکمیلی و اجرا شده است.

به گزارش ایرنا، طرح انتقال آب از دریای عمان و خلیج‌فارس قرار است در گام نهایی، منابع آبی جدید ۷ استان هرمزگان، کرمان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، یزد، اصفهان و سیستان و بلوچستان را تامین کند. برای اجرای این طرح حدود ۳ هزار و ۷۰۰ کیلومتر لوله‌گذاری خواهد شد که آب خلیج‌فارس و دریای عمان را به ۷ استان تعیین شده، منتقل می‌کند.

استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به ظرفیت‌های فراوان همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا، گفت: این کشورها در یکی دو دهه اخیر رشد اقتصادی چشمگیری داشته‌اند و بازار بزرگ و سهل‌الوصولی برای ما محسوب می‌شوند و یکی از اولویت‌های ما در روابط تجاری و اقتصادی هستند.

عابدین خرم در دیدار سفیر جمهوری اسلامی ایران در اندونزی، با انتقاد از ارتباط ضعیف با کشورهای جنوب شرق آسیا در گذشته، اظهار کرد: در دولت گذشته، روابط خارجی بر روی غرب متمرکز شده و از ظرفیت

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

آب دریای عمان ۱۴۰۴ به خراسان جنوبی می‌رسد

مصطفی ملائی: علیرضا عباس‌زاده در جمع خبرنگاران به تشریح برنامه تامین آب بلندمدت استان از دریای عمان و خلیج‌فارس توسط دولت پرداخت و گفت: مسیریابی انتقال آب در حوزه سرزمینی خراسان جنوبی توسط این پیمانکاران از سربیشه تا نهبندان و از نهبندان تا قائنات در حال انجام است.



به گزارش خبرنگار **سمنان** از خراسان جنوبی، علیرضا عباس‌زاده به راهکارهای دولت سیزدهم برای تامین آب بلندمدت استان اشاره کرد و گفت: برای این منظور انتقال آب از خلیج‌فارس و دریای عمان برای خراسان جنوبی در دستور کار قرار گرفته و اجرای این طرح‌ها مصوب شده است.

معاون استاندار خراسان جنوبی تصریح کرد: خط دوم انتقال آب از خلیج‌فارس و خط چهارم انتقال آب از دریای عمان برای خراسان جنوبی مصوب شده که البته در مراحل اجرا انتقال آب از دریای عمان با اولویت دنبال می‌شود.

وی افزود: با توجه به اینکه خط انتقال آب از دریای عمان نسبت به طرح انتقال آب خلیج‌فارس باید مسیر هموارتری را طی کند از طرفی کم‌هزینه‌تر است، باعث شده که اجرای این طرح برای تامین آب شرق کشور و خراسان جنوبی در اولویت قرار گیرد.

عباس‌زاده با بیان اینکه طرح انتقال آب از دریای عمان برای خراسان جنوبی اجرایی‌تر تشخیص داده شده و در اولویت قرار گرفته است گفت: براساس توپوگرافی (عارضه‌نگاری) مسیر، انتقال آب از دریای عمان برای استان راحت‌تر و به صرفه‌تر است، در حالی که برای انتقال آب از خلیج‌فارس به استان، منطقه کوهستانی در مسیر قرار دارد که روند اجرای طرح را با تاخیر مواجه خواهد کرد.

وی ادامه داد: برآورد کارشناسان این است که انتقال آب از دریای عمان برای خراسان جنوبی آسان‌تر است از طرفی دریای عمان به آب‌های آزاد متصل است و مسائل زیست محیطی کمتری دارد بنابراین اولویت دولت این شده که انتقال آب از دریای عمان برای مناطق شرقی مدنظر قرار گیرد.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی گفت: در فاز اول ۶۰ میلیون متر مکعب و در افق طرح تا ۱۸۰ میلیون متر مکعب امکان تامین آب از طریق خط انتقال آب از دریای عمان برای خراسان جنوبی وجود دارد و نرخ تمام شده این آب با توجه به اجرای خط انتقال و شیرین‌سازی، گران است.

وی بیان کرد: طول این خط بیش از هزار و ۸۰۰ کیلومتر است که ۵۰۰ کیلومتر آن در حوزه سرزمینی خراسان جنوبی اجرا خواهد شد. عباس‌زاده با اشاره به اینکه افق اجرای طرح انتقال آب از دریای عمان به خراسان جنوبی ۱۴۰۴ است افزود: خطوط فرعی انتقال آب برای همه شهرستان‌های استان در نظر گرفته شده و از مزایای این طرح برخوردار خواهند شد. وی عنوان کرد: همچنین در چند روز آینده به همراه استاندار خراسان جنوبی و مجری این طرح در داخل استان بازدید خواهیم داشت.

معاون استاندار خراسان جنوبی گفت: انتقال آب از دریای عمان طرحی مهم، حیاتی و هزینه‌بر است که در دستور کار دولت سیزدهم برای تامین آب شرق کشور قرار گرفته و این آب ابتدا برای مصرف پیش‌بینی شده است که نیاز اصلی ما برای توسعه سرمایه‌گذاری و اقتصادی خراسان جنوبی رفع خواهد شد.

وی تامین آب را از موضوع محوری تامین امنیت منطقه دانست و اضافه کرد: تامین آب برای فلات مرکزی ایران و استان‌های شرقی کشور به دلیل مسائل اقلیمی بسیار مهم است. عباس‌زاده همچنین با تاکید بر رعایت الگوی مصرف آب در خراسان جنوبی به دلیل کم آبی اظهار کرد: ما در استان از منابع آب سطحی محروم هستیم و بیش از ۹۹ درصد منابع آبی خراسان جنوبی از منابع آب زیرزمینی تامین می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به کاهش ۱۷ درصدی بارندگی‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۱) نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته گفت: بارندگی‌های استان نسبت به میانگین بلندمدت هم ۳۱ درصد کاهش دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان جنوبی ادامه داد: در مقایسه دو دوره ۲۰ساله اخیر در استان (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) حداقل ۲۳ درصد کاهش بارندگی را داریم که نشان از تجربه یک دوره شدید خشکسالی دارد و هر سال شدت خسارت ناشی از خشکسالی بیشتر می‌شود.

خرم با تاکید بر افزایش روابط اقتصادی و تجاری استان با اندونزی، گفت: باید زمینه توسعه همکاری‌های آذربایجان شرقی با استان‌های اندونزی فراهم شود. وی افزود: آذربایجان شرقی دروازه ارتباط ایران با اروپا نیز محسوب می‌شود و همین امر می‌تواند در تسهیل ترانزیت کالاهای صادراتی اندونزی نقش ایفا کند.

سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در اندونزی نیز در این دیدار گفت: اندونزی یک کشور بسیار بااهمیت برای ما و جزو ۵ کشور نخست در معاملات خارجی ایران است که متأسفانه به اندازه کافی دیده نشده است.

سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در اندونزی نیز در این دیدار گفت: اندونزی یک کشور بسیار بااهمیت برای ما و جزو ۵ کشور نخست در معاملات خارجی ایران است که متأسفانه به اندازه کافی دیده نشده است.

سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در اندونزی نیز در این دیدار گفت: اندونزی یک کشور بسیار بااهمیت برای ما و جزو ۵ کشور نخست در معاملات خارجی ایران است که متأسفانه به اندازه کافی دیده نشده است.

سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در اندونزی نیز در این دیدار گفت: اندونزی یک کشور بسیار بااهمیت برای ما و جزو ۵ کشور نخست در معاملات خارجی ایران است که متأسفانه به اندازه کافی دیده نشده است.

توسعه روابط اقتصادی آذربایجان شرقی با جنوب شرق آسیا

کشورهایی مانند جنوب شرق آسیا غفلت شد.

وی با اشاره به ظرفیت‌های بالای تبریز در حوزه مبادلات بین‌المللی، گفت: تبریز تا چند دهه قبل دروازه ورود مظاهر نوین تمدن به ایران بود و محور توسعه مناسبات سیاسی ایران با کشورهای منطقه محسوب می‌شد. وی به ظرفیت‌های استان در حوزه‌های علمی، فناوری، پزشکی و دارویی نیز اشاره کرد و گفت: تبریز از لحاظ بازرگانی نیز سابقه طولانی دارد، به گونه‌ای که نخستین اتاق بازرگانی کشور ۱۱۷ سال قبل در تبریز تاسیس شده است.

کشورهایی مانند جنوب شرق آسیا غفلت شد. وی با اشاره به ظرفیت‌های بالای تبریز در حوزه مبادلات بین‌المللی، گفت: تبریز تا چند دهه قبل دروازه ورود مظاهر نوین تمدن به ایران بود و محور توسعه مناسبات سیاسی ایران با کشورهای منطقه محسوب می‌شد. وی به ظرفیت‌های استان در حوزه‌های علمی، فناوری، پزشکی و دارویی نیز اشاره کرد و گفت: تبریز از لحاظ بازرگانی نیز سابقه طولانی دارد، به گونه‌ای که نخستین اتاق بازرگانی کشور ۱۱۷ سال قبل در تبریز تاسیس شده است.

کشورهایی مانند جنوب شرق آسیا غفلت شد. وی با اشاره به ظرفیت‌های بالای تبریز در حوزه مبادلات بین‌المللی، گفت: تبریز تا چند دهه قبل دروازه ورود مظاهر نوین تمدن به ایران بود و محور توسعه مناسبات سیاسی ایران با کشورهای منطقه محسوب می‌شد. وی به ظرفیت‌های استان در حوزه‌های علمی، فناوری، پزشکی و دارویی نیز اشاره کرد و گفت: تبریز از لحاظ بازرگانی نیز سابقه طولانی دارد، به گونه‌ای که نخستین اتاق بازرگانی کشور ۱۱۷ سال قبل در تبریز تاسیس شده است.

<div><div> </div>سه‌شنبه</div>	
۲۴ مرداد ۱۴۰۲ – ۲۸ محرم ۱۴۴۵ – ۱۵ اوت ۲۰۲۲ – شماره ۲۳۸۲ – بیاپی۲۷۰۱	
منفعت معدن تجارت	
مشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منفعت www.smtnews.ir/about.html	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «منفعت»	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
<p>سازمان آگهی‌ها: ۸۸۷۲۷۲۲۲ – ۰۹۹۹۹۱۹۵۷۶۱</p> ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com	
تلفن: ۸۲۱۹۰ – شماره(داخلی: ۱۰۴) – پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰	
امور مشتری‌کین: ۸۸۷۲۷۲۲۵ – روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۲۰۹	
توزیع و وسازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۷۲۲۵	
تهران، خیابان قائم مقام فرحانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کد پستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱۱	
روابط عمومی: pr@smtnews.ir	
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir	
چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir	info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews	instagram.com/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com	
روزنامه منفعت با رتبه ۱	
در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱	
در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲	
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی	
عضو انجمن مدیران رسانه	
عضو تعاونی مطبوعات	



کاشیخ به سرشورشت دریاچه ارومیه دچار نشود!
خزر در خطر است

کاهش ۱.۸۰ سانتیمتری تراز خزر طی ۱۰ سال و کاهش ۵۰ سانتیمتری سطح آب این دریا در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ زنگ هشدار را برای ۲ استان ساحلی شمالی به صدا درآورده است که

مبادا سرنوشتی مشابه دریاچه ارومیه در انتظار این دریا باشد و این منطقه محلی برای جولان توفان‌های محلی و گرد و خاک شود. به گزارش ایرنا، سازمان بنادر و دریانوردی در تحلیلی که بر

تشدید تراز منفی آب خزر

مدیر مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر در گفت‌وگو با ایرنا گفت: طبق بررسی‌های انجام شده سطح آب دریای خزر در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ معادل ۲۶ سانتیمتر کاهش یافت. این در شرایطی است که در سال ۱۴۰۰ نیز سطح آب این دریا ۲۴ سانتیمتر افت داشت.

سیده معصومه بنی‌هاشمی، نوسانات آب و تغییرات دوره‌ای را از ویژگی‌های بارز دریای خزر دانست که پدیده‌ای شناخته شده در بین ساحل‌نشینان شمال کشور به‌شمار می‌رود و عنوان کرد: بررسی نوسانات آب این دریاچه از سال ۱۸۲۷ میلادی در ایستگاه‌های ترازسنجی نشان داد رفتار دریای خزر با توجه به دوره‌های افزایشی و کاهشی به‌ویژه در ۵۰ سال اخیرافت‌وخیزهای زیادی داشته که اثرات آن به‌وضوح در سواحل مشهود است.

به گفته وی، طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۶ شمسی سطح آب دریای خزر به طور کلی روندی کاهشی داشت و به پایین‌ترین سطح خود در سال ۱۳۵۶ رسید. پس از آن در دهه ۶۰ و ۷۰ سطح آب نزدیک ۲.۵ متر تا سال ۱۳۷۴ افزایش یافت و از سال ۱۳۷۴ تا حال حاضر نیز تراز آب این دریاچه روندی کاهشی داشته است.

مدیر مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر با بیان اینکه دوره کاهش آب دریای خزر طی این سال‌ها دارای روند یکسانی نبوده است، اظهار کرد: از سال ۱۳۸۵ تاکنون سالانه سطح آب دریای خزر ۱۰

کارتون روز



نگاه روز

دیگر هیچ جنگی «طرف پیروز» ندارد

هتری کیسینجر روزگاری گفته بود: «ارتش‌ها اگر پیروز نشوند، باخته‌اند؛ ولی چریک‌ها اگر نیازند، پیروز شده‌اند». حالا به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین و پرهزینه‌ترین ارتش جهان، یعنی ارتش آمریکا، برعکس این گفته را به سرلوحه کار خود تبدیل کرده است: آمریکا می‌جنگد، و بدون آنکه پیروز شود، مصرانه جنگیدن را ادامه می‌دهد. گویی صرف همین جنگیدن کافی باشد، چرا این فرآیند ادامه پیدا می‌کند؟

تام انگلهارت، یکی از مشهورترین روزنامه‌نگاران آمریکا در زمینه جنگ و سیاست خارجی، در یادداشتی در مجله نیشنن این موضوع را بررسی کرده است که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید.

من در بحبوحه جدالی عالمگیر که «جنگ جهانی دوم» نام گرفت متولد شدم. درست است که پیش از آنکه بتوانم نام پدر و مادرم را صدا بزنم، این جنگ با بمباران هیروشیما و ناگازاکی پایان یافت، ولی من به‌طرز عجیبی در میان جنگ بزرگ شدم.

پدرم سن ۳۵سالگی، یک روز بعد از حمله ژاپن به پرل هاربر، داوطلبانه به فتنگ‌داران هوایی ارتش پیوست.

او در برمه جنگید و سرانجام هم‌زمان با روز یادبود پرل هاربر در سال ۱۹۸۳ درگذشت. با اینکه او هرگز درباره تجربیات زمان جنگش چیزی تعریف نمی‌کرد، اما جنگ را با خود به خانه ما آورد.

اما او چطور جنگ را به خانه آورد؟ معمولا به‌صورت خشم. حال این خشم یا به دلیل خرید مادرم از خواربارفروشی نزدیک خانه بود که به گمان پدرم صاحبش موقع جنگ مشغول «سودجویی از جنگ» بوده، یا به این دلیل که نخستین اتومبیل من یک فولکس‌واگن کارکرده (آلمانی!) بود، یا خشمی به دلیل علاقه مادرم به رفتن به رستورانی ژاپنی! پناه‌بخدا! من دو منبع برای آگاهی از تجربیات جنگی پدرم داشتم. اولی یک کیسه پارچه‌ای سبزرنگ در کمد اتاق پذیرایی که پر بود از یادگارهای دوران جنگش، دومی، سنیمنا. جایی که مرتب با هم می‌رفتیم و کنار هم، انواع گوناگونی از جنگ‌های آمریکایی را از جنگ‌های سرخ‌پوستی گرفته تا جنگ جهانی دوم دیدم.

همان‌طور که در کتابم زوال فرهنگ پیروزی نوشته‌ام پس از جنگ‌های سرخ‌پوستی، جنگ همیشه شرح وحتی‌گری آنها و خوبی ما بوده است؛ ما پیروز می‌شدیم، «آنها» شکست می‌خوردند و «مایاش کشتار» آغاز می‌شد. فیلم‌هایی که دراین‌باره ساخته می‌شدند سرشار بودند از لذت مشاهده صحنه‌های کشتار صدها غیرسفی‌دپوست.

اکنون بیش از ۶۰سال از زمانی که پدرم به جنگ رفته بود، گذشته است و من با آنکه در هیچ جنگی شرکت نکرده‌ام ولی در تمام عمر، فکرم روی جنگ متمرکز بوده است و درباره آن بسیار نوشته‌ام.

چیزی که پس از این تجربیات مرا شگفت‌زده کرده این است که آمریکا با بزرگ‌ترین ارتش روی زمین و بودجه نظامی‌ای که بیشتر از کل مجموع ۹ کشور بعدی است، از جنگ جهانی دوم به این سو، در هیچ -باز هم تکرار می‌کنم: «هیچ»- جنگ مهمی پیروز نشده است.

تاریخ جنگ‌های بزرگ ایالات متحده بعد از ۱۹۴۵ را مرور کنید: جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ نیابتی با شوروی در افغانستان، جنگ گرنادا، جنگ خلیج‌فارس، و نهایتا زنجیره‌ای از جنگ‌ها علیه «ترور».

جنگ علیه ترور، باوجود آنکه میلیون‌ها انسان را در چندین کشور دنیا به کام مرگ کشانده و میلیاردها دلار هزینه داشته است، در نهایت منجر به گسترش دهشتناک گروه‌های تروریستی در تمام جهان شده است. و با این‌حال، هیچ افقی از پیروزی در آن دیده نمی‌شود. چرا چنین شده است؟

به نظرم کاملا مشخص است که چرا این وضع پیش آمده است. این جنگ‌های فرسایشی باعث شده‌اند تا هر سال بودجه پنتاگون افزایش یابد و اکنون در استانه رسیدن به یک تریلیون دلار است. اگر ارتش آمریکا از سال ۱۹۴۵ تا امروز یک موفقیت حائز اهمیت به‌دست آورده باشد، این است که گران‌ترین و پرهودجه‌ترین نهاد این کشور شده است. اما به موازات این، دوران جنگ‌های کلاسیکی که در آن ارتش بزرگز پیروزی را رقم می‌زد به پایان رسیده است.

امروزخلاف دوره‌های گذشته، فارغ از اینکه در میدان جنگ چه رخ دهد، کمتر احتمال دارد قدرت‌های بزرگ پیروز شوند. ای کاش تجربه جنگ‌افروزی‌های آمریکا درسی برای دولت‌مردان روسیه و چین هم داشته باشد.

اگر از همه مطالعاتم درباره «قدرت‌های بزرگ» و «جنگ» یک چیز آموخته باشم، این است که بزرگی این قدرت‌ها فقط به کار نابودی می‌آید؛ چه نابودکردن دشمنان‌شان و چه نابودکردن خودشان.

جهان درگیر تورم انرژی و جنگ



قربانعلی تنگ شیر

مدرس دانشگاه

بحران مستمر یا (دوره‌ای متعادلی از ناپایداری و عدم امنیت) شاخصه‌ای اصلی این ۳ شوک بزرگ جهان کنونی است. افزایش نرخ انرژی و مواد غذایی باعث شده‌اند عمده کشورهای جهان به بالاترین سطح تورم خود از دهه ۸۰ برسند و این مسئله به چالشی بزرگ برای دولت‌ها تبدیل شده است.

جنگ اوکراین، تداوم تنش بین آمریکا و چین، شکاف‌های بین اتحادیه اروپا و بازسازی نظام انرژی جهانی و جنگ‌های دیگر از مهمترین رخدادهای مهم جهان کنونی ما است.

با فروکش کردن اپیدمی کرونا در جهان هم اکنون باید نگران بالا رفتن نمودارهای نرخ انرژی در همه کشورها باشیم. تورم جهانی در حدود اعداد دو رقمی است که باعث افزایش نرخ بی‌سابقه بهره بانکی نیز شده است البته هرچه نرخ بهره برای مبارزه با تورم بالاتر برود توانایی خرج کردن مصرف کننده‌ها هم پایین‌تر می‌آید و نرخ بیکاری بالا می‌رود از طرف دیگر بحران پناهندگان را باید به دشواری‌های کشورهای پذیرنده اضافه کرد.

البته تحریم نیز به یکی از ابزارهای بازدارنده تبدیل شده است که نقش بزرگی در اقتصاد کشورها را بازی می‌کند و در این شرایط صنایع زیر نیز دستخوش تغییرات عمده خواهند شد. صنعت خودرو، صنعت دفاع و هوا فضا، صنعت انرژی، سرگرمی، خدمات مالی، مواد غذایی و کشاورزی، بهداشت و درمان، زیرساخت، فناوری اطلاعات، رسانه، فلزات معادن، مسکن، خرده‌فروشی، مخابرات سفر و گردشگری همگی در جریان اتفاقات جهانی دستخوش تغییرات عمده‌ای شده‌اند. بسیاری معتقدند باید منتظر رخدادهای جدیدی نیز در جهان باشیم. جنگ‌های جدید، اوج‌گیری چین، تغییرات اقلیمی، سایه رکورد، ادامه درگیری‌های اوکراین و روسیه، کشمکش‌های داخلی آمریکا، تغییر اتحادها، توریست جبرانی (افزایش سفرهای توریستی) افزایش را فقر و کاهش تولید مواد غذایی و تبدیل گرسنگی به بحرانی جهانی، نامنی غذایی از جمله قطعی. گرسنگی قریب به ۵۰ میلیون نفر در جهان را تمدید می‌کند. جهان از آن کسانی است که چشم‌انداز مالی و اقتصادی خوبی را پیش‌بینی می‌کنند و رهبران توانمند دارند که بتوانند از منابع موجود خود بهترین بهره‌برداری را به کنند.

آب در مسیر رویا شدن!

آخرین ویرانی عظیمی که در شرق ایران رخ داد، حلا ۷۵۰ سالگی را نیز رد کرده است. همان ویرانی که عظامک جونی، از تاریخ‌نگاران آن دوران چنین توصیفاش کرد: «هر کجا که ۱۰۰ هزار کس بود، ۱۰۰ کس نماند».

امروز شاید این منطقه، دیگر نگران حمله چنگیزخان نباشد اما یک دشمن بی‌کمان و شمشیر، کابوس این شرقی غمگین شده است. کابوسی که حق حیات را نشانه رفته و به ۱۷۰ سال تنش بر سر حقایه یک رود بازمی‌گردد و حال با بد عهدی چندباره دولت‌های همسایه به بحران رسیده است.

«خشکسالی تحمیلی حاصل بی‌تدبیری»، «خاک از سرم گذشته، به من آب می‌دهید؟»، «همایند ناکارآمد، استعفا استعفا»، «سفیر بی‌لیاقت، نمی‌خوایم نمی‌خوایم»، از جمله شعارهایی بود که هفته گذشته در بزرگ‌ترین تجمع اعتراضی مردم سیستان نسبت به عدم تخصیص حقایه هیرمند و انتقاد از سیاست خارجی ایران در مذاکرات آبی با طالبان فریاد شد.

تجمعی با حضور بیش از ۳هزار نفر در میدان یعقوب لیث که چهارمین تجمع اعتراضی این مردم به تنگ آمده، طی ۲ سال اخیر به شمار می‌رفت.

درحالی که، ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه درباره سفر تیم ۱۱ نفره از ایران به افغانستان مدعی شد که هرچند تبادل هیات‌ها رسانه‌ای نمی‌شود اما موضوع آب جزو موضوعات مورد توجه و اهتمام جدی این وزارتخانه است.

❑ **حق حیات سیستان و بلوچستان**

«یک ماه پیش که از این استان بازدید کردم، چانهیماها به کمینه خود رسیده‌اند و اینطور که گزارش شده تا آخر خرداد به آستانه گل آلودها می‌رسد و تصفیه‌خانه‌ها قدرت تصفیه آن را نخواهند داشت و شرایط بسیار سخت و دشوار می‌شود و عملا آبی برای شرب مردم وجود ندارد. در طول همین یکی‌دو هفته بیش از ۱۰ هزار نفر از مردم زابل مهاجرت کرده‌اند.

این مسئله می‌تواند مانند دهه ۴۰ موج مهاجرت بزرگی در پی داشته باشد و موجب شود مردم سیستان وبلوچستان منطقه را ترک کنند. مهاجرت آنها تنش‌های اجتماعی و امنیتی فوق‌العاده‌ای برای ایران به‌وجود می‌آورد و نباید اجازت دهیم کار به اینجا برسد. چون تأمین آب با تانکر هم بسیار سخت و دشوار است.» این اظهارات را چندی پیش، محمد درویش، فعال محیط‌زیست درباره اهمیت هیرمند برای حیات سیستان و بلوچستان عنوان کرده بود.

به گفته این کارشناس محیط‌زیست اگر بیشتر مناطق ایران با بحران بی‌آبی و خشکسالی گلاویز است این بحران در شرق ایران به دلیل محدودیت‌های آبی، دو چندان است. می‌توان گفت بیش از ۸۰ درصد از حیات ساکنان سیستان، منکی بر هیرمند و حقایه کشور از این رود است. حقایه‌ای که تنه ۴ درصد از آن وارد کشور شده است؛ یعنی فقط ۴ میلیون از حقایه ۸۲۰ میلیون متر مکعبی!

❑ **از سال ۹۷ حقایه تأمین شد**

طی دهه‌ای گذشته، افغانستان بارها از عمل به تعهد خود نسبت به حقایه ایران سر باز زد. ابتدا سد کجکی و بعد کامالخان، ایجاد پمپ‌های در مسیر هیرمند برای کشاورزی در افغانستان باعث شد اساسا مسیر هیرمند منحرف شود.

طبق ادعای مدیرعامل آفا سیستان و بلوچستان، از سال ۹۷ و بعد از سیلاب ورودی به ایران که عملا برای افغانستان قابل کنترل نبود، هیچ‌گونه آبی به سمت ایران رهاسازی نشده است، گاهی سیلاب‌های موقت که به دشت‌مال معروف هستند و عمدتا رسوبات بادی مسیر رودخانه است که با آن بسیار کم به سمت ایران سرازیر شده و در مبدأ ورودی خشک می‌شوند نیز تأییری در تأمین آب ندارند.

حالا حتی وقوع سیلاب هم آب را به جای ایران به شوره‌زاری به نام گودزره وارد می‌کند. روندی که به نظر می‌رسد نه تعهد افغانستان برای تأمین معیشت مردم خود. همچنین برخی تصاویر ماهواره‌ای حکایت از بالا رفتن ذخیره آب پشت سد کجکی و کمال‌خان دارد.

یادداشت

از فضای مجازی